

احكام نوجوانان

مطابق با فتاوى مرجع عاليقدر
حضرت آية الله العظمى حاج شيخ يوسف صانعى

ناشر: انتشارات ميثم تمار

www.saanei.org

www.feqh.org

فهرست مطالب

- خلاصه ای از زندگینامه ... ۴
- برخی سجایای اخلاقی، اجتماعی معظم له ... ۱۴
- اجتهاد و تقلید ... ۶
- فرق بین احتیاط مستحب و احتیاط واجب ... ۶
- نشانه های بلوغ ... ۷
- طهارت ... ۷
- احکام مُردار ... ۸
- احکام خون ... ۸
- چیز یاک چگونه نجس می شود ... ۸
- مُطَهَّرَات (پاک کننده ها) ... ۹
- احکام آبها ... ۹
- آب قلیل ... ۱۰
- آبهای گُر، جاری و چاه ... ۱۰
- چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم ... ۱۰
- زمین ... ۱۰
- آفتاب ... ۱۰
- اسلام ... ۱۱
- برطرف شدن عین نجاست ... ۱۱
- وضو ... ۱۱
- چگونه وضو بگیریم ... ۱۱
- توضیح اعمال وضو ... ۱۱
- شستن ... ۱۱
- مسح ... ۱۲
- شرایط وضو ... ۱۲
- توضیح شرایط وضو ... ۱۲
- وضوی جَبیره ای ... ۱۳
- چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت ... ۱۴
- چگونه وضو باطل می شود؟ ... ۱۴
- غسل ... ۱۵
- شیوه غسل ... ۱۵
- شرایط صحیح بودن غسل ... ۱۵
- غسلهای واجب ... ۱۵
۱. غسل جنابت ... ۱۶
- چیزهایی که بر جُنُب حرام است ... ۱۶
۲. غسل میّت ... ۱۶
۳. غسل مسّ میّت ... ۱۶
- غسلهای مخصوص دختران و بانوان ... ۱۶
۱. غسل حیض (قاعدگی) ... ۱۶
۲. غسل استحاضه ... ۱۷
۳. غسل نفاس ... ۱۷
- تیمّم ... ۱۷
- کیفیت تیمّم ... ۱۸
- چیزهایی که تیمّم بر آنها صحیح است ... ۱۸
- احکام تیمّم ... ۱۸
- نماز ... ۱۸
- اقسام نماز ... ۱۹
- نمازهای واجب یومیّه ... ۱۹
- وقت نمازهای روزانه ... ۱۹
- وقت نماز صبح ... ۱۹
- وقت نماز ظهر و عصر ... ۱۹
- وقت نماز مغرب و عشا ... ۱۹
- نیمه شب ... ۱۹
- احکام وقت نماز ... ۱۹
- نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود ... ۲۰
- احکام قبله ... ۲۰
- پوشانیدن بدن در نماز ... ۲۰
- بدن و لباس نمازگزار ... ۲۰
- مکان نمازگزار ... ۲۱
- احکام مکان نمازگزار ... ۲۱
- احکام مسجد ... ۲۱
- آمادگی برای نماز ... ۲۲
- اذان و اقامه ... ۲۲
- ترجمه اذان و اقامه ... ۲۲
- احکام اذان و اقامه ... ۲۳
- اعمال نماز ... ۲۳
- واجبات نماز ... ۲۳
- رکنهای نماز ... ۲۳
- فرق بین رُکن و غیر رُکن ... ۲۳
- احکام واجبات نماز ... ۲۳
۱. نیت ... ۲۴
۲. تکبیرة الاحرام ... ۲۴
۳. قیام (ایستادن) ... ۲۴
۴. قرائت ... ۲۴
- سوره حمد ... ۲۴
- سوره توحید ... ۲۴
- تسبیحات اربعه ... ۲۴
- احکام قرائت ... ۲۴
۵. رکوع ... ۲۵

<u>شرایط نماز جماعت... ۳۵</u>	<u>۶. سجود... ۲۵</u>
<u>ببوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)... ۳۵</u>	<u>وظیفه کسی که نمی تواند به طور معمول سجده کند ...</u>
<u>رکعت اول... ۳۶</u>	<u>۲۵</u>
<u>رکعت دوم... ۳۶</u>	<u>سجده های واجب قرآن... ۲۶</u>
<u>رکعت سوم... ۳۶</u>	<u>۷. تشهد... ۲۶</u>
<u>رکعت چهارم... ۳۶</u>	<u>۸. سلام نماز... ۲۷</u>
<u>احکام نماز جماعت... ۳۶</u>	<u>۹. ترتیب... ۲۷</u>
<u>نماز جمعه... ۳۶</u>	<u>۱۰. مؤالات... ۲۷</u>
<u>چگونگی نماز جمعه... ۳۶</u>	<u>قنوت... ۲۷</u>
<u>شرایط نماز جمعه... ۳۷</u>	<u>تعقیب نماز... ۲۷</u>
<u>وظیفه نماز گزاران جمعه... ۳۷</u>	<u>ترجمه نماز... ۲۷</u>
<u>نماز آیات... ۳۷</u>	<u>تکبیرة الاحرام... ۲۷</u>
<u>چگونگی نماز آیات... ۳۷</u>	<u>۱. ترجمه سوره حمد... ۲۷</u>
<u>احکام نماز آیات... ۳۷</u>	<u>۲. ترجمه سوره توحید... ۲۸</u>
<u>نماز های مستحب... ۳۸</u>	<u>۳. ترجمه ذکر رکوع... ۲۸</u>
<u>نماز عید... ۳۸</u>	<u>۴. ترجمه ذکر سجود... ۲۸</u>
<u>وقت نماز عید... ۳۸</u>	<u>۵. ترجمه تسبیحات اربعه... ۲۸</u>
<u>چگونگی نماز عید... ۳۸</u>	<u>۶. ترجمه تشهد و سلام... ۲۸</u>
<u>نافله های شبانه روزی... ۳۸</u>	<u>مُبطلات نماز... ۲۹</u>
<u>نماز شب... ۳۸</u>	<u>احکام مبطلات نماز... ۲۹</u>
<u>وقت نماز شب... ۳۸</u>	<u>سخن گفتن... ۲۹</u>
<u>نماز غُفیله... ۳۸</u>	<u>خندیدن و گریستن... ۲۹</u>
<u>کیفیت نماز غفیله... ۳۹</u>	<u>روی از قبله برگرداندن... ۲۹</u>
<u>روزه... ۳۹</u>	<u>خوردن و آشامیدن... ۲۹</u>
<u>نیت روزه... ۳۹</u>	<u>برهم زدن صورت نماز... ۳۰</u>
<u>مُبطلات روزه... ۳۹</u>	<u>برخی از چیزهایی که در نماز مکروه است... ۳۰</u>
<u>احکام مُبطلات روزه... ۳۹</u>	<u>شکایات نماز... ۳۰</u>
<u>۱. خوردن و آشامیدن... ۳۹</u>	<u>شک در اجزای نماز... ۳۰</u>
<u>تزییق آمیول... ۳۹</u>	<u>شکهایی که نماز را باطل می کند... ۳۰</u>
<u>۲. رساندن غبار غلیظ به حلق... ۳۹</u>	<u>شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد... ۳۱</u>
<u>۳. فرو بردن تمام سر در آب... ۴۰</u>	<u>شکهای صحیح... ۳۱</u>
<u>۴. قی کردن... ۴۰</u>	<u>نماز احتیاط... ۳۲</u>
<u>قضا و کفاره روزه... ۴۰</u>	<u>سجده سهو... ۳۲</u>
<u>روزه قضا... ۴۰</u>	<u>نماز مسافر... ۳۳</u>
<u>کفاره روزه... ۴۰</u>	<u>وطن کجاست؟... ۳۴</u>
<u>احکام قضا و کفاره روزه... ۴۰</u>	<u>قصد ده روز... ۳۴</u>
<u>روزه مسافر... ۴۱</u>	<u>نماز قضا... ۳۴</u>
<u>زکات فطره... ۴۱</u>	<u>نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است... ۳۵</u>
<u>مقدار زکات فطره... ۴۱</u>	<u>نماز جماعت... ۳۵</u>
<u>خُمس... ۴۱</u>	

- [احکام خمس ... ۴۲](#)
[مصرف خمس ... ۴۲](#)
[زکات ... ۴۳](#)
[احکام زکات ... ۴۴](#)
[مصرف زکات ... ۴۴](#)
[احکام صدقه دادن ... ۴۴](#)
[برخی از آداب صدقه دادن ... ۴۴](#)
[بعضی از مواردی که صدقه دادن خصوصیت دارد ... ۴۴](#)
[احکام خرید و فروش ... ۴۵](#)
[به هم زدن معامله ... ۴۵](#)
[احکام اجاره ... ۴۶](#)
[شرایط مالی که آن را اجاره می دهند ... ۴۶](#)
[قرض ... ۴۶](#)
[انقسام قرض ... ۴۶](#)
[احکام قرض ... ۴۶](#)
[امانتداری ... ۴۷](#)
[احکام امانتداری ... ۴۷](#)
[عاریه ... ۴۷](#)
[اشیای پیدا شده ... ۴۷](#)
[عوض شدن کفش ... ۴۸](#)
[غصب ... ۴۸](#)
[خوردن و آشامیدن ... ۴۹](#)
[آداب غذا خوردن ... ۴۹](#)
[آداب آب نوشیدن ... ۴۹](#)
[احکام سر بریدن حیوان ... ۵۰](#)
[شرایط سر بریدن حیوان ... ۵۰](#)
[احکام شکار کردن با اسلحه ... ۵۰](#)
[صید ماهی ... ۵۰](#)
- [احکام نگاه کردن، ازدواج ... ۵۱](#)
[نگاه کردن ... ۵۱](#)
[محرّم و نامحرّم ... ۵۱](#)
[نگاه به دیگران ... ۵۲](#)
[ازدواج ... ۵۲](#)
[احکام سلام کردن ... ۵۲](#)
[آداب سلام کردن ... ۵۲](#)
[احکام قرآن ... ۵۲](#)
[لمس کردن خطوط قرآن ... ۵۳](#)
[قسم خوردن ... ۵۳](#)
[استثنائات ... ۵۴](#)
[غنا و موسیقی ... ۵۴](#)
[کف زدن و رقصیدن ... ۵۴](#)
[بُرد و باخت ... ۵۴](#)
[نقاشی و مجسمه سازی ... ۵۵](#)
[غیبت ... ۵۵](#)
[تهمت ... ۵۵](#)
[تجسس ... ۵۵](#)
[دروغ ... ۵۵](#)
[تشبه به کفار ... ۵۵](#)
[مواد مخدر ... ۵۶](#)
[ترقه ... ۵۶](#)
[اذیت کردن حیوانات ... ۵۶](#)
[توبه ... ۵۶](#)
[خواب دیدن ... ۵۶](#)
[پادآوری ... ۵۶](#)
[واژه نامه ... ۵۷](#)

خلاصه ای از زندگینامه حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی (مدظله العالی)

حضرت آیه الله العظمی صانعی، در سال ۱۳۱۶ ش، در خانواده ای روحانی در روستای نیک آباد اصفهان ولادت یافتند. جد ایشان آیه الله حاج ملا یوسف صانعی، از علمای پرهیزگار و وارسته زمان خود بودند. پدرشان مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد علی صانعی نیز عالم و ارسته و روحانی زاهد و با تقوایی بودند و همواره ایشان را به فراگیری علوم حوزوی فرا می خواندند. این گونه بود که معظم له، در سال ۱۳۲۵ ش، وارد حوزه علمیه اصفهان شدند و سپس در سال ۱۳۳۰ ش، برای ادامه تحصیل، به حوزه علمیه قم عزیمت کردند.

ایشان در امتحانات سطوح عالی حوزه در سال ۱۳۳۴ ش، رتبه اول را احراز نمودند و مورد تشویق مرحوم آیه الله العظمی بروجردی (قدس سره) قرار گرفتند. از همین سال بود که با توجه به ویژگیهای منحصر به فرد درس خارج حضرت امام خمینی (قدس سره)، در آن شرکت نمودند و توانستند با نبوغ و جدیت خود، تا سال ۱۳۴۲، مستمراً از حوزه درس اصول و فقه امام و مبانی مُتقن ایشان، بهره برده، در زمره شاگردان برجسته ایشان قرار گیرند.

آیه الله العظمی صانعی، به دلیل نبوغ و استعداد فراوان و با اهتمام و توفیق الهی، توانستند در ۲۲ سالگی به مرحله اجتهاد دست یابند. ایشان علاوه بر سالها تلمذ در حوزه درس امام، از محضر اساتید بزرگی چون آیه الله العظمی بروجردی، آیه الله العظمی محقق داماد و آیه الله العظمی اراکی نیز بهره برده اند و از سال ۱۳۵۴، رسماً تدریس درس خارج فقه و اصول را در مدرسه حقانی (شهیدین) شروع نمودند. حضرت امام خمینی (قدس سره) درباره ایشان فرمودند:

«من آقای صانعی را مثل يك فرزند، بزرگ کرده ام. این آقای صانعی، وقتی که سالهای طولانی در مباحثاتی که ما داشتیم، تشریف می آوردند.

ایشان، بالخصوص می آمدند با من صحبت می کردند و من حظ می بردم از معلومات ایشان؛ و ایشان يك نفر آدم برجسته ای در بین روحانیون است

و يك مرد عالمی است».

(صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۲۱)

و در جای دیگر می فرمایند:

«من ایشان را سالهای طولانی است که می شناسم. او مرد عالم، متعهد و فعال است».

(صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۰۹)

برخی سجایای اخلاقی، اجتماعی معظم له

ارادت خالصانه و عمیق و در عین حال، آشکار به خاندان عصمت و طهارت، بویژه ساحت مقدس حضرت فاطمه - صلوات الله علیهم اجمعین - .

تواضع بسیار ایشان نسبت به مردم، بویژه روحانیت معظم و اهل علم در حد خضوع، تکریم و احترام طلاب.

تجلیل از اساتید و فضلا و تأکید بر لزوم حفظ احترام بزرگان حوزه.

تألیفاتی که تاکنون از معظم له به چاپ رسیده و بعضی از آنها منتشر گردیده است عبارت اند از:

۱. توضیح المسائل (رساله عملیه)

۲. مجمع المسائل (جلد اول و دوم)

۳. مناسک حج

۴. منتخب الأحكام

۵. حاشیه بر «عروة الوثقی» (عربی)

۶. حاشیه بر «تحریر الوسيله» (عربی)

۷. مصباح المقلدین (رساله عربی)

۸. فقه الثقلین (کتاب الطلاق)

۹. فقه الثقلین (کتاب القصاص)

۱۰. استفتانات پزشکی

۱۱. احکام بانوان

۱۲. احکام حج (ویژه بانوان)

۱۳. احکام عمره مفرده

در خاتمه، ضمن مسئلت سلامتی و طول عمر معظّم له از درگاه خداوند، آرزو می‌کنیم توفیق ادامه تدوین و نشر دیگر مجموعه‌ها و آثار ایشان را داشته باشیم. **إن شاء الله!**

مؤسسه فرهنگی

انتشارات میثم تمار

- دستورهای عملی اسلام که وظیفه انسانها را نسبت به کارهایی که باید انجام دهند و یا از آن دوری جویند، مشخص می‌کند، «احکام» نام دارد. هرکاری که انسان انجام می‌دهد، در اسلام دارای حکم خاصی است. احکامی که تکلیف ما را نسبت به کارها مشخص می‌کند، پنج قسم است:
۱. واجب؛ ۲. حرام؛ ۳. مستحب؛ ۴. مکروه؛ ۵. مباح.
 ۱. واجب: کاری است که انجام آن لازم می‌باشد و ترك آن عذاب دارد؛ مانند نماز گزاردن و روزه گرفتن.
 ۲. حرام: کاری است که ترك آن لازم و انجامش عذاب دارد؛ مانند دروغ گفتن و ظلم کردن.
 ۳. مستحب: به کاری گویند که انجامش نیکو است و ثواب دارد، ولی ترك آن عذاب ندارد؛ مانند سلام کردن و صدقه دادن.
 ۴. مکروه: کاری است که ترك آن نیکو می‌باشد و ثواب دارد، ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند فوت کردن به غذا و خوردن غذای داغ.
 ۵. مباح: به کاری گویند که انجام دادن و ترك آن مساوی است و نه عذابی دارد و نه ثوابی؛ مانند راه رفتن و نشستن.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّاهِرِينَ، وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

اجتهاد و تقلید

انسان می تواند از روی اجتهاد یا تقلید به احکام دین عمل کند.

«اجتهاد» سعی و تلاش فراوان است در راه استخراج احکام دین از منابع آن که مهمترین آنها قرآن و احادیث معصومان (علیهم السلام) است - بعد از آموختن علمی که انسان را کمک می کند تا بتواند احکام را از منابع آن استخراج کند - . به کسی که دارای چنین توانایی علمی ای باشد، «مجتهد» می گویند.

«تقلید» به معنای پیروی و دنباله روی است و در اینجا به معنای پیروی از مجتهد می باشد؛ یعنی انسان کارهای خود را مطابق با فتوای مجتهد انجام دهد.

(مسئله ۱) به مجتهدی که دیگران از او تقلید می کنند، «مَرَجِعِ تَقْلِيدٍ» و به کسی که از مجتهد تقلید می کند، «مُقَلِّدٌ» می گویند.

(مسئله ۲) کسی که مجتهد نیست و نمی تواند احکام و دستورهای الهی را از منابع آن به دست آورد، باید از مجتهد تقلید کند؛ یعنی کارهای خود را مطابق با فتوای او انجام دهد.

(مسئله ۳) وظیفه اکثر مردم در احکام دین، تقلید است؛ چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام، اجتهاد کنند.

(مسئله ۴) تقلید در احکام، عمل کردن به دستور مجتهد است و از مجتهدی باید تقلید کرد که بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال زاده و زنده و عادل باشد؛ و نیز بنا بر احتیاط واجب، باید از مجتهدی تقلید کرد که به دنیا حریص نباشد.

(مسئله ۵) کسی که از مجتهدی تقلید می کند، اگر مرجع تقلیدش از دنیا برود، چنانچه در بعضی از مسائل به فتوای او عمل کرده باشد، می تواند بر تقلید وی باقی بماند، و در همه مسائل، حتی مسائلی که عمل نکرده از او تقلید کند.

(مسئله ۶) «اعلم» کسی است که در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدان زمان خود، اساتذتر باشد.

(مسئله ۷) مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت:

۱. خود انسان یقین کند؛ مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد؛

۲. دو نفر عالم مورد اطمینان که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را گواهی کنند، به شرط آنکه دو نفر عالم مورد اطمینان دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند؛

۳. عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

(مسئله ۸) راههای به دست آوردن فتوای مجتهد:

۱. شنیدن از خود مجتهد؛

۲. شنیدن از کسی که مورد اطمینان و راستگوست؛

۳. دیدن در رساله مجتهد، در صورتی که درستی آن مورد اطمینان باشد.

(مسئله ۹) اگر فتوای مجتهد در مسئله ای عوض شود، مقاد باید به فتوای جدید عمل کند، و عمل کردن به فتوای گذشته جایز نیست؛ ولی تا یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است، می تواند به آنچه در رساله نوشته شده عمل کند، و اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده، جستجو لازم نیست.

(مسئله ۱۰) مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.

فرق بین احتیاط مستحب و احتیاط واجب

(مسئله ۱۱) «احتیاط مستحب»، همیشه همراه با فتواست؛ یعنی در آن مسئله، مجتهد، قبل یا بعد از اظهار نظر، راه احتیاط را هم نشان داده است

و مقاد می تواند در آن مسئله، به فتوا و یا به احتیاط عمل کند و نمی تواند به مجتهد دیگری رجوع کند؛ مانند این مسئله:

«ظرف نجس را اگر يك مرتبه در آب كُر بشویند، پاک می شود، گرچه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند».

«احتیاط واجب»، همراه با فتوا نیست و مقاد باید به همان احتیاط عمل کند و می تواند به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کند، مانند این مسئله:

«احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد، سجده نکنند».

(س ۱۲) آیا واجب است که اعتقاد انسان به اصول دین از روی تحقیق باشد، یا اینکه تقلید از اهل فن، کفایت می کند؟

- ج - در اصول دین، یقین و باور از هر راه که حاصل شود، کفایت می نماید؛ همان ایمانی که بین مردم مسلمان وجود دارد و منشأ همه خوبیها، عبادتها، جهاد و شهادت است، کفایت می کند، و زیادتیر از این برای مردم عادی لازم نیست. ۷۵/۹/۴
- (س ۱۳) انسانی که از مجتهد زنده تقلید می کند، آیا می تواند در صورتی که بخواهد، مرجع خود را عوض کند یا خیر؟
- ج - رجوع از مرجع تقلید زنده جایز نیست، مگر اعلمیت دیگری احراز شود. ۷۳/۱۰/۳
- (س ۱۴) تکلیف نماز و روزه های کسی که بعد از تکلیف آنها را بدون تقلید به جا آورده چیست؟
- ج - اگر مطابق با فتاوی مرجعی است که می خواهد از او تقلید کند، درست است. ۷۱/۲/۱۳
- (س ۱۵) افرادی که بعد از رحلت امام خمینی (قدس سره) به سن تکلیف می رسند، آیا می توانند از ایشان تقلید کنند؟
- ج - چون تقلید ابتدایی از میت است، جایز نیست.

نشانه های بلوغ

(مسئله ۱۶) نشانه بالغ شدن پسر یکی از این سه چیز است:

۱. روییدن موی درشت، بالای عورت؛
 ۲. بیرون آمدن منی؛
 ۳. تمام شدن پانزده سال قمری.
- (مسئله ۱۷) روییدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند اینها، نشانه بالغ شدن نیست، مگر اینکه انسان به واسطه اینها به بالغ شدن یقین کند.

(مسئله ۱۸) نشانه بلوغ در دختران، یکی از این چهار چیز است:

۱. روییدن موی درشت، بالای عورت؛
 ۲. بیرون آمدن منی، هر چند گفته می شود که منی زن، خارج نمی شود؛
 ۳. دیدن خون حیض؛
 ۴. چنانچه هیچ يك از علائم مذکور محقق نشد، ملاک، تمام شدن سیزده سال قمری است.
- (مسئله ۱۹) دختری که نمی داند سیزده سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض را نداشته باشد، حیض نیست، و اگر نشانه های حیض را داشته باشد و اطمینان به حیض بودنش پیدا کند، حیض است و معلوم می شود بالغه شده است.

(س ۲۰) سن بلوغ دختران را سیزده سالگی بیان فرموده اید. آیا رعایت حجاب و انجام فرایض نیز از همین سن بر دخترانی که از حضرت عالی تقلید می کنند، واجب است؟

ج - آری، بین فرایض و غیر آن فرقی نیست؛ ولی در مسئله حجاب، خصوصیت عفت و حیای اجتماعی و مقررات آنها مسئله ای خاص و با اهمیت است که برای دختران غیر بالغ هم رعایتش لازم است. ۷۴/۵/۲۹

(س ۲۱) اگر دختری مقلد حضرت امام (قدس سره) یا یکی از فقهای عظام (قدس سرهم) بوده، که سن تکلیف را نه سالگی می دانند، آیا اکنون برای تدارک نماز و روزه های قضا شده می تواند فتاوی حضرت عالی را ملاک قرار داده، سیزده سالگی را شروع تکلیف بداند؟

ج - اگر قبلاً به نه سالگی رسیده و نماز و روزه را با آنکه می دانسته برایش واجب است، ترک نموده، باید آنها را طبق فتاوی مرجع فوت شده به جا آورد. ۷۶/۳/۸

طهارت

طهارت و پاکی بدن و محیط زندگی، در اسلام دارای اهمیت بسیاری است. انسان باید از خوردن و آشامیدن چیزهای نجس دوری کرده، و بدن و لباسش برای «نماز» که بهترین شیوه پرستش پروردگار عالم است، پاک باشد و بهتر است تمیزترین لباس را بپوشد. بنابراین، شناختن چیزهای نجس و آموختن شیوه پاک کردن آنها نیز لازم است.

(مسئله ۲۲) در عالم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با اینها نجس شود.

(مسئله ۲۳) چیزهای نجس عبارت اند از:

۱. ادرار (بول); ۲. مدفوع (غانط); ۳. منی; ۴. مردار; ۵. خون; ۶. و ۷. سگ و خوک; ۸. شراب; ۹. آب جو; ۱۰. کافر معاند^۱ دینی; ۱۱. عرق شتر نجاستخوار.

(مسئله ۲۴) ادرار و مدفوع انسان و حیوانات حرام گوشت که خون جهنده دارند; یعنی اگر رگ آنها را ببرند، خون با فشار از آن بیرون می آید، نجس است.

(مسئله ۲۵) ادرار و مدفوع حیوانات حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و حیواناتی که خون جهنده ندارند، مانند مار و ماهی، پاک است.

(مسئله ۲۶) بول و غائط حیواناتی مانند الاغ و اسب که گوشت آنها مکروه است، پاک می باشد.

(مسئله ۲۷) فضله پرندگان حرام گوشت، مانند کلاغ، نجس است.

احکام مُردار

(مسئله ۲۸) به حیوانی که خودش مرده باشد، «مُردار» گویند.

(مسئله ۲۹) مردار حیوانی که خون جهنده ندارد; مانند ماهی، پاک است.

(مسئله ۳۰) مردار حیوانی که خون جهنده دارد; اجزای بی روحش، مانند مو و شاخ اگر از غیر حیوانی باشد که مثل سگ نجس است، پاک و

اجزای روح دارش، مانند گوشت و پوست، نجس است.

(مسئله ۳۱) تمام اجزای بدن سگ و خوک، که در خشکی زندگی می کنند - چه مرده، چه زنده آن - نجس است.

(مسئله ۳۲) انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزای بی روح او; مانند ناخن، مو و دندان)، تمام بدنش نجس

است.

(مسئله ۳۳) هرگاه میت را غسل دهند، بدنش پاک می شود.

(مسئله ۳۴) کسی که در راه خدا و برای حفظ اسلام می جنگد، اگر در میدان نبرد و معرکه درگیری کشته شود و همان جا از دنیا برود، بدنش

پاک است و نیاز به غسل و کفن ندارد.

احکام خون

(مسئله ۳۵) خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد; مانند مرغ و گوسفند، نجس است.

(مسئله ۳۶) حیوانی که خون جهنده ندارد; مانند ماهی و پشه، خونس پاک است.

(مسئله ۳۷) خونی که گاهی در تخم مرغ دیده می شود نجس نیست، ولی بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد; و اگر خون را با

زرده تخم مرغ یا به طور دیگری به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.

(مسئله ۳۸) خونی که از لای دندان (لثه) می آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم

اشکال ندارد.

چیز پاک چگونه نجس می شود

(مسئله ۳۹) اگر چیز پاک به نجسی برخورد کند و یکی از آن دو به گونه ای تر باشد که رطوبتش به دیگری برسد، چیز پاک، نجس می شود.

(مسئله ۴۰) اگر انسان نداند چیز پاک نجس شده یا نه، پاک است; جستجو و واری هم لازم نیست، هر چند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را

بفهمد.

(مسئله ۴۱) خوردن و آشامیدن چیز نجس، حرام است.

(س ۴۲) گاهی پس از بول و در حین استبراء، مایع لزجی شبیه به منی از مخرج ادرار خارج می شود که فاقد بوی معمول منی است، آیا چنین

آبی در حکم منی است؟

ج - آنچه که حین استبراء بیرون می آید، محکوم به بول است، اما بعد از آن نه تنها محکوم به منی نیست، بلکه پاک است و ناقض وضو هم

نمی باشد. ۷۰/۸/۲۷

(س ۴۳) ترشحاتی که در بعضی از توالتها به لباس انسان سرایت می کند، چه حکمی دارد؟

ج - پاک است، مگر آنکه کاملاً یقین پیدا کند که، عین نجس سرایت کرده است. ۷۴/۷/۴

(س ۴۴) رطوبتی که در توالت از زیر کفش به جوراب می رسد و عین نجاست در آن مشهود نیست، نجس است یا خیر؟

۱. «معاند» یعنی کسی که می داند اسلام بر حق است و در عین حال، انکار می کند و یا شك در حقانیت دارد; ولی از روی دشمنی، عمداً تحقیق نمی کند و اسلام را انکار می کند.

ج - چون نجاست آن رطوبت مشکوک است، محکوم به طهارت می باشد، لذا منجس (نجس کننده) نیست و جوراب و کفش نیز محکوم به طهارت است. ۷۴/۱۱/۱۲

(س ۴۵) کندن پوست یا زخم یا دندان و یا امور مشابه آنها، چه حکمی دارد؟ آیا این گونه پوستها نجس اند؟

ج - اگر ضرر فاحش نداشته باشد، حرام نیست و قطعه های کوچک و ریز هم نجس نیست، برخلاف قطعه های بزرگ که نجس است. ۷۴/۱۷/۲۵

(س ۴۶) نظر شما در مورد دست دادن و یا لمس بدن مرطوب کافر چیست؟ آیا در این خصوص بین اهل کتاب و دیگر کفار فرقی وجود دارد؟ بدن خشک چطور؟

ج - کفار غیر معاند مطلقاً پاک هستند؛ و اما معاند از آنها، با تماس با بدن مرطوبشان - اگر رطوبت مسریه باشد - بدن انسان نجس می شود، وگرنه به محض برخورد، نجاست حاصل نمی شود و در این حکم، فرقی بین اهل کتاب و دیگر کفار نیست. ۷۸/۶/۱۳

(س ۴۷) استعمال ادکلنهایی که از خارج می آورند و نمی دانیم که از چه موادی ساخته شده و چه کسی آنها را ساخته است، چه حکمی دارد؟

ج - چون معلوم نیست از چیز نجس ساخته شده و یا با نجس برخورد کرده باشد، محکوم به طهارت است و تحقیق لازم نیست. ۷۴/۳/۸

(س ۴۸) شخصی که تمام بدنش خیس است، اگر قسمتی از بدنش با نجاست برخورد کند، آیا تمام بدنش نجس می شود و باید آن را آب بکشد، یا اگر فقط محل برخورد را آب بکشد کافی است؟

ج - تمام بدن نجس نمی شود، لذا صرف آب کشیدن محل برخورد کافی است، مگر اینکه به واسطه رطوبت مسریه به جاهای دیگر بدن هم سرایت کرده باشد. ۷۴/۳/۸

(س ۴۹) نظر حضرت عالی درباره وسواس این است که فرد وسواسی نباید به این حالت خود اعتنا کند، بول و خون برای فرد وسواسی نجس است یا خیر؟

ج - وسواسی نباید به یقین خود اعتماد نماید، و حتی اگر به خون بودن یا بول بودن یقین پیدا کند، برایش پاک است، مگر آنکه دیگران بگویند که بول یا خون است. ۷۲/۱۲/۲۸

(س ۵۰) گفتار شخص وسواسی در خصوص پاک یا نجس بودن اشیا (خصوصاً در مورد نجس بودن) چه حکمی دارد؟

ج - گفتار شخص وسواسی قابل اعتنا نیست و نباید به آن ترتیب اثر داده شود. ۷۴/۱۰/۲۷

مطهرات (پاک کننده ها)

(مسئله ۵۱) «مطهرات» اشیاى نجس را پاک می کند. عمده پاک کننده ها عبارت اند از:

۱. آب؛ ۲. زمین؛ ۳. آفتاب؛ ۴. اسلام؛ ۵. برطرف شدن نجاست (به شرحی که خواهد آمد).

احکام آبها

«آب» اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای بهتر یادگرفتن مسائل مربوط به آن، کمک می کند.

(مسئله ۵۲) آب یا «مضاف» است یا «مطلق»:

«آب مضاف» آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند، مانند آب هندوانه و گلاب، و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن، آب گفته نشود، مانند آب گل آلود.

«آب مطلق» آبی است که با چیزی مخلوط نشده باشد.

(مسئله ۵۳) آب مضاف:

- ممکن است چیز کثیفی را تمیز کند ولی هرگز چیز نجس را پاک نمی کند (و از مطهرات نمی باشد).

- اگر با نجاست برخورد کند، نجس می شود؛ هر چند نجاست کم باشد و آب مضاف زیاد، و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود.

- وضو و غسل با آن باطل است.

آب مطلق بر پنج قسم است: ۱. آب باران؛ ۲. آب جاری؛ ۳. آب چاه؛ ۴. آب گُر؛ ۵. آب قلیل.

آبی که از آسمان بیارد «باران» است؛

آبی که از زمین می جوشد، اگر جریان داشته باشد، مانند آب چشمه و قنات «آب جاری» است؛ و اگر جریان نداشته باشد، «آب چاه» است؛

آبی که از زمین نمی جوشد و از آسمان نمی بارد، اگر به مقداری که - در مسئله بعد خواهد آمد -، باشد «گُر»؛ و اگر کمتر از این مقدار باشد

«قلیل» است.

(مسئله ۵۴) «آب گُر» از جهت مساحت، مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن، هر يك، سه و جب و نیم باشد (که جمعاً ۵/۴۲ و جب و هفت هشتم و جب است) بریزند، آن ظرف را پرکنند؛ اما از جهت وزن، از ۱۲۸ مَن تبریز، بیست مثقال کم است و به حسب کیلوی متعارف، بنا بر اقرب، «۳۷۷/۴۱۹» کیلوگرم می شود.

آب قلیل

(مسئله ۵۵) «آب قلیل» به محض برخورد با نجاست نجس می شود، مگر آنکه با فشار به چیز نجس برسد که در این صورت، تنها آبهایی که به چیز نجس رسیده نجس می شود، و آبهای بالا و داخل ظرف پاک است.

(مسئله ۵۶) اگر آب گُر یا جاری، به آب قلیل نجس متصل و با آن مخلوط شود پاک می گردد، و چنانچه بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری با آن مخلوط شود که بو یا رنگ یا مزه نجاست از بین برود.

آبهای گُر، جاری و چاه

(مسئله ۵۷) تمام اقسام آبهای مطلق، بجز آب قلیل در اثر برخورد با نجاست تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه نجاست بگیرد، نجس می شود.

(مسئله ۵۸) آب لوله کشی ساختمانها که به منبع گُر متصل می باشد، در حکم آب گُر است.

(مسئله ۵۹) برخی از خصوصیات آب باران:

- اگر آب باران بر چیز نجسی که عین نجس^۲ در آن نیست، يك بار ببارد پاک می شود.

- اگر بر فرش و لباس نجس ببارد فشار لازم ندارد و پاک می شود.

- اگر بر زمین نجس ببارد پاک می شود.

- هرگاه آب باران در جایی جمع شود، اگرچه کمتر از گُر باشد، چنانچه چیز نجسی را در حالی که باران همچنان می بارد، در آن بشویند، و آب بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد، آن چیز نجس پاک می شود.

چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم

(مسئله ۶۰) برای پاک کردن چیزهای نجس، ابتدا باید نجاست را برطرف کرده، سپس طوری که در مسائل آینده خواهد آمد، آن را آب کشید.

(مسئله ۶۱) ظرفی که برای خوردن و آشامیدن مورد استفاده قرار می گیرد را می توان بعد از برطرف کردن نجاست، به یکی از دو روش زیر، آب کشید:

۱. با آب گُر؛ يك بار آن را در آب فرو برده و بیرون آورند.

۲. با آب قلیل؛ آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را به طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.

(مسئله ۶۲) چیزهای جامد دیگر (غیر از ظروف غذا) اگر به بول نجس شده باشد، چنانچه يك مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد پاک می شود، و فرقی نیست که بول خشك یا تر باشد و فرقی بین انسان و حیوانات حرام گوشت دیگر نمی باشد و اگر به نجاستی دیگر - غیر از بول - نجس شده باشد، بعد از برطرف کردن عین نجاست، پاک می شود.

(مسئله ۶۳) فرش و لباس و چیزهایی مانند آن که آب را به خود می گیرد و قابل فشار دادن است باید بعد از شستن، آن را فشار دهند تا آبهای داخل آن بیرون بیاید یا آن را طوری حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود.

زمین

(مسئله ۶۴) اجسام جامدی که نجاست در آن نفوذ نمی کند، چنانچه نجس شود؛ با راه رفتن یا مالیدن به زمین، پاک می شود به شرط آنکه عین نجاست برطرف شود، زمین پاک باشد و همچنین گل نباشد.

(مسئله ۶۵) فرش و سیزه و آسفالت و زمینی که به وسیله چوب یا موزائیک و مانند آنها فرش شده باشد، همانند زمین پاک کننده است.

آفتاب

(مسئله ۶۶) «آفتاب» با شرایطی که خواهد آمد، زمین، ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است، مانند در و پنجره، و درخت و گیاه را

پاک می کند.

(مسئله ۶۷) آفتاب با این شرایط، پاک کننده است:

۲. عین نجس چیزی است که خود به خود نجس است، مانند بول و خون.

۱. چیز نجس به طوری نثر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد، نثر شود;
 ۲. آفتاب، به تنهایی چیز نجس را خشک کند؛ مثلاً به کمک باد خشک نشود;
 ۳. چیزی مانند ابر یا پرده، از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، مگر آنکه ابر به قدری نازک باشد که از تابش آفتاب جلوگیری نکند;
 ۴. اگر عین نجاست در آن چیز باشد، پیش از تابیدن آفتاب، آن را برطرف کنند;
 ۵. آفتاب قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یک مرتبه خشک کند، پس اگر روی آن امروز خشک شود و درون آن فردا، تنها روی آن پاک می شود و زیر آن نجس می ماند;
 ۶. بین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می تابد با داخل آن، هوا یا جسم پاک دیگری فاصله نباشد.
- (مسئله ۶۸) اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد، اگر مقداری آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن بشود، بر آن بریزند و سپس آفتاب بر آن بتابد، پاک می شود.

اسلام

(مسئله ۶۹) اگر کافر معاند دینی شهادتین بگوید، یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، مسلمان می شود و بعد از مسلمان شدن، بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است. همچنین اگر دست از عناد (دشمنی) بردارد، گرچه مسلمان نشده، ولی پاک است.

برطرف شدن عین نجاست

(مسئله ۷۰) اجسام جامد نجس که نجاست در آنها نفوذ نمی کند، با ازاله عین نجاست، پاک می شود، و نیاز به آب کشیدن و غیر آن از مطهرات نیست؛ اما مواردی که در شرع راه خاصی برای پاک کردن آنها معین شده مثل ظرفهایی که برای خوردن و آشامیدن مورد استفاده قرار می گیرد، مجرای بول، ظرفی که سگ و خوک آن را لیسیده و یا از آن ظرف آب خورده، با ازاله عین نجاست، پاک نمی شود.

(س ۷۱) اگر قرآن نجس شود و بدانیم که اگر آن را بشوییم، خراب می شود، تکلیف چیست؟

ج - در فرض سؤال، آب کشیدن ورق قرآن در صورتی که نجس شده باشد، واجب است. ۷۵/۲/۲۳

(س ۷۲) آب لوله کشی، گاهی اوقات بر اثر استعمال مواد شیمیایی (مثل کلر)، همانند شیر، سفید و پس از مدتی صاف می شود، وضو گرفتن و تطهیر کردن با آن چطور است؟ آیا این آب، مضاف است؟

ج - این گونه آبها آب مطلق اند، چون اگر آن را برای کسی ببرند، می گوید که آب آورد، یا اگر کسی آن را ببیند، می گوید که آب است و آب بودن، عرفاً از آن صحت سلب ندارد، یعنی نمی گویند که آب نداریم یا آب نیست؛ به علاوه، با شك در صدق آب مطلق، چون قبلاً مطلق بوده، آثار اطلاق آب بر آن، مترتب است و با آبهای دیگر، فرقی ندارد. ۷۶/۳/۸

(س ۷۳) در «رساله توضیح المسائل» فرموده اید: «خونی که از لای دندانها بیرون بیاید و در آب دهان مستهک شود، پاک است». آیا این حکم شامل دیگر خونهای دهان - نظیر زبان و قسمت داخلی گونه ها - نیز می شود؟

ج - هر خونی که از خود دهان باشد و در دهان مستهک گردد، پاک است. ۷۱/۱/۴

(س ۷۴) معمولاً هنگام تزریق آمپول، مقدار کمی خون بیرون می آید، که به وسیله پنبه الکلی آن خون را از بین می برند. آیا محل آن نجس است و باید آب کشید؟

ج - نیازی به آب کشیدن نیست و با ازاله و از بین رفتن عین نجاست، بدن پاک می شود. ۸۰/۳/۱

وضو

نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند. در برخی از موارد هم باید «غسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن عمل دیگری به نام «تیمم» انجام دهد، که در این قسمت با احکام هر یک آشنا خواهید شد.

چگونه وضو بگیریم

(مسئله ۷۵) برای انجام وضو، انسان باید ابتدا صورت را و سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوید، آن گاه با رطوبتی که از شستن دست بر کف آن است، سر را مسح کند؛ یعنی دست را بر آن بکشد و سپس پای راست و در آخر پای چپ را مسح نماید.

توضیح اعمال وضو

شستن

(مسئله ۷۶) در وضو انسان باید ابتدا صورت را از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه بشوید و برای آنکه یقین پیدا کند که مقدار واجب را شسته، باید کمی از اطراف صورت را هم بشوید.

(مسئله ۷۷) بنا بر احتیاط واجب باید صورت را از بالا به پایین بشوید.

(مسئله ۷۸) بعد از شستن صورت، باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها (از آرنج به طرف سر انگشتان) بشوید.

(مسئله ۷۹) برای آنکه یقین پیدا کند آرنج را کاملاً شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

(مسئله ۸۰) کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود را تا مچ شسته، هنگام وضو باید تا سر انگشتان را بشوید، و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضویش باطل است.

مسح

(مسئله ۸۱) يك قسمت از چهار قسمت سر (که بالای پیشانی است) جای مسح است.

(مسئله ۸۲) مسح سر، باید مقداری باشد که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد.

(مسئله ۸۳) مستحب است سر را به پهنای سه انگشت بسته، و طول يك انگشت مسح کند.

(مسئله ۸۴) لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، مگر موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورت بریزد، که در این صورت باید، پوست سر یا قسمت پایین (بیخ) مو را مسح کند.

(مسئله ۸۵) پس از مسح سر، باید با رطوبتی که از وضو بر کف دست باقی مانده، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا، مسح کند.

(مسئله ۸۶) در مسح سر و روی پاها، باید دست روی آنها کشیده شود و اگر کسی دست را ننگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد، وضویش باطل است؛ ولی اگر موقعی که دست را می کشد، سر یا پا مختصری حرکت کند، اشکال ندارد.

(مسئله ۸۷) اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی تواند دست را با آب خارج، تر کند؛ بلکه باید از اعضای دیگر وضو مثلاً صورت، رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.

(مسئله ۸۸) رطوبت دست باید به قدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.

(مسئله ۸۹) محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین، اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد؛ ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که رطوبتی را که بعد از مسح در آن دیده می شود بگویند فقط از تری کف دست است، اشکال ندارد.

(مسئله ۹۰) نباید بین دست و سر یا پاها چیزی مانند چادر، کلاه، جوراب یا کفش فاصله شود، هر چند بسیار نازک باشد و رطوبت باید به پوست برسد، مگر در حال ناچاری، مثل ترس از دزد و درنده.

(مسئله ۹۱) محل مسح باید پاک باشد. پس اگر نجس است و نمی تواند آن را آب بکشد، باید تیمم کند.

شرایط وضو

(مسئله ۹۲) با بودن شرایط زیر وضو صحیح و با نبودن حتی یکی از آنها، وضو باطل است:

۱. آب وضو پاک باشد (نجس نباشد)؛
۲. آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد)؛
۳. آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد)؛
۴. اعضای وضو پاک باشد؛
۵. مانعی از رسیدن آب بر اعضای وضو نباشد؛
۶. با قصد قربت و بدون ریا وضو بگیرد؛
۷. وضو به ترتیبی که در اعمال وضو گفته شد به جا آورده شود؛
۸. مؤالات رعایت شود (بین اعمال وضو فاصله نیفتد)؛
۹. در کارهای وضو از دیگری کمک نگیرد؛
- ۱۰ و ۱۱. بنا بر احتیاط واجب، ظرف آب وضو مباح باشد و همچنین طلا و نقره نباشد.
۱۲. وقت برای وضو گرفتن و نماز خواندن، کافی باشد.

توضیح شرایط وضو

(مسئله ۹۳) وضو با آب نجس باطل است، اگر چه انسان نجس بودن آن را نداند یا فراموش کرده باشد؛ و اگر با آن وضو نمازی هم خوانده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند.

(مسئله ۹۴) وضو گرفتن با آب مضاف باطل است، اما اگر مضاف بودن آن را نمی دانسته یا فراموش کرده و وضو گرفته، وضویش صحیح است.

(مسئله ۹۵) آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:

۱. وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است).

۲. آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.

۳. استفاده از آبی که وقف افراد خاصی است، (برای غیر آن افراد) مانند حوض برخی از مدارس که وقف محصلین همان مدرسه است یا وضوخانه بعضی از مساجد، که وقف کسانی است که در آنجا نماز می خوانند.

(مسئله ۹۶) وضو گرفتن از نهرها، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه، اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که با آن آب وضو نگیرد.

(مسئله ۹۷) اگر آب در ظرف غصبی باشد و آب دیگری نباشد، باید تیمم کرد، و اگر کسی با آن آب وضو بگیرد، اگر ارتاماسی باشد، باطل است و اگر به قصد وضو با ظرف بر بدن خود بریزد یا مشت مشت بردارد و وضو بگیرد، معصیت کرده ولی وضویش باطل نیست، هر چند احتیاط مستحب در اعاده آن است.

(مسئله ۹۸) اعضای وضو یعنی صورت، دستها و پاها در موقع شستن و مسح، باید پاک باشد.

(مسئله ۹۹) اگر چیزی بر صورت یا دستها باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید برطرف شود.

(مسئله ۱۰۰) اگر چیزی بر اعضای مسح (جلوی سر و روی پاها) باشد، هر چند از رسیدن آب جلوگیری نکند، باید برطرف شود، چون بین دست و محل مسح نباید چیزی فاصله شود.

(مسئله ۱۰۱) خط قلم خودکار، لکه های رنگ، چربی و کرم، در صورتی که رنگ بدون جرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جرم دارد و روی پوست را گرفته باشد، باید برطرف شود.

(مسئله ۱۰۲) اگر می داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده ولی نمی داند که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه، باید آن را برطرف کند، یا آب را به زیر آن برساند.

(مسئله ۱۰۳) کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود: اول صورت، بعد دست راست و سپس دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح کند؛ و بنا بر احتیاط واجب، نباید پای چپ را پیش از پای راست مسح کند، اما اگر هر دو پا با هم مسح شود مانعی ندارد، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد، باطل است.

(مسئله ۱۰۴) موالات، یعنی پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

(مسئله ۱۰۵) اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله بیفتد که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است.

(مسئله ۱۰۶) کسی که می تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد، وضویش باطل است.

(مسئله ۱۰۷) کسی که نمی تواند وضو بگیرد، باید به کمک شخص دیگر وضو بگیرد، ولی خود او باید نیت وضو کند.

(مسئله ۱۰۸) وضو، باید به قصد قربت انجام شود، یعنی برای انجام فرمان خداوند وضو بگیرد، و لازم نیست نیت را به زبان آورد یا از قلب خود بگذراند، چون نیت همان داعی انجام کار قریه الی الله است؛ و همین مقدار که می داند وضو می گیرد کافی است، به طوری که اگر از او بپرسند که چه می کنی، بگوید وضو می گیرم.

(مسئله ۱۰۹) چنانچه وقت نماز به قدری تنگ است که اگر انسان بخواهد وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند؛ اما اگر برای وضو و تیمم به يك اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.

وضوی جبیره ای

چیزی که با آن زخم و جای شکسته را می بندند و دارویی که روی زخم و مانند آن می گذارند، «جبیره» نامیده می شود.

(مسئله ۱۱۰) شخصی که بر اعضای وضویش، زخم یا شکستگی است، اگر بتواند به طور معمول وضو بگیرد، باید وضو بگیرد، مثلاً روی زخم باز است و آب برایش ضرر ندارد و یا روی زخم بسته است ولی باز کردن آن امکان دارد و آب برای آن ضرر ندارد.

- (مسئله ۱۱۱) چنانچه زخم بر صورت یا دستهاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، اگر اطراف آن را بشوید کافی است، ولی چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، بهتر آن است که دست تر بر آن بکشد.
- (مسئله ۱۱۲) در وضوی جبیره ای، باید جاهایی که شستن یا مسح آن امکان دارد به طور معمول بشوید یا مسح کند، و جاهایی که امکان ندارد، دست تر بر جبیره بکشد.
- (مسئله ۱۱۳) اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها (محل مسح) است و روی آن باز می باشد، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی رویش بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو، که در دست مانده، مسح کند.
- (مسئله ۱۱۴) اگر در صورت و دستها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید، و اگر جبیره ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند، و در جاهایی که جبیره هست باید به شیوه ای که در جبیره بیان شد عمل کند.
- (مسئله ۱۱۵) کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو، دست تر روی آن کشیده است، می تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند، یا از جاهای دیگر وضو، رطوبت بگیرد.
- (مسئله ۱۱۶) اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها را فراگرفته باشد، باز احکام جبیره را دارد و وضوی جبیره ای کافی است.
- (مسئله ۱۱۷) اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته، ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا را، و جایی که جبیره است، روی جبیره را مسح کند.
- (مسئله ۱۱۸) اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط مستحب تیمم هم بنماید، و اگر برداشتن جبیره ممکن است، باید بردارد.
- (مسئله ۱۱۹) اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده باشد که برداشتن آن ممکن نیست یا به قدری مشقت دارد که نمی توان تحمل کرد، باید به دستور جبیره عمل کند.
- (مسئله ۱۲۰) اگر جبیره نجس است یا نمی توان دست تر روی آن کشید مثلاً دارویی است که به دست می چسبد، پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد.
- (مسئله ۱۲۱) غسل جبیره ای مانند وضوی جبیره ای است، ولی احتیاط مستحب است ترتیبی به جا آورده شود، نه ارتماسی، مگر آنکه ارتماس مضر باشد یا باعث سرایت نجاست گردد، که در این صورت باید ترتیبی انجام دهد.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

- (مسئله ۱۲۲) انسان باید برای نماز (بجز نماز میت)؛ طواف واجب کعبه؛ و برای رساندن جایی از بدن به خط قرآن و اسم خداوند وضو بگیرد.
- (مسئله ۱۲۳) اگر نماز یا طواف واجب بدون وضو انجام شود، باطل است.
- (مسئله ۱۲۴) کسی که وضو ندارد حرام است جایی از بدن خود را به این نوشته ها برساند:
۱. خط قرآن، ولی ترجمه آن اشکال ندارد؛
 ۲. اسم خداوند به هر زبانی نوشته شده باشد، مانند «الله»، «خدا»، «God»؛
 ۳. نام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اسامی امامان (علیهم السلام) و نام حضرت زهرا (علیها السلام) (بنا بر احتیاط واجب).
- (مسئله ۱۲۵) برای این کارها وضو گرفتن مستحب است:
۱. رفتن به مسجد و حرم امامان (علیهم السلام)؛
 ۲. خواندن و نوشتن قرآن؛
 ۳. همراه داشتن قرآن؛
 ۴. رساندن جایی از بدن به جلد یا حاشیه قرآن؛
 ۵. زیارت اهل قبور؛
 ۶. نماز میت؛
 ۷. خوابیدن.

چگونه وضو باطل می شود؟

- (مسئله ۱۲۶) اگر یکی از امور زیر برای انسان رخ بدهد، وضو باطل می شود:
۱. خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود؛
 ۲. خواب؛ چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند؛

۳. چیزهایی که عقل را از بین می برند؛ مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی؛

۴. استحاضه زنان؛^۳

۵. آنچه که سبب غسل شود، مانند جنابت.

(س ۱۲۷) اگر آب مسح سر به آب صورت وصل شود، آیا وضو را باطل می کند؟

ج - مانعی ندارد و وضو را باطل نمی کند. ۷۵/۶/۲۴

(س ۱۲۸) آیا می توان روی سر و پا را دوبار مسح کشید؟

ج - مانعی ندارد، اما باید ترك نمود، و اگر منجر به وسواس شود، حرام است. ۷۴/۲/۹

(س ۱۲۹) اگر هنگام وضو کسی با آفتابه روی دستانتان آب بریزد و من وضو بگیرم (با توجه به اینکه دست راستم بر اثر شکستگی، گچ گرفته

شده)، آیا در وضویم اشکالی پیدا می شود یا خیر؟

ج - در فرض سؤال اشکالی وجود ندارد، چون شستن دست و صورت را خود شما انجام می دهید. ۷۵/۲/۱۸

(س ۱۳۰) وضو گرفتن بانوان در اماکن عمومی که در معرض دید نامحرم است، چه حکمی دارد؟

ج - پوشانیدن بدن برای زن، از دید نامحرم واجب است و به هر حال، وضو صحیح است. ۷۶/۳/۹

غسل

گاهی اوقات برای خواندن نماز و سایر کارهایی که باید با وضو انجام داد، غسل واجب می شود.

شیوه غسل

(مسئله ۱۳۱) در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد، مانند جنابت و یا مستحب، مانند غسل جمعه. به عبارت

دیگر تمام غسلها در انجام فرقی ندارند، مگر در نیت.

(مسئله ۱۳۲) غسل را به دو صورت می توان انجام داد: «ترتیبی» و «ارتماسی».

در غسل ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می شود، سپس بقیه بدن.

در غسل ارتماسی، تمام بدن به نیت غسل در آب قرار می گیرد، هر چند به تدریج در آب فرو رود. پس برای انجام غسل ارتماسی باید آب به

قدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را زیر آب ببرد.

شرایط صحیح بودن غسل

(مسئله ۱۳۳) تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، در صحیح بودن غسل هم شرط است، بجز موالات. همچنین لازم نیست بدن

را از بالا به پایین بشوید.

(مسئله ۱۳۴) کسی که چند غسل بر او واجب است، می تواند به نیت همه آنها يك غسل به جا آورد، یا آنها را جدا جدا به جا آورد.

(مسئله ۱۳۵) کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، همان گونه که با غسلهای دیگر هم می تواند نماز بخواند و لازم نیست

وضو بگیرد.

(مسئله ۱۳۶) در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، بنابراین، اگر هر قسمتی را پیش از

غسل دادن همان قسمت آب بکشد، کافی است.

(مسئله ۱۳۷) غسل جبیره ای، مثل وضوی جبیره ای است.

(مسئله ۱۳۸) کسی که روزه واجب گرفته، نمی تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه دار نباید تمام سر را در آب فرو برد؛

ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است.

(مسئله ۱۳۹) در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود، و چنانچه با نیت غسل، آب را به تمام بدن برساند، کافی است.

غسلهای واجب

(مسئله ۱۴۰) غسلهای واجب هفت تاست:

۱. جنابت؛ ۲. میت؛ ۳. مس میت؛ ۴. حیض؛ ۵. استحاضه؛ ۶. نفاس؛ ۷. غسلی که به واسطه نذر و قَسَم و مانند اینها واجب می شود.

۳. این مسئله مربوط به بانوان است، که بعداً گفته می شود.

۱. غسل جنابت

(مسئله ۱۴۱) اگر از انسان منی^۴ بیرون آید هر چند در خواب باشد یا آمیزش کند، جنب می شود؛ و باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل جنابت انجام دهد.

(مسئله ۱۴۲) اگر منی از جای خود حرکت کند ولی بیرون نیاید، سبب جنابت نمی شود.

(مسئله ۱۴۳) کسی که می داند منی از او خارج شده است و یا می داند آنچه بیرون آمده منی می باشد، جنب است و باید غسل کند.

(مسئله ۱۴۴) اگر رطوبتی از مرد سالم خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن، بدن او سست شده، آن رطوبت، حکم منی دارد، و اگر هیچ یک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد، حکم منی ندارد؛ اما در مرد بیمار، اگر با شهوت بیرون آمده باشد، در حکم منی است و لازم نیست بدن او سست شود؛ ولی وجود دو علامت دیگر برایش لازم است.

(مسئله ۱۴۵) مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی، بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد.

چیزهایی که بر جنب حرام است

(مسئله ۱۴۶) پنج چیز بر جنب حرام است:

۱. رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا؛ همچنین اسامی مبارک پیامبران و امامان و حضرت زهرا (علیهم السلام)، به احتیاط واجب، حکم اسم خدا را دارد؛
 ۲. رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله)، اگرچه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود؛
 ۳. توقف در مساجد دیگر؛ ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد؛ و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان (علیهم السلام) هم توقف نکند، بلکه مطلقاً داخل نشود؛
 ۴. گذاشتن چیزی در مسجد؛
 ۵. خواندن سوره ای که سجده واجب دارد، و سوره های سجده دار عبارت اند از: سوره سی و دوم قرآن (سجده)؛ سوره چهل و یکم (فصلت)؛ سوره پنجاه و سوم (نجم)؛ سوره نود و ششم (علق)؛ و اگر یک حرف از این چهار سوره را هم بخواند، حرام است.
- (مسئله ۱۴۷) اگر شخصی در خانه اش مکانی را برای نماز قرار دهد (و همچنین در مؤسسه یا اداره ای)، حکم مسجد ندارد.
- (مسئله ۱۴۸) توقف در حرم امامزاده ها در حال جنابت، اشکال ندارد ولی توقف در مساجدی که معمولاً کنار حررها ساخته اند، حرام است.

۲. غسل میت

(مسئله ۱۴۹) هرگاه مسلمانی از دنیا برود، باید او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند، سپس دفن کنند.^۵

۳. غسل مس میت

(مسئله ۱۵۰) اگر کسی بدن انسان مرده ای را که سرد شده و غسلش نداده اند، مس کند، یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مس میت کند.

غسلهای مخصوص دختران و بانوان

(مسئله ۱۵۱) سه غسل از غسلهای واجب، یعنی غسل «حیض»، «استحاضه» و «نفاس»، تنها بر دختران و بانوان واجب می شود و سبب این غسلها خونی است که از رحم بیرون می آید و هر یک احکام خاصی دارد.

۱. غسل حیض (قاعدگی)

- (مسئله ۱۵۲) زمانی که خونریزی قاعدگی (رگل) قطع شود، زن باید برای خواندن نماز و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل کند.
- (مسئله ۱۵۳) خونریزی قاعدگی قبل از سه سالگی اتفاق نمی افتد و اگر دختری قبل از سه سال خونی ببیند، حکم حیض ندارد.
- (مسئله ۱۵۴) دوره قاعدگی کمتر از سه روز نیست، پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود، حکم حیض ندارد.
- (مسئله ۱۵۵) دوره قاعدگی بیش از ده روز طول نمی کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، پس از ده روز، حکم حیض ندارد.
- (مسئله ۱۵۶) خون حیض معمولاً غلیظ، گرم و پر رنگ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید.

۴. «منی» مایعی است که از غدد تناسلی به سبب آمیزش یا احتلام، از مجرای بول خارج می شود.

۵. برای آشنایی بیشتر می توانید به «رساله توضیح المسائل» احکام اموات مراجعه کنید.

(مسئله ۱۵۷) در مدت قاعدگی این کارها بر زن حرام است:

۱. نماز و طواف کعبه;

۲. کارهایی که بر جُنب حرام است، مانند توقف در مسجد.^۶

(مسئله ۱۵۸) در ایام قاعدگی نماز و روزه حرام است; و نمازها قضا ندارد ولی قضای روزه ها را باید به جا آورد.

(مسئله ۱۵۹) «غسل حیض» با «غسل جنابت» تفاوتی ندارد مگر در نیت.

(مسئله ۱۶۰) اجزاء غسل از وضو در همه اغسال است و اختصاص به جنابت ندارد، لذا با غسلهای واجب و مستحب، بدون وضو می توان نماز

خواند.

۲. غسل استحاضه

(مسئله ۱۶۱) یکی دیگر از خونهایی که گاهی اوقات از رحم دختر یا زن بیرون می آید «استحاضه» است.

(مسئله ۱۶۲) خون استحاضه در بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ هم نیست; ولی ممکن است

گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

(مسئله ۱۶۳) خون استحاضه بر اساس کمی و زیادی آن به سه دسته تقسیم می شود، که اگر بسیار کم باشد غسل ندارد ولی وضو را باطل

می کند، و اگر کم نباشد غسل نیز واجب می شود.^۷

۳. غسل نفاس

(مسئله ۱۶۴) «غسل نفاس» مربوط به ولادت فرزند است و در زمان دیگری دیده نمی شود که زن پس از خونریزی زایمان باید آن را انجام

دهد.^۸

(س ۱۶۵) آیا فردی که جُنب نیست، می تواند استحباباً غسل جنابت نماید؟ آیا با این غسل می تواند نماز واجب را بخواند؟

ج - غسل جنابت نمی توان کرد، و اگر احتیاطاً غسل جنابت انجام دهد، برای خواندن نماز باید وضو بگیرد. ۷۵/۶/۳۰

(س ۱۶۶) اگر در بین غسل جنابت بول از انسان خارج شود، آیا آن غسل صحیح است یا باطل؟ اگر صحیح است، با همان غسل می تواند نماز

بخواند یا برای نماز باید بعد از غسل وضو بگیرد؟

ج - غسل صحیح است، ولی با آن غسل نمی تواند نماز بخواند، و برای خواندن نماز، باید وضو بگیرد. ۷۶/۳/۸

(س ۱۶۷) آیا منظور از داخل گوش، که در موقع غسل شستن آن واجب نیست، سوراخ گوش است؟

ج - منظور از داخل گوش، آن مقداری است که پیدا نیست. ۷۵/۱۰/۴

(س ۱۶۸) اگر آبی از انسان در حال خواب خارج شود، با توجه به اینکه انسان در حال خواب و یا بعد از بیداری، نمی تواند علایم سه گانه

مربوط به مُحتلم شدن را تشخیص دهد، تکلیف چیست؟

ج - تا اجتماع علایم سه گانه احراز نشود، شخص، جنب نیست و تحقیق هم لازم نیست. ۷۴/۷/۲۶

تیمم

(مسئله ۱۶۹) در این موارد باید به جای وضو و غسل تیمم کرد:

۱. آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد;

۲. آب برای انسان ضرر داشته باشد، مثلاً به سبب استعمال آب مرضی در او پیدا شود، یا بیماری اش طول بکشد یا شدت یابد و یا به سختی

معالجه شود; ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند;

۳. اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خود او یا همراهانش از تشنگی بمیرند یا بیمار شوند، یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن سخت

است;

۴. بدن یا لباسش نجس باشد و آب بیش از تطهیر و آب کشیدن آن ندارد، و لباس دیگری هم ندارد;

۵. وقت به قدری تنگ باشد که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن، بعد از وقت خوانده می شود.

۶. برخی از کارهای دیگر نیز حرام است که برای آشنایی بیشتر با آنها می توانید به «رساله توضیح المسائل» مسئله ۴۳۹ مراجعه کنید.

۷. برای آشنایی بیشتر با موارد آن و احکام هر يك، دختران می توانند به «رساله توضیح المسائل» مسئله ۳۸۳ مراجعه کنند.

۸. به شرحی که در «رساله توضیح المسائل» مسئله ۴۹۶ آمده است.

کیفیت تیمم

(مسئله ۱۷۰) در تیمم، پنج چیز واجب است:

۱. نیت؛

۲. زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است؛

۳. کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی؛

۴. کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست؛

۵. کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ (انگشتان هم جزو کف دست می باشند).

(مسئله ۱۷۱) برای آنکه یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

(مسئله ۱۷۲) انسان باید برای تیمم، انگشت را از دست بیرون آورد، و اگر مانع دیگری نیز در پیشانی یا دستها وجود دارد برطرف کند.

(مسئله ۱۷۳) تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت دستور خداوند انجام شود؛ و همچنین باید معلوم کند که تیمم به جای وضو است

یا غسل و باید آن غسل را معین نماید، و این همان نیت تیمم است.

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

(مسئله ۱۷۴) تیمم به خاک، ریگ، کلوخ و سنگ و گل پخته مانند آجر و آهک و گچ پخته، اگر پاک باشند صحیح است.

احکام تیمم

(مسئله ۱۷۵) تیممی که به جای وضو است با تیممی که به جای غسل است فرقی ندارد.

(مسئله ۱۷۶) کسی که به جای وضو تیمم کرده است، اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می کند از او سر بزند، تیممش باطل می شود.

(مسئله ۱۷۷) کسی که به جای غسل، تیمم کرده، هرگاه یکی از چیزهایی که غسل را باطل می کند، پیش آید تیممش باطل می شود؛ مثلاً اگر به

جای غسل جنابت تیمم کرده اگر دوباره جنب شود، تیممش باطل می شود.

(مسئله ۱۷۸) تیمم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند، بنابراین، اگر بدون عذر تیمم کند، صحیح نیست و اگر

عذر داشته باشد و برطرف شود، مثلاً آب نداشته، و آب پیدا کند، تیمم او باطل می شود.

(مسئله ۱۷۹) اگر به جای غسل جنابت یا غسلهای دیگر تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد.

(س ۱۸۰) آیا می توان با تیمم بدل از غسل جنابت، وارد مسجد شد و در نماز جماعت شرکت کرد؟

ج - مادامی که عذر (غیر از تنگی وقت) باقی است، مانعی ندارد. ۷۵/۳/۱۶

نماز

«نماز» مهمترین اعمال دینی است که اگر مورد قبول درگاه خداوند واقع بشود، عبادتهای دیگر نیز قبول می شود و اگر نماز پذیرفته نشود، اعمال

دیگر نیز قبول نخواهد شد. همان طور که اگر انسان، در شبانه روز پنج بار خود را شستشو دهد، چرک در بدنش نمی ماند، نمازهای پنجگانه هم

انسان را از گناهان پاک می کند. سزاوار است انسان، نماز را در اول وقت بخواند و کسی که نماز را سبک بشمارد، مانند کسی است که نماز

نمی خواند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک بشمارد، سزاوار عذاب آخرت است».

شایسته است نمازگزار کارهایی که ثواب نماز را کم می کند، به جا نیاورد، مثلاً با حالت خواب آلودگی نماز بخواند و در نماز به آسمان نگاه نکند.

بلکه کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند، به جا آورد، مثلاً لباس پاکیزه بپوشد، خود را خوشبو کند، دندانهایش را مسواک بزند و موهایش را شانه

کند.

(س ۱۸۱) کسی که می داند (یا احتمال قوی می دهد) که به جهت شب نشینی، مطالعه، و یا... نماز صبح او قضا می شود، آیا شرعاً مجاز است

که کارهای فوق الذکر را انجام دهد؟

ج - بیدار ماندن در شب، برای کسی که می داند و مطمئن است که نماز صبح او قضا می شود، ممنوع و ترکش لازم است، و با فرض

قضا شدن نماز، معصیت کرده و عمل او در حکم ترک عمدی واجب است. و ناگفته نماند که توجه دادن افراد به چنین یقینی (مانند توجه

دادن به موضوعاتی که جنبه حق الله دارد) غیر واجب بلکه نسبت به امور راجحه (مانند عزاداری ابا عبدالله الحسین علیه السلام) یا

مطالعه کتب دینی و اسلامی نامطلوب، اگر نگوئیم مذموم است. ۷۶/۶/۲۴

(س ۱۸۲) معاشرت با کسی که نماز را عمداً ترک نموده، نسبت به محرم و نامحرم بی تفاوت است، حجاب را کنار گذاشته و امر به معروف هم در او تأثیری ندارد، چه حکمی دارد؟
ج- به هر نحو که ممکن است، باید چنین فردی را امر به معروف و نهی از منکر نمود، ولو با ترک مرأوده.

اقسام نماز

برای آشنایی با مسائل و احکام نماز، ابتدا یادآور می شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب. نمازهای واجب هم دو دسته اند، برخی از آنها تکلیف هر روزه می باشد که باید در هر شبانه روز و در زمانهای خاصی به جا آورده شود، و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سببی خاص واجب می شود و برنامه همیشگی و هر روزه نمی باشد.

نمازهای واجب یومیه

(مسئله ۱۸۳) نمازهای واجب هر روزه، پنج نماز است: ظهر و عصر (هر کدام چهار رکعت); نماز مغرب (سه رکعت); نماز عشا (چهار رکعت); و نماز صبح (دو رکعت).

وقت نمازهای روزانه

(مسئله ۱۸۴) وقت نماز صبح، از اذان صبح تا طلوع آفتاب است که در این مدت باید خوانده شود و هر چه به اذان صبح نزدیکتر باشد بهتر است. وقت نماز ظهر و عصر، از ظهر شرعی تا مغرب است که به اندازه خواندن يك نماز چهار رکعتی در اول وقت، مخصوص نماز ظهر و به همین مقدار که به مغرب مانده باشد مخصوص نماز عصر است.

وقت نماز مغرب و عشا از مغرب تا نصف شب است که به اندازه خواندن يك نماز سه رکعتی که از مغرب بگذرد مخصوص نماز مغرب، و به اندازه يك نماز چهار رکعتی که به نصف شب مانده است، مخصوص نماز عشا می باشد.

وقت نماز صبح

(مسئله ۱۸۵) نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سپیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را «فجر اول» گویند. هنگامی که آن سپیده پهن شد «فجر دوم» و ابتدای وقت نماز صبح است.

وقت نماز ظهر و عصر

(مسئله ۱۸۶) نماز ظهر و عصر، هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند. وقت مخصوص نماز ظهر، از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد، و وقت مخصوص نماز عصر، موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر، وقت به مغرب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع، نماز ظهر را نخواند، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند، و بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر، وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر است، و اگر کسی اشتبهاً نماز ظهر یا عصر را در وقت مخصوص دیگری بخواند، نمازش باطل است.

وقت نماز مغرب و عشا

(مسئله ۱۸۷) «مغرب» همان غروب عرفی است که خورشید غروب می کند، و در تحقق مغرب، رفتن سرخی طرف مشرق، لازم نیست و شروع مغرب ابتدای وقت نماز مغرب است.

نیمه شب

(مسئله ۱۸۸) برای محاسبه نیمه شب، که پایان وقت نماز عشا به دست می آید، باید فاصله بین غروب تا طلوع آفتاب را به دو نیم کنیم.

احکام وقت نماز^۹

(مسئله ۱۸۹) نمازهای غیر روزانه دارای وقت مشخصی نیست، و بستگی به زمانی دارد که به علتی آن نماز واجب شود، مثلاً «نماز آیات» بستگی به زلزله یا کسوف (خورشید گرفتگی) یا خسوف (ماه گرفتگی) و یا حادثه ای دارد که پیش آمده است و «نماز میت» زمانی واجب می شود که مسلمانی از دنیا برود.

(مسئله ۱۹۰) اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود و یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند، باطل است، ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شده یا بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده، نماز او صحیح است.

۹. اگر نماز در وقت خودش خوانده می شود، در اصطلاح احکام گویند نماز «ادا» است، و اگر نماز بعد از گذشتن وقت خوانده شود، در اصطلاح احکام گویند نماز «قضا» شده است.

(مسئله ۱۹۱) انسان باید نماز را در وقت معین آن بخواند و اگر عمداً در آن وقت نخواند، گناهکار است.

(مسئله ۱۹۲) مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند، و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

(مسئله ۱۹۳) چنانچه وقت نماز تنگ باشد، و اگر بخواهد مستحبات نماز را به جا آورد، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می شود باید مستحبات را به جا نیاورد، مثلاً اگر بخواهد قنوت بخواند، وقت می گذرد، باید قنوت نخواند.

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

(مسئله ۱۹۴) انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند، باطل است.

احکام قبله

(مسئله ۱۹۵) خانه کعبه، که در مکه معظمه و در مسجدالحرام واقع شده، «قبله» است و نمازگزار باید رو به روی آن نماز بخواند.

(مسئله ۱۹۶) کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن قرار دارد اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند، کافی است.

(س ۱۹۷) تا چه حد انحراف از قبله، نماز را باطل می کند؟

ج - انحراف از قبله با علم و عمد، مطلقاً نماز را باطل می کند؛ اما اگر بعد از تحقیق و تشخیص قبله، معلوم شود که انحراف به مقدار چپ

یا راست قبله نبوده است، مانعی ندارد. ۲۴/۱/۱۸

پوشانیدن بدن در نماز

(مسئله ۱۹۸) پسران و مردان در نماز، باید عورتین را بپوشانند، و بهتر است از ناف تا زانو را هم بپوشانند.

(مسئله ۱۹۹) دختران و زنان؛ باید تمام بدن را بپوشانند؛ ولی پوشاندن دستها و پاها تا مچ و صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود لازم نیست، گرچه پوشاندن آن نیز اشکال ندارد.

(س ۲۰۰) در موقع نماز آیا باید کف پای زن پوشیده باشد یا نه؟

ج - خیر، لازم نیست پوشیده باشد. ۷۱/۱۱/۱۷

(س ۲۰۱) گاهی لباس زنان به گونه ای است که سایه ای از بدن یا موی آنها پیدا است، آیا چنین حالتی برای نماز اشکال دارد یا خیر؟

ج - اگر حجاب و ساتر به نحوی باشد که بدن دیده شود، کافی نیست. ۶۸/۱۱/۱۶

بدن و لباس نمازگزار

(مسئله ۲۰۲) لباس نمازگزار باید این شرایط را داشته باشد:

۱. پاک باشد (نجس نباشد)؛

۲. مباح باشد (غصبی نباشد)؛

۳. از اجزای مردار نباشد؛

۴. از حیوان حرام گوشت نباشد، مثلاً از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد؛

۵. اگر نمازگزار مرد است لباس او از ابریشم خالص و طلا باف نباشد.

(مسئله ۲۰۳) علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.

(مسئله ۲۰۴) اگر انسان بداند بدن یا لباسش نجس است، ولی هنگام نماز فراموش کند و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است.

(مسئله ۲۰۵) در موارد زیر، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، صحیح است:

۱. نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود؛

۲. به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است؛

۳. لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است ولی مقدار آلودگی کمتر از درهم [تقریباً به اندازه یک سکه دو ریالی] است؛^{۱۰}

۴. ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، مثلاً آب برای آب کشیدن آن ندارد.

(مسئله ۲۰۶) اگر لباسهای کوچک نمازگزار، مثل دستکش و جوراب، نجس باشد، و یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از

اجزای مردار یا حرام گوشت نباشد، اشکال ندارد.

۱۰. این مسئله چند مورد استثنا دارد که برای آشنایی بیشتر می توانید به «رساله توضیح المسائل» مسئله ۸۴۰ مراجعه کنید.

(مسئله ۲۰۷) پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه ترین لباسها و خوشبوکردن خود و دست کردن انگشتر عقیق در نماز، مستحب است.

(مسئله ۲۰۸) پوشیدن لباس سیاه، چرک، تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه های لباس در نماز، مکروه است.

(س ۲۰۹) خون داخل بینی که بیرون نمی آید ولی با آینه دیده می شود، برای نماز اشکال دارد یا خیر؟

ج- برای نماز ضرری ندارد. ۷۴/۴/۱۷

(س ۲۱۰) طلا و نقره برای مرد به عنوان زینت چگونه است؟ و نماز با آن چه حکمی دارد؟

ج- نقره، مانعی ندارد، اما طلا به عنوان زینت، برای مردها حرام است و نماز با آن نیز باطل است. ۷۵/۱۲/۲۴

مکان نمازگزار

(مسئله ۲۱۱) مکانی که انسان بر آن نماز می خواند باید دارای شرایط زیر باشد:

۱. مباح باشد (غصبی نباشد)؛

۲. بی حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد)؛

۳. جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را به طور صحیح انجام دهد؛

۴. جایی که پیشانی را می گذارد (در حال سجده) پاک باشد؛

۵. مکان نمازگزار اگر نجس است، به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد؛

۶. جایی که پیشانی را می گذارد (در حال سجده) از جای زانوهای او، بیش از چهار انگشت بسته، پست تر یا بلندتر نباشد، و احتیاط واجب آن

است که از سر انگشتان پا هم بیشتر از این پست و بلندتر نباشد، ولی اگر شیب زمین کم باشد، اشکال ندارد.^{۱۱}

احکام مکان نمازگزار

(مسئله ۲۱۲) در حال ناچاری نماز خواندن بر چیزی که حرکت می کند، مانند قطار و هواپیما و در جایی که سقف آن کوتاه است و یا جایش

تنگ است، مانند سنگر و بر مکان ناهموار، اشکال ندارد.

(مسئله ۲۱۳) انسان برای رعایت ادب، لازم است جلوتر از قبر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم (علیهم السلام) نماز نخواند، و

چنانچه بی احترامی باشد حرام و نماز باطل است.

(مسئله ۲۱۴) مستحب است، انسان نمازهای واجب را در مسجد بخواند، و در اسلام بر این مسئله سفارش بسیار شده است.

(س ۲۱۵) آیا نماز خواندن در مکانی که نجس ولی خشک است، جایز است؟

ج- مانعی ندارد، اما محل سجده، مثل مهر، باید پاک باشد.

(س ۲۱۶) اقامه نماز در منزلی که رادیو یا تلویزیون آن روشن است و ترانه های معمول که اکثر آرقص آور و مهیج اند، پخش می شود، چگونه

است؟

ج- نماز خواندن در مکانی که همراه با ارتکاب حرام باشد، غیر جایز و باعث عقوبت است. ۶۹/۵/۲۵

احکام مسجد

(مسئله ۲۱۷) از مسائلی که خواهد آمد، به اهمیت حضور در مسجد و نماز خواندن در آن پی می بریم:

- زیاد رفتن به مسجد مستحب است؛

- رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد، مستحب است؛

- همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند؛

- مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او

زن ندهد.

(مسئله ۲۱۸) این کارها در رابطه با مسجد، حرام است:

- زینت کردن مسجد با طلا (بنا بر احتیاط واجب)؛

- فروش مسجد، هر چند خراب شده باشد؛

- نجس کردن مسجد، و چنانچه نجس شود باید فوراً تطهیر کنند.

۱۱. در مورد مکان نمازگزار، شرایط دیگری نیز آمده است که برای آشنایی بیشتر، می توانید به «رساله توضیح المسائل» مسئله ۸۵۱ به بعد مراجعه کنید.

- (مسئله ۲۱۹) این کارها در رابطه با مسجد، مستحب است:
- زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن;
 - چراغ مسجد را روشن کردن;
 - تمیز کردن مسجد;
 - هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن;
 - هنگام بیرون آمدن از مسجد اول پای چپ را بیرون گذاشتن;
 - خواندن دو رکعت نماز مستحبی تَحِيَّتِ مسجد;
 - خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباسهای خود برای رفتن به مسجد.
- (مسئله ۲۲۰) این کارها در رابطه با مسجد، مکروه است:
- عبور از مسجد، به عنوان محل عبور؛ بدون آنکه در آنجا نماز بخواند;
 - انداختن آب دهان و بینی در مسجد;
 - خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری;
 - فریاد زدن در مسجد و صدا را بلند کردن مگر برای اذان;
 - خرید و فروش در مسجد;
 - سخن گفتن از امور دنیا;
 - رفتن به مسجد، برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می دهد.

آمادگی برای نماز

اکنون، پس از فراگرفتن مسائل وضو، غسل، تیمم، وقت نماز، پوشش و مکان نمازگزار آماده شروع نماز می شویم:

اذان و اقامه

- (مسئله ۲۲۱) بر نمازگزار مستحب است، قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند.
- (مسئله ۲۲۲) «اذان» هجده جمله است: «اللَّهُ أَكْبَرُ» (چهار مرتبه)؛ «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»؛ «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ»؛ «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ»؛ «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»؛ «اللَّهُ أَكْبَرُ»؛ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (هر يك دو مرتبه)؛ و «اقامه»، هفده جمله است: یعنی دو مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» از اول اذان و يك مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» از آخر آن کم می شود و بعد از گفتن «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» گفتن دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» را باید اضافه نمود.
- (مسئله ۲۲۳) جمله «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَكَلِيَّ اللَّهِ» جزو اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، به قصد قرابت گفته شود.

ترجمه اذان و اقامه

«اللَّهُ أَكْبَرُ».

«خدای تعالی بزرگتر از آن است که وصف شود».

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

«شهادت می دهم غیر از خدایی که یکتا و بی همتاست، خدای دیگری [سزاوار پرستش] نیست».

«أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

«گواهی می دهم که محمد (صلی الله علیه وآله) پیامبر خداست».

«أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَكَلِيَّ اللَّهِ».

«شهادت می دهم که حضرت علی (علیه السلام) امیر المؤمنین و ولی خدا [بر همه خلق] است».

«حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ»!

«بشتابید به سوی نماز»!

«حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ»!

«بشتابید به سوی رستگاری»!

«حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»!

«بشنایبید به سوی بهترین کارها [که نماز است]»!

«قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ».

«نماز برپا شد».

«اللَّهُ أَكْبَرُ».

«خدای تعالی بزرگتر از آن است که وصف شود».

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

«جز آفریدگار جهان خدایی نیست».

احکام اذان و اقامه

(مسئله ۲۲۴) اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر عمداً یا از روی فراموشی قبل از وقت بگوید، باطل است.

(مسئله ۲۲۵) اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید، صحیح نیست.

(مسئله ۲۲۶) نباید بین جمله های اذان و اقامه زیاد فاصله شود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.

(مسئله ۲۲۷) اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

(مسئله ۲۲۸) اگر برای خواندن نماز جماعت به مسجد برود و ببیند نماز جماعت تمام شده و برای نماز اذان و اقامه گفته شده باشد، تا وقتی که صفها به هم نخورده و جمعیت متفرق نشده، نمی تواند برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

(مسئله ۲۲۹) نماز مستحبی اذان و اقامه ندارد.

(مسئله ۲۳۰) مستحب است در روز اولی که بچه به دنیا می آید، در گوش راست او اذان، و در گوش چپ اقامه بگویند.

(مسئله ۲۳۱) مستحب است کسی که برای گفتن اذان معین می کند، عادل و وقت شناس و صدایش بلند باشد.

(س ۲۳۲) گفتن اذان و اقامه در نمازهای مستحبی، به قصد قربت چگونه است؟ در نمازهای قضا شده بومیه، نماز آیات و وحشت چطور؟ آیا در

نماز قضای پدر و مادر، اذان و اقامه لازم است یا خیر؟

ج - گفتن اذان و اقامه برای خواندن نمازهای واجب بومیه و قضای آنها، مستحب و برای نمازهای مستحبی، حرام است، و در نماز آیات

به جای اذان و اقامه سه مرتبه گفتن «الصلاة» به قصد امید ثواب، مستحب است. ۱۲/۱/۱۴

اعمال نماز

(مسئله ۲۳۳) نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» شروع می شود و با سلام به پایان می رسد.

(مسئله ۲۳۴) آنچه در نماز انجام می شود یا واجب است و یا مستحب.

(مسئله ۲۳۵) واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیررکن است.

واجبات نماز

۱. نیت؛ ۲. تکبیرة الاحرام؛ ۳. قیام؛ ۴. قرائت؛ ۵. رکوع؛ ۶. سجود؛ ۷. تشهد؛ ۸. سلام نماز؛ ۹. ترتیب؛ ۱۰. موالات؛ ۱۱. ذکر.

رکنهای نماز

۱. نیت؛

۲. تکبیرة الاحرام؛

۳. قیام (ایستادن) هنگام تکبیرة الاحرام و قیام متصل به رکوع، یعنی ایستادن پیش از رکوع؛

۴. رکوع؛

۵. دو سجده.

فرق بین رکن و غیر رکن

(مسئله ۲۳۶) ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می آید و چنانچه یکی از آنها به جا آورده نشود و یا اضافه شود، هر چند بر اثر فراموشی

هم باشد، نماز باطل است. واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است، ولی چنانچه از روی فراموشی کم یا زیاد شود، نماز باطل نیست، ولی اگر عمداً ترك شود یا زیاد شود، نماز باطل است.

احکام واجبات نماز

۱. نیت

- (مسئله ۲۳۷) نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می خواند و باید آن را برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد.
- (مسئله ۲۳۸) به زبان آوردن نیت و گذراندن از قلب، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید، اشکال ندارد.
- (مسئله ۲۳۹) نماز، باید از هر گونه ریا و خودنمایی به دور باشد، یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند به جا آورد، و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، باطل است، چه آن قسمت واجب باشد مثل «سوره»، یا مستحب مثل «قنوت».

۲. تکبیرة الاحرام

- (مسئله ۲۴۰) همان گونه که گذشت نماز با گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» آغاز می شود و به آن «تکبیرة الاحرام» می گویند. [چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده، بر نمازگزار حرام می شود، مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن.] و گفتن آن در اول هر نماز واجب و رکن است.
- (مسئله ۲۴۱) مستحب است نمازگزار هنگام گفتن تکبیرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.

۳. قیام (ایستادن)

- (مسئله ۲۴۲) قیام یعنی ایستادن. نمازگزار باید تکبیرة الاحرام و قرائت را در حال قیام و آرامش بخواند.
- (مسئله ۲۴۳) اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد سپس به رکوع برود و پس از آن سجده ها را به جا آورد.
- (مسئله ۲۴۴) نمازگزار باید موقع ایستادن هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی يك پا هم باشد، اشکال ندارد.
- (مسئله ۲۴۵) کسی که به هیچ وجه حتی با تکیه کردن بر عصا یا دیوار نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته، رو به قبله نماز بخواند، و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند.
- (مسئله ۲۴۶) واجب است بعد از رکوع به طور کامل بایستد و سپس به سجده برود، و چنانچه این قیام عمداً ترك شود، نماز باطل است.

۴. قرائت

- (مسئله ۲۴۷) در رکعت اول و دوم نمازهای واجب روزانه، انسان باید اول حمد و بعد از آن يك سوره کامل قرآن (مثل سوره توحید) را بخواند:
- سوره حمد
- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.

سوره توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید فقط سوره حمد، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود، و اگر يك مرتبه هم بخواند کافی است.

تسبیحات اربعه

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

احکام قرائت

- (مسئله ۲۴۸) در رکعت سوم و چهارم نماز باید حمد یا تسبیحات آهسته خوانده شود.
- (مسئله ۲۴۹) در نماز ظهر و عصر، قرائت رکعت اول و دوم نیز باید آهسته خوانده شود.
- (مسئله ۲۵۰) پسران و مردان در نماز صبح، مغرب و عشا واجب است حمد و سوره را در رکعت اول و دوم بلند بخوانند. ولی دختران و بانوان اگر نامحرم صدایشان را نمی شنود می توانند بلند بخوانند وگرنه، بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخوانند.
- (مسئله ۲۵۱) اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، صحیح است.
- (مسئله ۲۵۲) اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است، مثلاً می بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده، لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.

(مسئله ۲۵۳) انسان باید نماز را یاد بگیرد تا غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می تواند بخواند و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

(س ۲۵۴) منظور از بلند خواندن حمد و سوره در نمازهای جهریه و آهسته خواندن آن دو در نماز ظهر و عصر چیست؟ آیا گذراندن از قلب کافی است؟

ج - منظور از بلند خواندن حمد و سوره در نمازهایی که باید بلند خوانده شود، این است که تُن و جوهره صدا، آشکار شود، برخلاف نمازهایی که باید آهسته خوانده شود و نباید جوهره صدا ظاهر شود، و از قلب گذراندن هم، کافی نیست. ۷۵/۱۰/۴

۵. رکوع

(مسئله ۲۵۵) نمازگزار در هر رکعت، بعد از قرائت، باید به اندازه ای خم شود که بتواند دستهایش را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می گویند، و واجب است در حال رکوع ذکر بگوید.

(مسئله ۲۵۶) در رکوع، هر ذکری که بگوید کافی است، ولی واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»، یا يك مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

(مسئله ۲۵۷) در حال ذکر رکوع، باید بدن آرام باشد.

(مسئله ۲۵۸) اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.

(مسئله ۲۵۹) اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است و اگر سهواً سر بر دارد، چنانچه پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده، باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید، و اگر بعد از آنکه از حال رکوع خارج شد یادش بیاید، نماز او صحیح است.

۶. سجود

(مسئله ۲۶۰) نمازگزار باید در هر رکعت، از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده به جا آورد.

(مسئله ۲۶۱) سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد و در حال سجده واجب است ذکر بگوید و دو سجده روی هم يك رکن است.

(مسئله ۲۶۲) در سجده، هر ذکری که بگوید کافی است، ولی واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا يك مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

(مسئله ۲۶۳) در حال ذکر سجده، باید بدن آرام باشد.

(مسئله ۲۶۴) اگر کسی پیش از آنکه پیشانی اش به زمین برسد و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید، نمازش باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.

(مسئله ۲۶۵) نمازگزار باید بعد از تمام شدن ذکر سجده، اول بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

(مسئله ۲۶۶) اگر نمازگزار پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است.

(مسئله ۲۶۷) اگر موقعی که ذکر سجده را می گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.

(مسئله ۲۶۸) اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر پا، یا روی پا را به زمین بگذارد یا به واسطه بلند بودن ناخن، سر شست به زمین نرسد، نمازش باطل است.

(مسئله ۲۶۹) نمازگزار باید در سجده، پیشانی را بر زمین و یا آنچه از زمین می روید ولی خوراکی و پوشاکی نیست، مانند چوب و برگ درخت، قرار دهد.

(مسئله ۲۷۰) سجده بر چیزهای معدنی، مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه، صحیح نیست. اما سجده کردن بر سنگهای معدنی مانند سنگ مرمر و سنگهای سیاه، اشکال ندارد.

(مسئله ۲۷۱) سجده بر چیزهایی که از زمین می روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاه، صحیح است.

(مسئله ۲۷۲) سجده بر کاغذ، اگرچه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، صحیح است.

(مسئله ۲۷۳) برای سجده، تربت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) از هر چیز بهتر می باشد و بعد از آن به ترتیب خاک، سنگ و گیاه قرار دارد.

(مسئله ۲۷۴) اگر در سجده اول، مَهر به پیشانی بچسبید و بدون اینکه مَهر را بردارد دوباره به سجده رود، نماز باطل است، و باید دوباره بخواند.

وظیفه کسی که نمی تواند به طور معمول سجده کند

(مسئله ۲۷۵) کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می تواند خم شود و مهر را برجای بلندی بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.

(مسئله ۲۷۶) اگر نمی تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که، به قدری مهر را بلند کند که پیشانی را بر آن بگذارد.

(س ۲۷۷) بعضی از اوقات در سجده اول، پیشانی دوبار به مهر می خورد. آیا دو سجده حساب می شود؟

ج - يك سجده محسوب می شود، چون برگشت، قهری بوده و برگشت بدون اختیار، کالعدم است و سجده محسوب نمی شود. ۷۴/۲/۲۷

(س ۲۷۸) گاهی در پیشانی انسان جوشهایی پیدا می شود که هنگام سجده درد می گیرد. آیا می توان در سجده پیشانی را کج روی مهر گذاشت؟ و

اگر بعد از برداشتن سر از سجده، مهر به خون جوشها آلوده شود، نماز چه حکمی دارد؟

ج - در سجده لازم نیست تمام پیشانی روی محل سجده و چیزهایی که سجده بر آن صحیح است، باشد، بلکه مقداری از پیشانی هم کفایت می کند، اما غیرپیشانی کفایت نمی کند، بنابراین، کج گذاشتن پیشانی مانعی ندارد؛ و اما نسبت به آلوده شدن مهر، بعد از نجس شدن، نمی توان روی موضع نجس سجده نمود، چون یکی از شرایط سجده و نماز، پاک بودن محل سجده است و خون جراثحت که کمتر از يك در هم است به حکم معفو بودن کمتر از يك در هم، مبطل نماز نیست؛ ولی اگر در سجده بعدی محل سجده را نجس می کند، نمی توان با آن نماز خواند، به خاطر اینکه محل سجده باید پاک باشد. ۷۴/۲/۲۷

(س ۲۷۹) اگر در بین نماز، چیزی که سجده بر آن جایز است، مفقود شود، و برای سجده چیزی پیدا نشود، آیا می توان به ناخن سجده کرد؟

ج - اگر وقت وسعت دارد، باید نماز را قطع و چیزی که سجده بر آن صحیح است پیدا کرد، و نماز را دو مرتبه خواند، و اگر وقت تنگ است و یا با قطع کردن نماز هم چیزی که سجده بر آن صحیح است، پیدا نشود تا بر آن سجده کرد؛ در این صورت، باید به مراتبی که در مسئله ۱۰۶۵ «رساله توضیح المسائل» آمده، مراجعه و عمل شود. ۷۴/۴/۳۰

(س ۲۸۰) حکم سجده کردن بر سیمان، موزائیک، کاشی، آهک و گچ پخته و همچنین تیمم بر آنها چیست؟

ج - سجده کردن بر سیمان، موزائیک، کاشی و همانند آنها که در اثر تغییر و تحولات زیاد، ظاهراً زمین بر آنها صدق نمی کند، درست نیست؛ اما آهک، گچ پخته شده و مانند آنها مثل آهک و گچ خام، سجده بر آنها جایز است و تیمم بر موارد ذکر شده، حکم سجده بر آنها را دارد. ۷۴/۲/۲۸

سجده های واجب قرآن

(مسئله ۲۸۱) در هر يك از چهار سوره «سجده»، «فصلت»، «نجم» و «علق»، يك آیه سجده است که اگر انسان بخواند یا به آن گوش دهد، بعد

از تمام شدن آن آیه، باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد، هر وقت یادش آمد، باید سجده نماید.

(مسئله ۲۸۲) سوره هایی که آیه سجده دارد عبارت اند از:

۱. آیه ۱۵ سوره سجده (۳۲)؛

۲. آیه ۳۷ سوره فصلت (۴۱)؛

۳. آیه ۶۲ سوره نجم (۵۳)؛

۴. آیه ۱۹ سوره علق (۹۶).

(مسئله ۲۸۳) اگر آیه سجده را از رادیو و ضبط صوت و مانند آن بشنود، لازم نیست سجده کند.

(مسئله ۲۸۴) اگر آیه سجده را از مثل بلندگو که صدای انسان را می رساند بشنود، واجب است سجده کند.

(مسئله ۲۸۵) گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، اما مستحب است.

(مسئله ۲۸۶) در سجده واجب قرآن، بر چیزهای خوراکی و پوشاکی نمی توان سجده کرد؛ ولی سایر شرایط سجده را که در نماز است، لازم

نیست مراعات کند.

۷. تشهد

(مسئله ۲۸۷) در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشاء، نمازگزار باید بعد از

سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

(س ۲۸۸) اگر شخصی در رکعت سوم نماز، هنگامی که در رکوع است و یا بعد از آن، متوجه شود که در رکعت دوم، تشهد را نخوانده است،

چه کار باید بکند؟

ج - بعد از اتمام نماز، بدون اینکه رو از قبله بگرداند، ابتدا باید قضای تشهد را بخواند، و بعد از قضای تشهد، دو سجده سهو هم، به جا آورد. ۷۶/۲/۲۰

۸. سلام نماز

(مسئله ۲۸۹) بعد از تشهد رکعت آخر نماز، واجب است نمازگزار؛ در حالی که نشسته و بدنش آرام است، بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ» و احوط استجابی آن است که «وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ» را اضافه نماید، یا بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» و مستحب است بعد از تشهد و قبل از سلام بگوید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ».

۹. ترتیب

(مسئله ۲۹۰) نماز باید بدین ترتیب خوانده شود، تکبیرة الاحرام، قرانت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجده دوم، تشهد بخواند و در کعت آخر، بعد از تشهد، سلام دهد.

(مسئله ۲۹۱) اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می شود.

۱۰. موالات

(مسئله ۲۹۲) موالات، یعنی پشت سر هم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.

(مسئله ۲۹۳) اگر کسی به قدری بین اجزای نماز فاصله ببندد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.

(مسئله ۲۹۴) طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را به هم نمی زند.

قنوت

(مسئله ۲۹۵) در تمام نمازهای واجب و مستحب، پیش از رکوع رکعت دوم، مستحب است که نمازگزار «قنوت» بخواند؛ یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکر بخواند.

(مسئله ۲۹۶) در قنوت هر ذکر بگوید اگرچه يك «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد کافی است و می تواند این دعا را بخواند:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

تعقیب نماز

«تعقیب» یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز.

(مسئله ۲۹۷) بهتر است انسان در حال تعقیب رو به قبله باشد.

(مسئله ۲۹۸) لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده اند، بخواند.

(مسئله ۲۹۹) از چیزهایی که برای تعقیب نماز زیاد سفارش شده، تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) است؛ یعنی گفتن: سی و چهار مرتبه «اللَّهُ

اکبر»، سی و سه مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و سی و سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ».

ترجمه نماز

تکبیرة الاحرام

«اللَّهُ أَكْبَرُ».

«خدای تعالی بزرگتر از آن است که وصف شود».

۱. ترجمه سوره حمد

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

«بِنام خداوند بخشنده مهربان».

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

«ستایش، مخصوص خدا، پروردگار جهانیان است».

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

«در دنیا بر مؤمن و کافر، و در آخرت بر مؤمن رحم می کند».

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

«صاحب اختیار روز قیامت است».

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».

«تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم».
 «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».
 «ما را به راه راست هدایت فرما».
 «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ».
 «راه آنان که به آنها نعمت دادی».
 «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ».
 «نه راه کسانی که بر آنها خشم شده و نه گمراهان».

۲. ترجمه سوره توحید

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».
 «بنام خداوند بخشنده مهربان».
 «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».
 «بگو اوست خدای یکتا».
 «اللَّهُ الصَّمَدُ».
 «خدای بی نیاز».
 «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ».
 «خدایی که نه فرزندی دارد، و نه فرزند کسی است».
 «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».
 «و هیچ کسی، همتای او نیست».

۳. ترجمه ذکر رکوع

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ».
 «پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم».

۴. ترجمه ذکر سجود

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ».
 «خداوند خود را که از همه بالاتر است می ستایم و او از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است».

۵. ترجمه تسبیحات اربعه

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».
 «منزه است خدا، ستایش مخصوص خداست، جز آفریدگار جهان خدایی نیست و خدا از همه بزرگتر است».

۶. ترجمه تشهد و سلام

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ».
 «گواهی می دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و بی همتاست و شریک ندارد».
 «وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ».
 «و گواهی می دهم که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده خداوند است».
 «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».
 «خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست».
 «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».
 «درود و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر».
 «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».
 «درود بر ما (نمازگزاران) و بر بندگان صالح خدا».
 «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

«درود بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما».

مبطلات نماز

- (مسئله ۳۰۰) آن گاه که نمازگزار، تکبیرة الاحرام می گوید و نماز را شروع می کند، تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می شود، که اگر در نماز یکی از آنها را انجام دهد، نمازش باطل است.
- دوازده چیز نماز را باطل می کند و آنها را «مبطلات نماز» می گویند:
۱. در بین نماز، یکی از شرطهای آن از بین برود؛ مثلاً نمازگزار در بین نماز بفهمد که مکانش غصبی است؛
 ۲. در بین نماز، عمدتاً یا سهواً یا از روی ناچاری، چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند، پیش آید؛
 ۳. سخن گفتن؛
 ۴. خندیدن؛
 ۵. گریستن؛
 ۶. روی از قبله برگرداندن؛
 ۷. خوردن و آشامیدن؛
 ۸. بر هم زدن صورت نماز؛
 ۹. کم یا زیاد کردن ارکان نماز، به شرحی که در (مسئله ۲۳۵) گذشت؛
 ۱۰. مثل بعضی از کسانی که شیعه نیستند، دستها را روی هم بگذارد؛
 ۱۱. بعد از خواندن حمد، آمین بگوید؛ ولی اگر اشتباهاً یا از روی تقیه بگوید، نمازش باطل نمی شود؛
 ۱۲. شك در رکعتهای نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است.^{۱۲}

احکام مبطلات نماز

سخن گفتن

- (مسئله ۳۰۱) اگر نمازگزار عمدتاً کلمه ای بگوید و بخواهد با آن معنایی را برساند، اگر چه آن کلمه معنایی هم نداشته باشد، نمازش باطل است.
- (مسئله ۳۰۲) اگر عمدتاً کلمه ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، هر چند نخواهد با آن معنایی را برساند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.
- (مسئله ۳۰۳) اگر از روی فراموشی سخن بگوید، مثلاً متوجه نباشد که در حال نماز است، نماز باطل نمی شود.
- (مسئله ۳۰۴) سرفه کردن و عطسه نمودن، نماز را باطل نمی کند.
- (مسئله ۳۰۵) در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند واجب است جواب او را بدهد، و باید در جواب، «سلام» را مقدم دارد، مثلاً بگوید: «سلام علیکم».

خندیدن و گریستن

- (مسئله ۳۰۶) اگر نمازگزار عمدتاً با صدا بخندد، نمازش باطل است.
- (مسئله ۳۰۷) لبخند زدن نماز را باطل نمی کند.
- (مسئله ۳۰۸) اگر نمازگزار برای کار دنیا عمدتاً با صدا گریه کند، نمازش باطل است؛ ولی اگر بی صدا گریه کند، اشکال ندارد.
- (مسئله ۳۰۹) اگر نمازگزار از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند، اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است.

روی از قبله برگرداندن

- (مسئله ۳۱۰) اگر نمازگزار عمدتاً یا از روی فراموشی پشت به قبله کند، یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد، بلکه اگر عمدتاً به قدری برگردد که نگویند رو به قبله است، اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است.
- (مسئله ۳۱۱) اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند. ولی اگر سر را کمی برگرداند عمدتاً باشد یا اشتباهاً، نمازش باطل نمی شود.

خوردن و آشامیدن

۱۲. برای آشنایی بیشتر با سایر مبطلات نماز، می توانید به «رساله توضیح المسائل»، مسئله ۱۱۰۴ مراجعه کنید.

(مسئله ۳۱۲) اگر در بین نماز غذایی را که لای دندانها مانده، فرو ببرد، نمازش باطل نمی شود؛ ولی اگر قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و در حال نماز، کم کم آب شود و فرو رود، نمازش اشکال پیدا می کند.

(مسئله ۳۱۳) احتیاط واجب آن است که در نماز چیزی نخورد و نیاشامد؛ چه موالات نماز به هم بخورد یا نخورد و چه بگویند نماز می خواند یا نگویند.

برهم زدن صورت نماز

(مسئله ۳۱۴) اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می شود.

(مسئله ۳۱۵) اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل می شود.

(مسئله ۳۱۶) رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است؛ مگر در حال ناچاری مانند حفظ جان، حفظ مال یا جلوگیری از ضرر مالی و بدنی باشد.

(مسئله ۳۱۷) شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد، مکروه است.

(مسئله ۳۱۸) شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم با این شرایط اشکال ندارد:

۱. در بین نماز نمی تواند بدهی را بپردازد؛
۲. طلبکار، طلب خود را می خواهد؛
۳. وقت نماز تنگ نیست، یعنی می تواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقت آن بخواند.

برخی از چیزهایی که در نماز مکروه است

۱. بستن چشمها؛
 ۲. بازی کردن با انگشتان و دستها؛
 ۳. سکوت کردن در هنگام خواندن حمد یا سوره و یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی؛
 ۴. هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد؛
 ۵. برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون به مقدار زیاد نماز را باطل می کند).
- (س ۳۱۹) اگر در تشهد نمازهای یومیّه، بعد از صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) «و عجل فرجهم» نیز گفته شود، آیا نماز دچار اشکال می شود؟ اگر سهواً گفته شود، چطور؟

ج - احتیاط واجب در ترك است، اعمال گذشته - ان شاء الله - صحیح است. ۷۶/۴/۲۵

(س ۳۲۰) بستن چشمها در نماز، اگر به این نیت باشد که حواسش بیشتر متوجه نماز باشد، اشکال دارد، یا خیر؟

ج - نماز، صحیح است. ۷۷/۸/۱۸

شکایات نماز

گاهی ممکن است نمازگزار در انجام جزئی از نماز شك کند، مثلاً نمی داند تشهد را خوانده است یا نه، و یا نمی داند يك سجده به جا آورده است یا دو سجده و گاهی در تعداد رکعاتی که خوانده است شك می کند، مثلاً نمی داند اکنون مشغول رکعت سوم است یا چهارم.

برای شك در نماز، احکام خاصی است و بیان تمام موارد آن از حدّ این نوشته خارج است ولی به طور مختصر، به بیان اقسام شك و احکام هر کدام می پردازیم:

شك در اجزای نماز

(مسئله ۳۲۱) اگر نمازگزار در انجام جزئی از اجزای نماز شك کند، یعنی نمی داند آن جزء را به جا آورده است یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده، یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است، باید آن را به جا آورد؛ ولی اگر بعد از داخل شدن در جزء بعدی شك پیش آمده، یعنی از محل آن گذشته است، به چنین شکی اعتنا نمی شود و نماز را ادامه می دهد و صحیح است.

(مسئله ۳۲۲) اگر بعد از انجام جزئی از نماز در صحت آن شك کند، یعنی نمی داند جزئی را که به جا آورده، صحیح انجام شده است یا نه، در این صورت به شك خود اعتنا نمی کند، یعنی بنا می گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می دهد و صحیح است.

شکهایی که نماز را باطل می کند

(مسئله ۳۲۳) اگر در شماره رکعتهای نماز دو رکعتی و یا سه رکعتی مثل نماز صبح و نماز مغرب شك پیش آید، نماز باطل است.

(مسئله ۳۲۴) اگر در نماز چهار رکعتی شك کند که يك رکعت خوانده یا بیشتر، نماز باطل است.

(مسئله ۳۲۵) اگر در نماز نداند چند رکعت خوانده، نماز باطل است.

(مسئله ۳۲۶) اگر یکی از شکهایی که نماز را باطل می کند برای انسان پیش آید، نمی تواند نماز را به هم بزند، ولی اگر قدری فکر کند و چیزی

یادش نیاید و شك باقی بماند، به هم زدن نماز مانعی ندارد.

شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

۱. در نماز مستحبی؛

۲. در نماز جماعت؛

۳. پس از سلام نماز؛

۴. بعد از گذشتن وقت نماز؛

۵. شك کسی که در نماز زیاد شك می کند (کثیر الشك)؛

۶. شك در چیزی که محل به جا آوردن آن، گذشته است، مثل آنکه در رکوع شك کند که حمد را خوانده یا نه.

(مسئله ۳۲۷) اگر در تعداد رکعتهای نماز مستحبی شك کند، بنا بر دو می گذارد، چون تمام نمازهای مستحبی - بجز نماز وتر و اعرابی - دو

رکعتی است. پس اگر شك بین يك و دو، یا دو و بیشتر از آن پیش آید، بنا بر دو می گذارد و نماز صحیح است.

(مسئله ۳۲۸) در نماز جماعت، اگر امام جماعت در رکعتهای نماز شك کند، ولی مأموم شك نداشته باشد، و به امام بفهماند که رکعت چندم است،

امام جماعت نباید به شك خود اعتنا کند؛ همچنین اگر مأموم شك کند ولی امام جماعت شك نداشته باشد، همان گونه که امام جماعت نماز را انجام می دهد او هم عمل می کند و صحیح است.

(مسئله ۳۲۹) اگر بعد از سلام نماز شك کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شك کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی، شك

کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شك خود اعتنا نکند؛ ولی اگر هر دو طرف شك او باطل باشد، مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی شك کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

(مسئله ۳۳۰) اگر بعد از گذشتن وقت نماز شك کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که خوانده، خواندن آن لازم نیست؛ ولی اگر قبل از گذشتن

وقت شك کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، باید آن نماز را بخواند، بلکه اگر گمان کند که خوانده، باید آن را به جا آورد.

(س ۳۳۱) اگر شخصی بعد از سر برداشتن از سجده شك کند که سجده اول است یا سجده دوم، اما یکی از دو طرف را بیشتر احتمال دهد، حکمش

چیست؟

ج - باید بنا را بر اقل بگذارد. ۶۸/۳/۲

(س ۳۳۲) کسی که در مسائل عبادی و غیر عبادی، مبتلا به شکهای مختلف است به طوری که گاهی برایش شکی پیش می آید که سابقه نداشته

است، وظیفه اش چیست؟

ج - نباید به شك خود اعتنا کند. ۷۴/۴/۶

شکهای صحیح

مورد شکالتوظیفه نمازگزار

۱۲ و ۳ نشسته (بعد از نکرینا را بر ۳ می گذارد و يك رکعت دیگر می خواند؛

واجب سجده دوم) و بعد از نماز، يك رکعت نماز احتیاط ایستاده،

یا دو رکعت نشسته به جا می آورد.

۲۲ و ۴ نشسته (بعد از نکرینا را بر ۴ می گذارد و نماز را تمام می کند؛ و بعد از نماز،

واجب سجده دوم) دو رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا می آورد.

۳۲ و ۳ و ۴ نشسته (بعد از نکرینا را بر ۴ می گذارد؛ و بعد از نماز، دو رکعت نماز

واجب سجده دوم) احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته به جا می آورد.

تذکر:

اگر بعد از سجده اول یا پیش از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم، یکی از سه شك

بالا برای نماز گزار پیش آید، می تواند نماز را رها کند و دوباره بخواند.

مورد شکالتوظیفه نماز گزار

۴۴ و ۵۸ شسته (بعد از نکرینا را بر ۴ می گذارد و نماز را تمام می کند؛ و بعد

واجب سجده دوم) از نماز، دو سجده سهو به جا می آورد.

۵۳ و ۴ در هر کجای نماز بنا را بر ۴ می گذارد و نماز را تمام می کند؛ و بعد از نماز،

یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت

نشسته به جا می آورد.

۶۴ و ۵ ایستاده باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد؛ و بعد از

نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت

نشسته به جا آورد.

۷۳ و ۵ ایستاده باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد؛ و بعد از نماز،

دو رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورد.

۸۳ و ۴ و ۵ ایستاده باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد؛ و بعد از

نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت

نشسته به جا آورد.

۹۵ و ۶ ایستاده باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد؛ و بعد از نماز،

دو سجده سهو به جا آورد.

نماز احتیاط

(مسئله ۳۳۳) در مواردی که نماز احتیاط واجب می شود مثل، شك بین ۳ و ۴، باید بعد از سلام نماز، بدون آنکه صورت نماز را به هم بزنند، و یا مبطلی از مبطلات نماز را انجام دهد، برخیزد و بدون اذان و اقامه نیت کند و تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.

(مسئله ۳۳۴) فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

۱. نیت آن را نباید به زبان آورد؛

۲. سوره و قنوت ندارد (هر چند دو رکعتی باشد)؛

۳. بنا بر احتیاط واجب سوره حمد را آهسته بخواند ولی مستحب است «بسم الله الرحمن الرحيم» آن را بلند بگوید.

(مسئله ۳۳۵) اگر يك رکعت نماز احتیاط، واجب باشد، پس از سجده دوم، تشهد می خواند و سلام می دهد؛ و اگر دو رکعت واجب شده باشد،

نباید در رکعت اول تشهد بخواند و سلام دهد، بلکه باید يك رکعت دیگر هم (بدون تکبیر الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم تشهد بخواند و سلام دهد.

(س ۳۳۶) اگر کسی پس از سلام نماز سه بار تکبیر گفته، سپس نماز احتیاط یا سجده سهو را به جا آورد، آیا نمازش اشکال دارد؟ اگر چنین است

تکلیف نمازهای قبلی چیست؟

ج - نسبت به گذشته که متوجه نبوده است، مانعی ندارد؛ ولی برای بعد نسبت به نماز احتیاط، واجب است که چیزی - ولو سه مرتبه

الله اکبر - فاصله نشود. ۷۵/۵/۵

سجده سهو

(مسئله ۳۳۷) برای چهار چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو - به دستوری که گفته می شود - به جا آورد:

۱. چنانچه فرد در بین نماز، سهواً حرف بزند؛

۲. چنانچه انسان در جایی که نباید نماز را سلام دهد، مثلاً در رکعت اول، سلام دهد؛

۳. در صورتی که تشهد را فراموش کند;

۴. هرگاه در نماز چهار رکعتی، بعد از سجده دوم، شك کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت؛ و در دو مورد هم، احتیاط مستحب آن است که سجده سهو بنماید:

الف. در جایی که يك سجده را فراموش نماید;

ب. در جایی که باید بنشیند، مثلاً موقع خواندن تشهد، اشتباهاً بایستد، یا در جایی که باید بایستد، اشتباهاً بنشیند، مثلاً موقع خواندن حمد و سوره اشتباهاً بنشیند.

(مسئله ۳۳۸) دستور سجده سهو این است که نماز گزار بعد از سلام نماز، فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است، بگذارد و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» یا بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» ولی بهتر است بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ». بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهایی را که گفته شد، بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد، سلام دهد.

(س ۳۳۹) اگر انسان فراموش کند و سجده سهو را انجام ندهد، نقل شده است که هر وقت به یادش آمد، باید آن را انجام دهد، آیا منظور، این است که در هر حالتی که بود (مثلاً بی وضو یا بدون چادر و یا بدون سجده گاه صحیح)، می تواند آن را به جا آورد؟ سجده سهو چند تاست؟

ج - شرایط نماز و سجده در سجده سهو، معتبر نیست، لذا فرد می تواند بدون وضو هم آن را انجام دهد؛ اما احتیاط در مراعات است؛ و

سجده سهو، در همه جا، دو سجده است. ۶۸/۱۱/۱۶

(س ۳۴۰) آیا بعد از تشهد سجده سهو، هر سه سلام را باید گفت، یا فقط سلام آخر، کافی است؟

ج - سلام آخر، کافی است. ۷۵/۱۰/۵

(س ۳۴۱) اگر در نماز، هنگامی که باید سلام بدهد، از روی فراموشی (نه از روی شك در رکعات) بلند شود، نماز چه حکمی دارد؟

ج - نشستن به جای ایستادن و بالعکس، اگر از روی فراموشی باشد، مضر به نماز نیست، لذا نماز درست است، اما احتیاط در هر

نشستن و ایستادن بی جا، به جا آوردن سجده سهو است. ۷۵/۱۱/۴

نماز مسافر

(مسئله ۳۴۲) «مسافر» باید نماز ظهر و عصر و عشا را، شکسته به جا آورد؛ یعنی دو رکعت بخواند؛ به شرط آنکه مسافرتش از هشت فرسخ^{۱۳} کمتر نباشد.

(مسئله ۳۴۳) اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است، مثل وطن، حداقل چهار فرسخ می رود و چهار فرسخ برمی گردد، نمازش در این سفر هم، شکسته است.

(مسئله ۳۴۴) کسی که به مسافرت می رود، زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حداقل به مقداری دور شود که صدای اذان آنجا را نشنود، و دیوارهای آنجا را نبیند، و چنانچه قبل از آنکه به این مقدار دور شود بخواند نماز بخواند، باید تمام بخواند.

(مسئله ۳۴۵) اگر به جایی می رود که دو راه دارد، يك راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد؛ اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند، و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود باید نماز را چهار رکعتی بخواند، مثلاً اگر از وطن به روستایی می رود که دو راه دارد، يك راه چهار فرسخ است و راه دیگر سه فرسخ، اگر از راه اول برود و از همان راه برگردد، نمازش در بین راه و در آن روستا شکسته است، ولی اگر از این راه برود و از راه دیگر برگردد و یا از راه دوم برود و از همان راه برگردد چون مجموع سفر کمتر از هشت فرسخ می باشد، نماز در بین راه و در آن روستا تمام است.

(مسئله ۳۴۶) در موارد ذیل در هنگام سفر نیز، نماز تمام است:

۱. قبل از آنکه هشت فرسخ برود، از وطن خود می گذرد و یا در جایی ده روز می ماند؛

۲. از اول قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده، مثل کسی که به دنبال گمشده ای می گردد؛

۳. در بین راه از قصد سفر برگردد، یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ از رفتن منصرف شود؛

۴. کسی که کثیر السفر (زیاد مسافرت می کند) است؛

۵. کسی که برای کارش به طور متعارف بین ده روز، حداقل یکبار به مسافرت می رود، مانند دانش آموزی که برای تحصیل به شهر دیگر

می رود و هر جمعه به وطن خود برمی گردد؛

۱۳. هشت فرسخ شرعی، در حدود ۴۵ کیلومتر است.

۶. کسی که به سفر حرام می رود، مانند سفری که موجب اذیت پدر و مادر باشد.

(مسئله ۳۴۷) در این مکانها نماز تمام است:

۱. در وطن;

۲. در جایی که بنا دارد ده روز بماند;

۳. در جایی که سی روز با تردید مانده است، یعنی معلوم نبوده که می ماند یا می رود، و تا سی روز به همین حالت مانده و جایی هم نرفته است،

در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

وطن کجاست؟

(مسئله ۳۴۸) «وطن» جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد،

یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده است.

(مسئله ۳۴۹) فرزند، تا زمانی که با پدر و مادر زندگی می کند و مستقل نشده است، همان وطن پدر و مادر وطن اوست، هر چند در آنجا به دنیا

نیامده باشد؛ و پس از آنکه در زندگی مستقل شد، اگر جای دیگری را برای زندگی همیشگی اختیار کرد، آنجا وطن او می شود. بنابراین، به عنوان

مثال پدر و مادری که اهل اصفهان هستند ولی مدتی برای کار به شیراز رفته اند و بنا دارند باز به اصفهان برگردند و فرزند در شیراز به دنیا آمده

است، ولی چون اصفهان وطن پدر و مادر می باشد تا زمانی که فرزند با آنها زندگی می کند، اصفهان برای او نیز حکم وطن را دارد، و اگر به

اصفهان برود باید در آنجا نماز را تمام بخواند.

(مسئله ۳۵۰) تا انسان قصد ماندن همیشگی در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او حساب نمی شود، ولی نمازش تمام است.

(مسئله ۳۵۱) اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگری برود، آنجا وطن او حساب نمی شود، اما

نمازش در آنجا تمام و مسافر نمی باشد، مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در شهری می ماند.

(مسئله ۳۵۲) اگر به جایی برود که قبلاً وطن او بوده، ولی هم اکنون از آنجا، اعراض کرده است، یعنی بنا گذاشته که دیگر برای سکونت به آنجا

برنگردد، نباید نماز را تمام بخواند، اگرچه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.

(مسئله ۳۵۳) مسافری که به وطنش برمی گردد، وقتی به جایی برسد که دیوارهای وطن خود را ببیند و صدای اذان را بشنود، باید نماز را تمام

بخواند.

قصد ده روز

(مسئله ۳۵۴) مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی که مسافرت نکرده است، باید نمازش

را تمام بخواند، و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

(مسئله ۳۵۵) مسافری که از قصد ده روز برگردد:

الف. اگر قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد، باید نماز را شکسته بخواند؛

ب. اگر بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد، تا وقتی که در آنجا هست، باید نماز را تمام بخواند.

نماز قضا

«نماز قضا» نمازی است که بعد از وقت خوانده شود.

(مسئله ۳۵۶) انسان باید نمازهای واجب را در وقت معین آن بخواند، و چنانچه بدون عذر نمازی از او قضا شود، گناهکار است و باید توبه کرده

و قضای آن را هم به جا آورد.

(مسئله ۳۵۷) در دو مورد، به جا آوردن قضای نماز، واجب است:

۱. نماز واجب را در وقت آن، نخوانده باشد؛

۲. بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده است، باطل بوده.

(مسئله ۳۵۸) کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد.

(مسئله ۳۵۹) قضای نمازهای روزانه لازم نیست به ترتیب خوانده شود، مثلاً کسی که يك روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده،

لازم نیست اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند.

(مسئله ۳۶۰) کسی که می داند نماز قضا دارد، ولی شماره آنها را نمی داند، مثلاً نمی داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه کمتر را بخواند کافی

است.

(مسئله ۳۶۱) اگر شماره آنها را می دانسته ولی فراموش کرده است، اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می کند.

(مسئله ۳۶۲) نماز قضا را با جماعت می توان خواند، چه نماز امام جماعت، ادا باشد یا قضا؛ و لازم نیست هر دو، يك نماز را بخوانند، مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد.

(مسئله ۳۶۳) اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشا از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی به جا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواهد قضای آن را به جا آورد.

(مسئله ۳۶۴) در سفر نمی توان روزه گرفت، حتی روزه قضا، ولی نماز قضا را می توان به جا آورد.

(مسئله ۳۶۵) اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده است به جا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی قضا کند.

(مسئله ۳۶۶) نماز قضا را در هر وقتی می توان به جا آورد، یعنی قضای نماز صبح را می توان ظهر یا شب خواند.

نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است

(مسئله ۳۶۷) تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا کند.

(مسئله ۳۶۸) اگر پدر نماز و روزه خود را به جا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترك نکرده و می توانسته قضا کند، بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگش به جا آورد یا برای او اجیر بگیرد.

نماز جماعت

وحدت امت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام، به آن اهمیت بسیاری داده است، و برای حفظ و ادامه آن، برنامه های ویژه ای دارد؛ یکی از آنها «نماز جماعت» است.

گذشته از آنکه در روایات زیادی، برای نماز جماعت، اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقت در برخی از مسائل احکام، به اهمیت این عبادت پی می بریم، و در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

(مسئله ۳۶۹) شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است، به ویژه برای همسایه مسجد.

(مسئله ۳۷۰) مستحب است انسان صبر کند، تا نماز را به جماعت بخواند.

(مسئله ۳۷۱) نماز جماعت، هر چند اول وقت خوانده نشود، از نماز فردای^۱ اول وقت بهتر است.

(مسئله ۳۷۲) نماز جماعتی که مختصر خوانده می شود، از نماز فردایی که آن را طول بدهد بهتر است.

(مسئله ۳۷۳) سزاوار نیست انسان، بدون عذر، نماز جماعت را ترك کند.

(مسئله ۳۷۴) حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنائی، جایز نیست.

شرایط نماز جماعت

(مسئله ۳۷۵) هنگام برپایی نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:

۱. مأموم از امام جلوتر نایستد، و احتیاط مستحب آن است که، کمی عقب تر بایستد؛

۲. جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین، بالاتر نباشد؛

۳. فاصله امام و مأموم و فاصله صفها، زیاد نباشد؛ اگر فاصله بیش از يك قدم بزرگ باشد، نمازش فرادا می شود و صحیح است؛

۴. بین امام و مأموم و همچنین بین صفها، چیزی مانند دیوار یا پرده که پشت آن دیده نمی شود فاصله نباشد؛ ولی نصب پرده و مانند آن بین صف مردها و زنها، اشکال ندارد.

(مسئله ۳۷۶) امام جماعت باید عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند و بنا بر احتیاط مستحب

بالغ باشد و اقتدا به بچه غیر ممیز صحیح نیست.

(مسئله ۳۷۷) اگر مأموم، مرد است، بنا بر احتیاط مستحب امام او هم باید مرد باشد.

پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)

(مسئله ۳۷۸) در هر رکعت، تنها در بین قرائت و در رکوع می توان به «امام» اقتدا کرد، پس اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت

بعد اقتدا کند، و اگر تنها به رکوع امام جماعت هم برسد، يك رکعت به حساب می آید.

(مسئله ۳۷۹) حالتی مختلفی که برای پیوستن به نماز جماعت وجود دارد:

۱۴. نمازی که به تنهایی خوانده شود و به جماعت خوانده نشود «نماز فرادا» نام دارد.

رکعت اول

۱. در بین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی خواند، بقیه اعمال را با امام جماعت به جا می آورد.
۲. در رکوع: رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت به جا می آورد.

رکعت دوم

۱. در بین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را به جا می آورد، و آن گاه که امام جماعت تشهد می خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به صورت نیم خیز، بنشیند،^{۱۰} و اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند، و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم که امام جماعت در رکعت سوم هست، حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آن گاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام کرد، و برای رکعت چهارم برمی خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند، و برای خواندن رکعت سوم برخیزد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می برد، یک رکعت دیگر می خواند.
۲. در رکوع: رکوع را با امام جماعت به جا می آورد، و بقیه نماز را همان گونه که گفته شد، انجام می دهد.

رکعت سوم

۱. در بین قرائت: زمانی که می داند اگر اقتدا کند، برای خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها وقت دارد، می تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا فقط حمد را بخواند، و اگر می داند فرصت ندارد، بنا بر احتیاط واجب، باید صبر کند تا امام جماعت تکبیر رکوع را بگوید یا به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.
۲. در رکوع: چنانچه بعد از تکبیر رکوع یا در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام به جا می آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است، و بقیه نماز را همان گونه که قبلاً بیان شد، به جا می آورد.

رکعت چهارم

۱. در بین قرائت: حکم اقتدا در رکعت سوم را دارد، و آن گاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می نشیند، مأموم می تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد، و می تواند به طور نیم خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.
۲. بعد از تکبیر رکوع یا در رکوع: رکوع و سجده ها را با امام به جا می آورد، (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اول مأموم است) و بقیه نماز را همان گونه که گذشت انجام می دهد.

احکام نماز جماعت

- (مسئله ۳۸۰) اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیّه را می خواند، هر کدام از نمازهای یومیّه را می توان به او اقتدا کرد. بنابراین اگر امام، نماز عصر را می خواند، مأموم می تواند نماز ظهر را به او اقتدا کند، و اگر مأموم پس از آنکه نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود، می تواند نماز عصر را با نماز ظهر امام جماعت، اقتدا کند.
- (مسئله ۳۸۱) مأموم می تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام، اقتدا کند، هر چند قضای دیگر نمازهای یومیّه باشد، مثلاً امام جماعت نماز ظهر را می خواند و او قضای نماز صبح را.
- (مسئله ۳۸۲) نماز جماعت، حداقل با دو نفر برپا می شود، یک نفر امام و یک نفر هم مأموم، مگر در نماز جمعه و عید فطر و قربان.
- (مسئله ۳۸۳) نمازهای مستحبی را نمی توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران.^{۱۱}
- (مسئله ۳۸۴) مأموم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید؛ بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید.
- (مسئله ۳۸۵) مأموم، باید غیر از حمد و سوره، همه چیز نماز را خودش بخواند؛ ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند.

نماز جمعه

- یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است، و نمازگزاران در روز جمعه می توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند و ظهر، احوط است.

چگونگی نماز جمعه

۱۵. به این عمل «تجافی» گفته می شود.

۱۶. به این نماز «استسقاء» گفته می شود.

(مسئله ۳۸۶) نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می شود.

(مسئله ۳۸۷) مستحب است که امام جمعه حمد و سوره را بلند بخواند.

(مسئله ۳۸۸) در نماز جمعه مستحب است، در رکعت اول پس از سوره حمد، سوره «جمعه» و در رکعت دوم پس از سوره حمد سوره

«منافقون» خوانده شود.

(مسئله ۳۸۹) در نماز جمعه دو قنوت مستحب مؤکد است؛ یکی در رکعت اول، پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوم، پس از رکوع.

شرایط نماز جمعه

(مسئله ۳۹۰) در نماز جمعه شرایط زیر باید مراعات شود:

۱. همه شرایطی که در نماز جماعت معتبر است، در نماز جمعه نیز لازم است؛
۲. باید به جماعت برگزار شود و نمی توان آن را به طور فرادا به جا آورد؛
۳. حداقل تعداد افراد، برای برپایی نماز جمعه، پنج نفر می باشد، یعنی يك نفر امام، و چهار نفر مأوم؛
۴. بین دو نماز جمعه، حداقل باید يك فرسخ فاصله باشد.

وظیفه نمازگزاران جمعه

(مسئله ۳۹۱) واجب است، مأومین به خطبه ها گوش دهند.

(مسئله ۳۹۲) احتیاط مستحب است، از سخن گفتن بپرهیزند.

(مسئله ۳۹۳) احتیاط مستحب است، شنوندگان، هنگام ایراد خطبه ها، رو به امام جمعه بنشینند و به این طرف و آن طرف نگاه نکنند.

(مسئله ۳۹۴) اگر انسان به رکعت اول نماز جمعه نرسد، در صورتی که خود را به رکعت دوم، هر چند در رکوع برساند، صحیح است و رکعت

دوم را خودش می خواند.

نماز آیات

(مسئله ۳۹۵) نماز آیات - که دستور آن بعداً گفته خواهد شد - به واسطه چهار چیز واجب می شود:

۱. گرفتن خورشید؛
۲. گرفتن ماه، اگرچه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد؛
۳. زلزله، اگرچه کسی هم نترسد؛
۴. رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها، در صورتی که بیشتر مردم بترسند و نیز بنا بر احتیاط واجب، باید برای حوادث وحشتناک زمینی مانند شکافتن و فرو رفتن زمین در صورتی که بیشتر مردم بترسند نماز آیات بخوانند.

چگونگی نماز آیات

(مسئله ۳۹۶) نماز آیات، دو رکعت است و در هر رکعت، پنج رکوع دارد و دستور آن چنین است که انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و يك حمد و يك سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره يك حمد و يك سوره بخواند، باز به رکوع رود، تا پنج مرتبه، و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم، دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد. همچنین شخص می تواند بعد از تکبیرة الاحرام، يك حمد بخواند و بعد يك سوره را پنج قسمت نماید و قبل از هر رکوع، يك قسمت از آن را بخواند؛ مثلاً بعد از حمد، نیت سوره توحید را بکند و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را که يك آیه از سوره است، بخواند و به رکوع برود، سر بر دارد و بگوید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و به رکوع برود و سپس سر بردارد و بگوید: «اللَّهُ الصَّمَدُ» و سپس رکوع را تکرار نماید و بعد از سر برداشتن بگوید: «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ» و به رکوع برود و بعد از سر برداشتن بگوید: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» و به رکوع برود و سجده را به جا آورد و بعد، رکعت دوم را مثل رکعت اول به جا آورد.

احکام نماز آیات

(مسئله ۳۹۷) چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است، در هر شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست، ولی اگر مکان آنها به قدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود، نماز آیات بر آنان هم واجب است.

(مسئله ۳۹۸) اگر در يك رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند، و در رکعت دیگر يك حمد بخواند و سوره را تقسیم کند، نماز صحیح است.

(مسئله ۳۹۹) مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند، و اگر تنها يك قنوت پیش از رکوع دهم بخواند، کافی است.

(مسئله ۴۰۰) هر يك از ركوعهای نماز آیات، ركن است که اگر عمداً یا اشتهاً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

(مسئله ۴۰۱) نماز آیات را می توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره ها را تنها امام جماعت می خواند.

نمازهای مستحب

(مسئله ۴۰۲) نمازهای مستحب^{۱۷} بسیار است و این نوشته مجال آوردن همه آنها را ندارد، اما برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد

می آوریم:

نماز عید

(مسئله ۴۰۳) در دو عید «فطر» و «قربان» خواندن نماز مخصوص عید در زمان حضور امام (علیه السلام) واجب است و باید به جماعت خوانده

شود و در زمان ما که امام (علیه السلام) غایب است، مستحب است و می توان آن را به جماعت خواند؛ بلکه به جماعت خواندن، احوط است.

وقت نماز عید

(مسئله ۴۰۴) وقت نماز عید، از طلوع آفتاب تا هنگام ظهر است.

(مسئله ۴۰۵) مستحب است، در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب، افطار کنند و «زکات فطره»^{۱۸} را هم بدهند، سپس نماز عید را بخوانند.

چگونگی نماز عید

(مسئله ۴۰۶) نماز عید دو رکعت است، با ثنّه قنوت و این گونه خوانده می شود:

۱. در رکعت اول نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود، و بعد از هر تکبیر يك قنوت، و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس

رکوع و دو سجده؛

۲. در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود، و بعد از هر تکبیر يك قنوت و بعد از قنوت چهارم، تکبیر دیگری و سپس رکوع

و دو سجده و تشهد و سلام؛

۳. در قنوتهای نماز عید، هر دعا و ذکر بخوانند، کافی است، ولی بهتر است، این دعا را به قصد امید ثواب بخوانند:

«اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشَرَفاً وَكِرَامَةً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ».

نافله های شبانه روزی

نافله های شبانه روزی در غیر روز جمعه، سی و چهار رکعت است که از جمله آنها، یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح و دو رکعت

نافله عشا می باشد، که ثواب بسیار دارد.^{۱۹}

نماز شب

(مسئله ۴۰۷) نماز شب یازده رکعت است که بدین کیفیت خوانده می شود:

دو رکعت به نیت نافله شب؛ دو رکعت به نیت نافله شب؛ دو رکعت به نیت نافله شب؛ دو رکعت به نیت نافله شب؛ دو رکعت به نیت نافله شب؛ يك

رکعت به نیت نافله و ثر.

وقت نماز شب

(مسئله ۴۰۸) وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح، و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

(مسئله ۴۰۹) مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می تواند آن را در اول شب به جا آورد.

نماز غفيله

(مسئله ۴۱۰) یکی دیگر از نمازهای مستحبی، نماز «غفيله» است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود، و وقت آن بعد از نماز مغرب

است تا وقتی که سرخی طرف مغرب از بین برود.

۱۷. نماز مستحب را «نافله» گویند.

۱۸. «زکات فطره» یکی از واجبهای مالی است که روز عید فطر باید پرداخت شود (به مسئله ۴۴۵ به بعد مراجعه کنید).

۱۹. برای آشنایی بیشتر با نافله های شبانه روزی به «رساله توضیح المسائل»، مسئله ۷۴۹ مراجعه کنید.

کیفیت نماز غفیله

(مسئله ۴۱۱) نماز غفیله دو رکعت است، که در رکعت اول، پس از حمد، باید این آیه خوانده شود:

«وَدَا النُّونَ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ النَّعْمِ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ».

و در رکعت دوم، پس از حمد، این آیه خوانده می شود:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْفُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ».

و در قنوت آن، این دعا خوانده می شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ [وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي] اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي».

روزه

یکی دیگر از کارهای واجب و برنامه های سالانه اسلام برای خودسازی انسانها «روزه» است، و روزه آن است که انسان از «اذان صبح» تا «مغرب» برای اطاعت فرمان خداوند، از برخی کارها که شرح آنها خواهد آمد، بپرهیزد.

نیّت روزه

(مسئله ۴۱۲) روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند به جا آورده شود و این همان «نیّت» روزه است.

(مسئله ۴۱۳) انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیّت کند، و بهتر است که شب اول ماه هم، نیّت روزه همه ماه را بنماید.

(مسئله ۴۱۴) لازم نیست انسان، نیّت روزه را از قلب خود بگذراند یا مثلاً بگوید «فردا را روزه می گیرم»؛ بلکه همین قدر که بنا دارد برای انجام فرمان خداوند عالم، از اذان صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می کند، انجام ندهد، کافی است.

مُبطلات روزه

(مسئله ۴۱۵) روزه دار باید از اذان صبح تا مغرب از برخی کارها بپرهیزد، و اگر یکی از آنها را انجام دهد، روزه اش باطل می شود، به مجموعه این کارها «مُبطلات روزه» گفته می شود، که از جمله آنهاست:

۱. خوردن و آشامیدن؛ ۲. رساندن غبار غلیظ به حلق؛ ۳. فروبردن تمام سر در آب؛ ۴. قی کردن.^{۲۱}

احکام مُبطلات روزه

۱. خوردن و آشامیدن

(مسئله ۴۱۶) اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل می شود.

(مسئله ۴۱۷) اگر کسی عمداً چیزی را که لای دنداننش مانده است فرو برد، روزه اش باطل می شود.

(مسئله ۴۱۸) فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی کند، هر چند زیاد باشد.

(مسئله ۴۱۹) اگر روزه دار به سبب فراموشی (نمی داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.

(مسئله ۴۲۰) انسان نمی تواند، بخاطر ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی توان آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.

تزریق آمپول

(مسئله ۴۲۱) احتیاط مستحب آن است که روزه دار، از استعمال آمپول تقویتی خودداری کند؛ ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند یا به جای دارو استعمال می شود؛ اشکال ندارد، لیکن بنا بر احتیاط واجب، باید از سرمی که به جای غذا استفاده می شود اجتناب نماید.

۲. رساندن غبار غلیظ به حلق

۲۰. به جای جمله «ان تَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي» می تواند حاجت دیگری از خدا بخواهد.

۲۱. بجز آنچه گفته شد، کارهای دیگری نیز روزه را باطل می کند که برای آشنایی با آنها می توانید به «رساله توضیح المسائل»، مسئله ۱۵۵۶ به بعد مراجعه کنید.

(مسئله ۴۲۲) رساندن غبار غلیظ به حلق، روزه را باطل می کند، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است، مثل آرد، و چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است.

۳. فرو بردن تمام سر در آب

(مسئله ۴۲۳) اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون باشد، روزه اش باطل می شود.
(مسئله ۴۲۴) اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی شود، ولی همین که فهمید، باید فوراً سر را از آب بیرون آورد.

۴. قی کردن

(مسئله ۴۲۵) هرگاه روزه دار عمداً قی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه اش باطل می شود.
(مسئله ۴۲۶) اگر روزه دار نداند روزه است یا بی اختیار قی کند، روزه اش باطل نمی شود.
(س ۴۲۷) اگر خلطی در گلوئی کسی باشد و آن را فرو دهد، آیا روزه او باطل می شود؟
ج - تا زمانی که در فضای دهان داخل نشده باشد، فرو بردن آن مُبطل روزه نیست. ۷۵/۱۱/۱۲
(س ۴۲۸) آیا می توان به علت ضعفی که در اثر روزه گرفتن به انسان دست می دهد، روزه نگرفت؟
ج - روزه گرفتن، موجب ضعف است، و اگر ضعف انسان که ناشی از روزه است، قابل تحمل و متعارف باشد، باعث خوردن روزه نمی شود. ۶۸/۱۱/۷

(س ۴۲۹) شخصی که جنب شده، اگر به خاطر دور بودن حمام یا باز نبودن آن، قبل از اذان، تیمم و بعداً غسل کند، آیا روزه اش صحیح است یا خیر؟

ج - چنانچه در ضیق وقت تیمم کند و با تیمم وارد صبح شود، روزه اش صحیح است. ۷۵/۱۰/۴
(س ۴۳۰) اگر شخص روزه دار در ماه مبارک رمضان، بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند که محتلم شده، آیا روزه اش صحیح است؟
ج - اگر کسی بعد از سپیده صبح، از خواب بیدار شود و بفهمد که محتلم شده، روزه اش صحیح است، و برای نماز صبح باید تحصیل طهارت کند. ۷۴/۱۱/۲۹

قضا و کفاره روزه

روزه قضا

(مسئله ۴۳۱) اگر کسی روزه ماه رمضان را در وقت آن نگیرد، یا آن را باطل کند، باید بعد از ماه رمضان قضای آن را به جا آورد.

کفاره روزه

(مسئله ۴۳۲) کسی که بدون عذر، روزه خود را با یکی از مُبطلات روزه باطل کند، باید قضای آن را به جا آورده و یکی از این کارها را نیز انجام دهد، و این همان کفاره روزه است:

۱. آزاد کردن يك برده؛
 ۲. دو ماه روزه گرفتن که سی و يك روز آن باید پی در پی باشد؛
 ۳. سیر کردن شصت فقیر، یا دادن يك مَدّ طعام^{۲۲} به هر يك از آنها.
- کسی که کفاره روزه ماه رمضان بر او واجب است، باید یکی از این سه کار را انجام دهد، و چون امروزه برده به معنای فقهی آن یافت نمی شود، مورد دوم یا سوم را انجام می دهد، و اگر هیچ يك از اینها برایش مقدور نیست، چند مَدّ طعام به فقیر بدهد و اگر نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند؛ مثلاً بگوید «استغفرالله».

احکام قضا و کفاره روزه

(مسئله ۴۳۳) لازم نیست قضای روزه را فوراً به جا آورد، ولی باید تا رمضان سال بعد، انجام دهد.
(مسئله ۴۳۴) انسان نباید در به جا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست، فوراً آن را انجام دهد و اگر چند سال بر آن بگذرد چیزی به آن اضافه نمی شود.

۲۲. مَدّ طعام تقریباً ده سیر (۷۵۰ گرم) گندم یا جو و مانند اینهاست.

(مسئله ۴۳۵) اگر به سبب عذری، مانند سفر، روزه نگرفته و پس از ماه رمضان عذر او بر طرف شود و تا رمضان سال بعد، عمداً قضای آن را به جا نیاورد؛ باید علاوه بر قضا، برای هر روز، يك مُد طعام به فقیر بدهد.

(مسئله ۴۳۶) اگر به سبب بیماری، نتواند روزه بگیرد و آن بیماری تا رمضان سال بعد طول بکشد، قضای آن ساقط می شود، ولی باید برای هر روز يك مُد طعام به فقیر بدهد.

(س ۴۳۷) کسی که در سال اول بلوغ، به سبب ندانستن یا عدم قدرت، روزه نگرفته است، حال وظیفه او چیست؟ آیا قضای آن کافی است، یا کفاره هم لازم است؟ در صورت داشتن علم حکم آن چیست؟

ج - در صورت داشتن علم و قدرت، باید کفاره بدهد؛ اما در صورت ندانستن یا عدم قدرت، قضا واجب است. آری، کفاره تأخیر قضا برای هر روز، يك مُد طعام و واجب می باشد. ۷۵/۵/۳

روزه مسافر

(مسئله ۴۳۸) مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد، و مسافری که نمازش را تمام می خواند، مثل کسی که زیاد مسافرت می کند و کثیرالسفر است که مسافرت برای او امری سهل و عادی است یا سفر او سفر معصیت است، باید در سفر روزه بگیرد.

(مسئله ۴۳۹) اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزه خود را تمام کند و صحیح است.

(مسئله ۴۴۰) اگر روزه دار پیش از ظهر بخواد به بیشتر از مسافت شرعی مسافرت کند، وقتی به «حدّ ترخص» برسد؛ یعنی به جایی برسد که صدای اذان شهر را نشنود و دیوارهای آنجا را نبیند، باید از نیت روزه برگردد و اگر پیش از آن روزه را باطل کند، علاوه بر قضا، بنا بر احتیاط واجب، کفاره هم دارد.

(مسئله ۴۴۱) مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است.

(مسئله ۴۴۲) اگر مسافر، پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد، باید آن روز را روزه بگیرد، و اگر انجام داده، روزه آن روز واجب نیست و بعداً باید قضای آن را به جا آورد.

(مسئله ۴۴۳) اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند برسد، نباید آن روز را روزه بگیرد.

(س ۴۴۴) روزه روز عاشورا و روز عید قربان چه حکمی دارد؟

ج - روزه روز عید قربان حرام، ولی روزه گرفتن در روز عاشورا، مکروه است. ۷۵/۱۲/۲۴

زکات فطره

(مسئله ۴۴۵) پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان، یعنی در روز عید فطر، باید مقداری از مال خود را، به عنوان «زکات فطره» به فقیر بدهد.

مقدار زکات فطره

(مسئله ۴۴۶) برای خودش و کسانی که نانخور او هستند، مانند همسر و فرزند، هر نفر يك صاع (که تقریباً سه کیلوگرم است) گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها به مستحق بدهد، و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد، کافی است.

(س ۴۴۷) زکات فطره میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحبخانه وارد خانه او می شود، برعهده کیست؟

ج - برعهده خود میهمان است، مگر آنکه بخواد چندین روز بماند، به طوری که نانخور صاحبخانه محسوب شود. ۷۳/۲/۱۵

(س ۴۴۸) آیا می توان زکات و فطریه را به سادات فقیر داد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن، به چه صورت باید پرداخت شود؟

ج - سید می تواند فطریه و زکات خود را به سادات فقیر بدهد، ولی غیر سید نمی تواند زکات و فطریه خود را به سید بدهد. ۷۱/۲/۶

۷۱

(س ۴۴۹) آیا می توان فطریه را خرج بازسازی مساجد یا صرف کارهای خیر دیگر، مانند جشنهای مذهبی، مراسم دهه محرم و... کرد؟

ج - جایز است، هر چند پرداخت آن به مستحق بهتر است. ۷۴/۳/۱۱

خمس

یکی از وظایف اقتصادی مسلمانان، پرداختن «خمس» است، که در برخی از چیزها، باید يك پنجم آنها را برای مصارف مشخصی به مجتهد جامع الشرائط بپردازند.

(مسئله ۴۵۰) در هفت چیز خمس واجب می شود:

۱. در آمدی که از کسب به دست می آید؛ ۲. معدن؛ ۳. گنج؛ ۴. غنیمت جنگ؛ ۵. جواهری که با فرو رفتن در دریا به دست آید؛ ۶. مال حلال مخلوط به حرام؛ ۷. زمینی که کافر ذمی^{۲۳} از مسلمانی بخرد.

(مسئله ۴۵۱) پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات است، و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفتگانه را داشته باشند، باید به آن عمل کنند.

یکی از آن موارد که اکثر افراد جامعه را در بر می گیرد «خمس درآمد بدست آمده از کسب است که از خرج سال انسان و خانواده اش زیاد بیاید».

[اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را بر پرداخت خمس مقدم داشته است، بنابراین، هر کس در طول سال می تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس واجب نیست؛ ولی پس از آنکه به طور متعارف و در حد نیاز خود زندگی را گذراند - نه در مصرف، زیاده روی کرد و نه بر خود تنگ گرفت - اگر در پایان هم چیزی اضافه آمد، يك پنجم آنچه را که اضافه آمده است باید برای مصارف مشخصی بپردازد، و چهار پنجم آن را برای خود پس انداز کند].

احکام خمس

(مسئله ۴۵۲) تا خمس مال را نپردازد نمی تواند در آن تصرف کند، اگر چه قصد دادن خمس را داشته باشد، یعنی اگر می خواهد غذا یا پوشاک برای خود تهیه کند، با پولی که خمس آن را نپرداخته، نمی تواند بخرد.

(مسئله ۴۵۳) آذوقه ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده، مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بپردازد.

(مسئله ۴۵۴) اگر کودک غیر بالغ سرمایه ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، و تا زمان بلوغ باقی بماند، بنا بر احتیاط واجب باید پس از بلوغ، خمس آن را بپردازد.

(مسئله ۴۵۵) اگر به واسطه قناعت کردن و سخت گرفتن، چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، ادای خمس آن واجب نیست و از مئونه محسوب می گردد.

(مسئله ۴۵۶) کسی که دیگری مخارج او را می دهد، باید خمس تمام مالی را که به دست می آورد بپردازد؛ ولی اگر مقداری از آن را خرج زیارت و مانند آن، حتی هزینه های مشروع که متعارف است، کرده باشد، فقط باید خمس باقی مانده را بپردازد.

مصرف خمس

(مسئله ۴۵۷) خمس را باید دو قسمت کنند، نصف آن که سهم امام (علیه السلام) است که در این زمان، باید به مجتهد جامع الشرائط یا وکیل یا نماینده او پرداخت شود، و نصف دیگر آن که معروف به سهم سادات است نیز باید آن را به مجتهد جامع الشرائط تسلیم کنند؛ و یا با اجازه او به سید فقیر، یا سید یتیم و یا سیدی که در سفر در مانده شده بدهند.

(س ۴۵۸) آیا به موارد ذیل، پس از گذشت يك سال و بدون استفاده ماندن آنها، خمس تعلق می گیرد؟

۱. وسایلی که انسان در آینده می تواند از آنها استفاده کند (مانند نوار کاست، کتاب و جزوات)؛

۲. وسایلی که پسر جهت ازدواج در آینده به عنوان وسایل زندگی تهیه می کند؛

۳. وسایلی که انسان قبلاً از آنها استفاده می کرده، و فعلاً مستعمل است (مانند کفش زمستانی، لباسهای مختلف و لباسهای کهنه ای که قصد استفاده از آنها را ندارد).

ج - موارد مذکور متعلق خمس نیست. ۷۵/۹/۱۳

(س ۴۵۹) دختری هستم که از حقوق خود مقداری لوازم به عنوان جهیزیه تهیه کرده ام، آیا این لوازم خمس دارد یا نه، وسایلی که برای زندگی در روستای محل خدمت خریده ام، چطور؟

ج - جهیزیه چون مئونه است، حتی اگر دیگری هم آن را تهیه کند، خمس ندارد چه رسد که خود دختر آن را تهیه

کند؛ و آنچه که برای زندگی در روستا تهیه کرده اید نیز، خمس ندارد. ۷۴/۷/۶

(س ۴۶۰) مبلغ دو میلیون ریال به صورت سهم الارث به بنده رسیده است، آیا این پول متعلق خمس است یا خیر؟

۲۳. اقلیت‌های مسیحی، یهودی و زردشتی که با حاکم اسلامی پیمان بسته اند تا مالیات معینی را بپردازند، و شرایط خاصی را که در کتابهای مفصل فقهی آمده، پذیرفته اند و در عوض، جان و مال آنها در امان است، کافر ذمی هستند.

ج - ارث، خمس ندارد، مگر آنکه اطمینان حاصل شود که مال به ارث رسیده، متعلق خمس بوده، ولی میت خمس آن را نپرداخته است.
۷۳/۱۱/۸

(س ۴۶۱) آیا به پولی که به عنوان جایزه به بچه داده می شود، خمس تعلق می گیرد؟

ج - جوایزی که جنبه کسبی دارد (مانند جوایز بانک) خمس دارد، وگرنه خمس ندارد. ۷۴/۴/۱۲

(س ۴۶۲) آیا مالیاتی که مردم به دولت اسلامی پرداخت می کنند، می توانند آن را بابت خمس حساب کنند؟

ج - مالیات جزء منونه است، لذا به عنوان خمس و به جای آن، محسوب نمی شود. ۷۴/۴/۱۵

(س ۴۶۳) آیا مقلدین يك مرجع تقلید می توانند وجوهات خود را به مرجع دیگری پرداخت کنند یا خیر؟

ج - در صورتی که مورد مصرف کمأ و کیفأ یکسان باشد، و در شرایط و مسائل خمس هم فتاوایشان همانند باشد، جایز است. ۱۰/۲۳/۷۵

زکات

یکی دیگر از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان، پرداخت «زکات» است.

از اهمیت زکات همین بس که در قرآن مجید، پس از نماز آمده، و نشانه ایمان و عامل رستگاری شمرده شده است. در روایات متعددی که از معصومین (علیهم السلام) نقل شده، آمده است:

«کسی که از پرداخت زکات جلوگیری کند، از دین خارج است».

زکات هم مانند خمس موارد معینی دارد، يك قسم از آن مالیات «بدن و حیات» است، که هر سال يك مرتبه در روز عید فطر پرداخت می شود، و تنها بر کسانی که قدرت پرداخت آن را (از نظر مالی) دارند واجب است.^{۲۴}

قسم دیگر، «زکات اموال» است، ولی چنین نیست که تمام اموال مردم مشمول این قانون باشد، بلکه تنها نه چیز است که زکات دارد.

(مسئله ۴۶۴) زکات نه چیز واجب است:

۱. گندم؛ ۲. جو؛ ۳. خرما؛ ۴. کشمش؛ ۵. شتر؛ ۶. گاو؛ ۷. گوسفند؛ ۸. طلا؛ ۹. نقره.

(مسئله ۴۶۵) زکات در صورتی واجب می شود که مال به مقدار نصاب برسد که نصاب هر يك و مقدار زکات آنها در صفحه بعد آمده است:

نوع مالنصاب مقدار زکات

۱ گندم (۱) در صورتی که با باران و آب

۲ جو ۸۴۷/۲۰۷ رودخانه آبیاری شده، يك دهم است.

۳ خرما کیلوگرم (۲) در صورتی که با آب دستی یا دلو یا موتور

۴ کشمش پمپ آبیاری شده، يك بیستم است.

(۳) در صورتی که با هر دو روش

آبیاری شده ۴۰۳ است.

اولین نصاب ۵ شتر يك گوسفند

۵ شتر تا ۲۵ شتر هر ۵ شتر، يك گوسفند

۲۶ شتر يك شتر

۶ گاو ۳۰ گاو يك گوساله یکساله

۷ گوسفند ۴۰ گوسفند يك گوسفند

۸ طلا ۱۵ مثقال معمولی ۴۰ ۱

۹ نقره ۱۰۵ مثقال معمولی ۴۰ ۱

۲۴. مسائل این نوع از زکات در پایان بحث روزه گذشت.

□ یادآوری: شتر، گاو و گوسفند، نصابهای دیگری نیز دارد که برای آشنایی با آنها می‌توانید به «رساله توضیح المسائل»، مسئله ۱۸۹۷ به بعد مراجعه کنید.

احکام زکات

(مسئله ۴۶۶) اگر حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد، زکات آن واجب است. پس اگر در تمام سال یا مدتی از آن، از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد، زکات ندارد.

(مسئله ۴۶۷) زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه ای باشد که معامله با آن رواج دارد، بنابراین، آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور استفاده می‌کنند، زکات ندارد و همچنین سکه بهار آزادی و مانند آن چون نقد رایج نبوده و نیست، زکات ندارد.

(مسئله ۴۶۸) پرداخت زکات از عبادات است و باید آنچه می‌پردازد به نیت زکات و با قصد قربت باشد.

مصرف زکات

(مسئله ۴۶۹) مصرف زکات هشت مورد است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد و برخی از آن موارد بدین قرار

است:

۱. فقیر و مسکین;
۲. بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بپردازد;
۳. غیر مسلمانانی که اگر به آنها زکات داده شود، به دین اسلام مایل می‌شوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند;
۴. در راه خدا، یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد؛ مانند ساختن جاده، پل و مسجد.^{۲۵}

احکام صدقه دادن

هر عطیه و بخشش بلاعوضی که قربه‌الی الله داده شود، «صدقه» است، وحدّ و نصاب خاصی هم ندارد. صدقه، انسان را از انواع بلاها همچون امراض، آتش سوزیها، تصادفات، غرق شدن، هدم، جنون و مرگهای ناگوار، حفظ کرده و آنها را دفع می‌کند. در این رابطه رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) تا هفتاد نوع بلا را برشمرده و بیان فرموده است: و همه اینها غیر از اجر فراوان اخروی و معنوی است که بر صدقه مترتب می‌گردد.

خداوند، صدقه را برخلاف همه چیزهایی که دیگران را موظف و وکیل در گرفتن آنها نموده است، خود با دست خویش اخذ می‌کند. «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».^{۲۶} و شرط صحت صدقه آن است که به قصد قربت باشد.

برخی از آداب صدقه دادن

۱. صدقه از پاک‌ترین، حلال‌ترین و محبوب‌ترین مالها باشد;
۲. مخفی باشد;
۳. صدقه گیرنده در حق صدقه دهنده دعا کند;
۴. بیمار صدقه را با دست خودش بدهد.

بعضی از مواردی که صدقه دادن خصوصیت دارد

۱. اول روز و اول شب;
 ۲. هنگام رفتن به سفر;
 ۳. در اوقات شریف مثل روز جمعه، روز عرفه، ماه رمضان;
 ۴. صدقه دادن در حال بیماری.
- (س ۴۷۰) افضل صدقات چیست؟

۱. صدقه دادن کسی که وضع مالی اش خوب است;

۲. ضیافت و میهمانی دادن;

۲۵. برای آشنایی بیشتر با سایر مصارف زکات می‌توانید به «رساله توضیح المسائل»، مسئله ۱۹۱۴ مراجعه کنید.

۲۶. سوره توبه(۹)، آیه ۱۰۴.

۳. صدقه به خویشاوندان;
 ۴. صدقه دادن به دانشمندان، علما و متعلمان;
 ۵. صدقه دادن به نرینه رسول خدا (صلی الله علیه وآله);
 ۶. آب دادن;
 ۷. صدقه دادن برای اموات;
 ۸. هدیه بردن برای برادران دینی.
- (س ۴۷۱) آیا صدقه حرام در اسلام وجود دارد؟
- ج- آری، برخی از موارد آن به قرار ذیل است:
۱. صدقه دادن با مال حرام و با مال مردم;
 ۲. صدقه ای که سبب شود که به بدنش خسارت و ضرر مهمی وارد شود;
 ۳. صدقه ای که همراه با منت و نلیل کردن گیرنده صدقه، و از بین بردن شخصیت و تزییع آبروی او باشد.

احکام خرید و فروش

- (مسئله ۴۷۲) یادگرفتن احکام معامله، به مقداری که مورد احتیاج می باشد، واجب است.
- (مسئله ۴۷۳) فروختن و اجاره دادن خانه یا وسیله ای دیگر، برای استفاده حرام، حرام است.
- (مسئله ۴۷۴) خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتابهای گمراه کننده، حرام است، مگر برای کسانی که اهل تحقیق هستند و برای پاسخ گویی مطالعه می کنند.
- (مسئله ۴۷۵) فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، حرام است، مثلاً شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد (این عمل را غش در معامله می گویند).
- (مسئله ۴۷۶) در معامله باید خصوصیات جنسی که خرید و فروش می کنند معلوم باشد، ولی گفتن خصوصیات که گفتن و نگفتن آنها تأثیری در میل و رغبت مردم نسبت به آن کالا ندارد، لازم نیست.
- (مسئله ۴۷۷) خرید و فروش مسکرات و فروش آلات لهو که منفعت مقصوده از آنها حرام است، باطل و حرام می باشد.
- (مسئله ۴۷۸) مستحب است فروشنده در قیمت، بین مشتریها فرق نگذارد و در قیمت جنس سخت گیری نکند و درخواست به هم زدن معامله را بپذیرد.
- (مسئله ۴۷۹) قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه، و اگر دروغ باشد، حرام است.

به هم زدن معامله

- (مسئله ۴۸۰) در برخی موارد فروشنده یا خریدار می توانند معامله را به هم بزنند که به آن «خیار» گفته می شود و از جمله آنهاست:
۱. خریدار یا فروشنده گول خورده باشند «خیار غبن»;
 ۲. در معامله، قرارداد کنند که تا مدت معینی، هر دو یا یکی از آنان بتوانند معامله را به هم بزنند، مثلاً هنگام خرید و فروش بگویند، هر کس پشیمان شد تا سه روز دیگر می تواند پس بدهد «خیار شرط»;
 ۳. خریدار و فروشنده از محل معامله متفرق نشده باشند، مثلاً از صاحب مغازه کالایی را خریداری کرده، قبل از آنکه آن محل را ترک کند می تواند آن را پس دهد «خیار مجلس»;
 ۴. کالایی که خریده است معیوب بوده و بعد از معامله بفهمد «خیار عیب»;
 ۵. فروشنده برای کالای خود که خریدار آن را ندیده، خصوصیات را بیان کرده و بعداً معلوم شود آن گونه نبوده است، مثلاً بگوید این دفتر ۲۰۰ برگ است بعداً معلوم شود کمتر است^{۲۷} «خیار رؤیت».
- (مسئله ۴۸۱) اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً آن را به هم نزنند، دیگر حق به هم زدن معامله را ندارد.
- (س ۴۸۲) اعتبار قولنامه شرعاً چگونه است و آیا کفایت از انجام معامله می نماید؟

۲۷. در موارد دیگری نیز می توان معامله را به هم زد که برای آشنایی بیشتر می توانید به «رساله توضیح المسائل» مسئله ۲۱۴۰ مراجعه کنید.

ج - اگر در قولنامه معامله انجام شود، و ثمن و مئمن معلوم و سایر شرایط معامله را نیز دارا باشد، و غرر و جهالت در بین نباشد، چون بیع و شراء انجام گرفته، عمل به قولنامه لازم است. ۷۳/۲/۲۳

(س ۴۸۳) در بین بعضی کسبه خصوصاً شیرینی فروشها معمول است که شیرینی را با جعبه آن وزن می کنند و آن را به قیمت شیرینی به مشتری می فروشند، آیا این کار جایز است؟ و پول بیشتری که از این راه می گیرند حلال است؟
ج - در صورتی که مشتری می داند و بدان کار راضی است، مانعی ندارد. ۷۵/۱۰/۱۳

احکام اجاره

اگر کسی منفعت مال یا عمل خود را به دیگری در مقابل پول یا چیز معین دیگری واگذار کند، به این عمل «اجاره» گفته می شود.
(مسئله ۴۸۴) اجاره دهنده و کسی که چیزی را اجاره می کند، باید مکلف و عاقل باشند و به اختیار خودشان اجاره را انجام دهند، و همچنین باید حق تصرف در مال خود را داشته باشند.
(مسئله ۴۸۵) اجاره دهنده و مستأجر لازم نیست صیغه عربی بخوانند، بلکه اگر مالک به کسی بگوید ملک خود را به تو اجاره دادم و او بگوید قبول کردم، اجاره صحیح است.
(مسئله ۴۸۶) اگر خانه یا مغازه یا اتاقی را اجاره کند و صاحب ملک با او شرط کند که فقط خود او از آنها استفاده نماید، مستأجر نمی تواند آن را به دیگری اجاره دهد، و اگر شرط نکند می تواند آن را به دیگری اجاره دهد.

شرایط مالی که آن را اجاره می دهند

- (مسئله ۴۸۷) برای مالی که اجاره می دهند و نیز برای استفاده کردن از آن مال، شرایطی وجود دارد که از آن جمله است:
۱. آن مال معین باشد؛
 ۲. تحویل دادن آن ممکن باشد؛
 ۳. آن مال به واسطه استفاده کردن از بین نرود مثل نان و میوه؛
 ۴. استفاده از آن حلال باشد؛
 ۵. پول دادن برای آن استفاده در نظر مردم بیهوده نباشد؛
 ۶. مدت استفاده را معین نماید.
- (مسئله ۴۸۸) اجاره دادن درخت برای آنکه از میوه اش استفاده کنند، اشکال ندارد.

قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در قرآن و روایات، راجع به آن سفارش فراوان شده است. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد، مال او زیاد می شود و ملائکه بر او رحمت می فرستند، و اگر با بدهکار خود مدارا کند، بدون حساب و به سرعت از صراط می گذرد و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد، بهشت بر او حرام می شود.

اقسام قرض

۱. مدت دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که، قرض گیرنده چه موقع، بدهی را بپردازد.
۲. بدون مدت: قرضی که زمان پرداخت، در آن مشخص نشده است.

احکام قرض

(مسئله ۴۸۹) اگر قرض مدت دار باشد، طلبکار نمی تواند پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را درخواست کند.
(مسئله ۴۹۰) اگر قرض مدت دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد، می تواند طلب خود را درخواست کند.
(مسئله ۴۹۱) اگر طلبکار، طلب خود را درخواست کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است.
(مسئله ۴۹۲) در قرضهای استهلاکی اگر قرض دهنده شرط کند که پس از مدتی، مثلاً یکسال دیگر، زیادتر بگیرد، و یا کاری برای او انجام دهد، ربا و حرام است، مثلاً یکصد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یکسال، یکصد و بیست هزار تومان بگیرد.

(مسئله ۴۹۳) اگر قرض دهنده شرط نکرده باشد که زیادتز بگیرد، ولی خود بدهکار زیادتز از آنچه قرض کرده پس بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.

(س ۴۹۴) از بانکها چند درصد سودی که گرفته می شود، آیا را حساب می شود یا خیر؟

ج - اگر طبق آیین نامه های بانکی در جمهوری اسلامی عمل کنند، ربا نیست. ۷۵/۱۰/۴

(س ۴۹۵) آیا جواز ربا میان پدر با پسر، یا پدر با دختر فرق دارد؟

ج - ربای استهلاکی حرام است و فرقی بین پدر و فرزند و اقوام و غیر آنها نمی باشد.

امانتداری

اگر انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام «امانتداری» عمل کند.

احکام امانتداری

(مسئله ۴۹۶) کسی که نمی تواند از امانت نگهداری کند، نباید چیزی را به امانت قبول کند.

(مسئله ۴۹۷) کسی که چیزی را امانت می گذارد، هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بگیرد، و کسی که امانت را قبول می کند، هر وقت

بخواهد می تواند آن را به صاحبش برگرداند.

(مسئله ۴۹۸) کسی که امانت را قبول می کند، اگر برای آن، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند، مثلاً اگر امانت، پول است و در

خانه نمی تواند نگهداری کند، به بانک بسپارد.

(مسئله ۴۹۹) امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند، که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است.

(مسئله ۵۰۰) اگر امانت مردم از بین برود:

۱. در صورتی که امانتدار در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، باید عوض آن را به صاحبش بدهد؛

۲. در صورتی که در نگهداری آن کوتاهی نکرده و به طور اتفاقی آن مال از بین رفته، مثلاً سیل برده، امانتدار ضامن نمی باشد و لازم نیست

عوض آن را بدهد.

(مسئله ۵۰۱) امانتدار نمی تواند از امانت استفاده کند، مگر با اجازه صاحب آن.

(س ۵۰۲) آیا امین می تواند شرط نماید که هرگاه مال مورد امانت با تعدی و تفریط او تلف شود، مسئولیتی نداشته باشد؟

ج - ظاهراً چنین شرطی منعی ندارد. ۷۵/۶/۱۷

عاریه

«عاریه» آن است که انسان، مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد، مثل آنکه دوچرخه خود را به

کسی بدهد تا برود منزل و برگردد.

(مسئله ۵۰۳) کسی که چیزی عاریه داده، هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده، هر وقت بخواهد می تواند آن

را پس بدهد.

(مسئله ۵۰۴) اگر مالی را که عاریه کرده از بین برود یا معیوب شود، اگر در نگهداری از آن کوتاهی، و یا در استفاده از آن زیاده روی نکرده،

ضامن نیست؛ ولی اگر در نگهداری از آن کوتاهی کرده و یا در استفاده از آن زیاده روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد.

(مسئله ۵۰۵) اگر قبلاً شرط کرده باشند که هرگونه خسارت بر آن مال وارد شود، عاریه کننده ضامن است، باید آن خسارت را بپردازد.

(مسئله ۵۰۶) چیزی را که عاریه کرده، بدون اجازه صاحب آن نمی تواند به دیگری اجاره یا عاریه دهد.

اشیای پیدا شده

(مسئله ۵۰۷) اگر شخصی چیزی پیدا کند ولی بر ندارد، وظیفه خاصی بر عهده اش نمی آید.

(مسئله ۵۰۸) اگر چیزی پیدا کند و بر دارد، احکام خاصی به این شرح دارد:

۱. اگر نشانه ای نداشته باشد که به واسطه آن صاحب پیدا شود، احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد؛

۲. اگر نشانه دارد و قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار است و صاحب آن معلوم نباشد، می تواند برای خودش بر دارد؛

۳. اگر قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار نیست و نشانه ای دارد که می تواند با آن صاحبش را پیدا کند، باید تا يك هفته هر روز و بعد از آن هفته ای یکبار اعلام کند، و چنانچه تا یکسال اعلام کرد و صاحبش پیدا نشد، می تواند به قصد آنکه «هرگاه صاحبش پیدا شد به او بدهد» برای خودش بردارد، ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.

(مسئله ۵۰۹) هرگاه چیزی پیدا کند که اگر بماند فاسد می شود؛ مانند برخی از میوه ها، باید تا هر مقدار که ممکن است نگه دارد، سپس به قیمت روز خودش بردارد یا بفروشد و پولش را نگه دارد.

عوض شدن کفش

(مسئله ۵۱۰) اگر کفش انسان را ببرند و کفش دیگری به جای آن مانده باشد، چنانچه می داند کفشی که مانده، مال کسی است که کفش او را برده، اگر از پیدا شدن صاحب آن کفش نا امید باشد یا پیدا کردن او برایش مشکل باشد، می تواند آن را به جای کفش خودش بردارد، ولی اگر قیمت آن کفش بیشتر از قیمت کفش خودش باشد، باید هر وقت صاحبش پیدا شد قیمت زیادتر را به او بدهد و اگر از پیدا شدن صاحبش نا امید شود، باید، با اجازه مجتهد جامع الشرائط، از طرف او به فقیر صدقه بدهد.

(مسئله ۵۱۱) اگر احتمال می دهد، کفشی که مانده، مال کسی نیست که کفش او را برده، و دسترسی به او نیست، باید صاحبش را جستجو کند و چنانچه از پیدا کردن وی نا امید شود، از طرف او به فقیر صدقه بدهد.

غصب

«غصب» آن است که انسان، به ناحق و از روی ظلم و ستم، بر اموال دیگران یا حقوق آنان مسلط شود.

غصب از گناهان بزرگ است و انجام دهنده آن در قیامت به عذاب سخت گرفتار می شود. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که، هر کس يك وجب زمین از دیگری غصب کند، در قیامت آن زمین را از هفت طبقه آن مثل طوق به گردن او می اندازند.

(مسئله ۵۱۲) اگر انسان چیزی را غصب کند، علاوه بر آنکه کار حرامی کرده، باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.

(مسئله ۵۱۳) اگر چیزی را که غصب کرده خراب کند، باید تفاوت قیمت آن را بپردازد.

(مسئله ۵۱۴) اگر چیزی را که غصب کرده، تغییری در آن داده که از اولش بهتر شده باشد، مثل اینکه دوچرخه را تعمیر کرده، اگر صاحب مال بگوید، آن را به همین صورت بده، باید به او بدهد، و نمی تواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد، و بدون اجازه صاحبش حق ندارد آن را تغییر دهد که مثل اولش بشود.

(س ۵۱۵) اگر شخصی از روی اشتباه و یا فراموشی در مال غیر تصرف کند و از بین برود، چه حکمی دارد؟

ج - هرگاه شخصی از روی اشتباه یا فراموشی در مال غیر تصرف کند و آن مال را تلف کند، ضامن است.

(س ۵۱۶) تعدادی کتاب از دوستانم نزد من مانده است، اکنون نمی دانم این کتابها مال کیست؟ چون فراموش کرده ام و نشانی آنان را هم ندارم،

با این کتابها چه کنم؟

ج - پولش را از طرف صاحبش صدقه بدهید. ۶۸/۱۱/۱۶

(س ۵۱۷) ما چند نفر دانش آموز هستیم و در یکی از منازل مسکونی در قم زندگی می کنیم و صاحبخانه ما پیرمردی است که زن و فرزندى

ندارد و لوازم زندگی بسیاری، به صورت بلااستفاده در منزل ایشان وجود دارد، آیا می توانیم از آن وسایل استفاده کنیم؟

ج - بدون اجازه مالک، تصرف جایز نیست. ۷۶/۱/۶

(س ۵۱۸) اگر طفل ممیز مال غیر را تلف کند، چه حکمی دارد؟

ج - ضامن است و باید بعد از تکلیف از عهده آن برآید.

(س ۵۱۹) شخصی انگشتری را که غصبی بوده است به کسی هدیه داده است، مدتهاست که آن انگشتر دائماً در دست شخص اهدا شده می باشد.

اکنون اهداکننده از این کارش پشیمان شده و قدرت در آوردن انگشتر از دست او را ندارد، اگر صاحب انگشتر را بشناسد، آیا لازم است که پول را به خود او بدهد؟ مثلاً اگر از لحاظ اجتماعی و ترس از آبرو نتواند این کار را بکند، آیا می تواند پولش را به فقیر برساند؟

ج - چون مالک انگشتر معلوم است، باید به خود او برگردانده شود، یا رضایتش جلب شود. ۷۵/۹/۲

(س ۵۲۰) سیاه کردن دیوار و رواق و حرم یا ضریح امامان (علیهم السلام) به وسیله دود شمع یا وسایل دیگر، چه حکمی دارد؟ و آیا می توان

برای تیرک چیزی را که متعلق به حرم است، مثلاً شمعی را برداشته و به خانه ببریم؟

ج - سیاه کردن جایز نیست، و بردن اشیای متعلق به حرم حتی شمع یا قسمتی از آن به خیال تبرک، غضب و حرام است، اما چکه های آن که بر لباس یا زمین می ریزد، مباح است. ۷۵/۱۰/۱۵

خوردن و آشامیدن

خداوند بزرگ برای استفاده انسانها، طبیعت زیبا و تمام حیوانات و میوه ها و سبزیها را در اختیار آنان قرار داده است، تا از آنها برای خوردن و آشامیدن و پوشاک و مسکن و سایر نیازهای خود بهره ببرند، ولی برای حفظ جان انسانها و سلامتی جسم و روح آنها و بقای نسلها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی قرار داده است که در این قسمت با برخی از آنچه که در رابطه با خوراکیها و آشامیدنیهاست آشنا می شوید:

(مسئله ۵۲۱) خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد، حرام است.

(مسئله ۵۲۲) خوردن و آشامیدن چیز نجس، حرام است.

(مسئله ۵۲۳) خوردن گل، حرام است.

(مسئله ۵۲۴) خوردن مقدار کمی از تربت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) برای شفا، و خوردن گل داغستان و گل ارمنی برای معالجه، اگر

درمان، منحصر به خوردن اینها باشد، اشکال ندارد.

(مسئله ۵۲۵) بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که از گرسنگی یا تشنگی نزدیک است بمیرد، نان و آب داده و از مرگ نجات دهد.

آداب غذا خوردن

(مسئله ۵۲۶) این کارها در رابطه با غذا خوردن، مستحب است:

۱. دستها را قبل از غذا و پس از آن بشوید;

۲. در اول غذا «بسم الله» و در پایان، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگویید;

۳. با دست راست غذا بخورد;

۴. لقمه را کوچک بردارد;

۵. غذا را خوب بجود;

۶. میوه را پیش از خوردن با آب بشوید;

۷. اگر چند نفر سر سفره نشسته اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد;

۸. میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد.

(مسئله ۵۲۷) این کارها در رابطه با غذا خوردن، مکروه است:

۱. در حال سیری غذا خوردن;

۲. پرخوری (زیاد غذا خوردن);

۳. نگاه کردن به صورت دیگران، هنگام غذا خوردن;

۴. خوردن غذای داغ;

۵. فوت کردن به غذایی که می خورد;

۶. پاره کردن نان با کارد;

۷. گذاشتن نان زیر ظرف غذا;

۸. دور انداختن میوه، پیش از آنکه کاملاً آن را بخورد.

آداب آب نوشیدن

(مسئله ۵۲۸) در نوشیدن آب این امور مستحب است:

۱. در روز، ایستاده آب بخورد;

۲. پیش از آشامیدن آب «بسم الله» و بعد از آن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید;

۳. به سه نفس، آب بیاشامد;

۴. پس از آشامیدن آب، حضرت امام حسین (علیه السلام) و خاندان و یاران او را یاد و قاتلان ایشان را لعن کند.

(مسئله ۵۲۹) در نوشیدن آب این امور مکروه است:

۱. زیاد آشامیدن;
 ۲. آشامیدن آب بعد از غذای چرب;
 ۳. با دست چپ آب نوشیدن;
 ۴. در شب، ایستاده آب نوشیدن.
- (س ۵۳۰) بعضی از عوام می گویند که طرف راست گوشت گرگ و خرگوش حلال و طرف چپ آنها حرام است، آیا این مسئله صحت دارد یا خیر؟

- ج- گوشت گرگ و خرگوش حرام است و طرف راست و چپ آنها، فرقی ندارد. ۷۶/۱/۶
- (س ۵۳۱) دنبلان گوسفند، به هر نوعی که از آن استفاده شود، از نظر شرعی حلال است یا حرام؟
- ج- دنبلان گوسفند و یا غیر گوسفند حرام است، اما استفاده از آن، در غیر خوردن، مانعی ندارد. ۷۴/۵/۲۵

احکام سر بریدن حیوان

(مسئله ۵۳۲) اگر چهار رگ بزرگ گردن حیوان حلال گوشت را، از پایین برآمدگی زیر گلو - با شرايطی که خواهد آمد - به طور کامل ببرند، گوشت آن پاک و حلال خواهد بود.

شرایط سر بریدن حیوان

- (مسئله ۵۳۳) سر بریدن حیوان پنج شرط دارد:
۱. کسی که سر حیوان را می برد، باید کافر معاند نباشد و یا با اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اظهار دشمنی نکند;
 ۲. سر حیوان را با ابزار آهنی ببرند;
 ۳. هنگام سر بریدن، صورت و دست و پا و شکم حیوان رو به قبله باشد;
 ۴. هنگام سر بریدن حیوان، به نیت سر بریدن، نام خدا را ببرد، و همین قدر که بگوید «بِسْمِ اللّٰهِ» کافی است;
 ۵. حیوان پس از سر بریدن حرکتی نکند، که معلوم شود زنده بوده است.
- (س ۵۳۴) اگر به جای بریدن سر حیوانات کوچک و پرندگان، سر آن را با دست بکنند، چه حکمی دارد؟
- ج- در صورتی که سر حیوان یا حتی پرنده کوچکی مثل گنجشک، را بکنند، حرام و نجس است.

احکام شکار کردن با اسلحه

- (مسئله ۵۳۵) اگر حیوان حلال گوشت وحشی را با اسلحه شکار کنند، با پنج شرط حلال و بدنش پاک است:
۱. اسلحه شکار، مثل کارد و شمشیر بُرنده باشد، یا مثل نیزه و تیر، تیز باشد که به واسطه تیز بودن، بدن حیوان را پاره کند و اگر به وسیله دام یا چوب و سنگ و مانند اینها حیوانی را شکار کنند و قبل از سر بریدن حیوان بمیرد پاک و حلال نخواهد بود;
 ۲. کسی که حیوان را شکار می کند، باید کافر معاند نباشد و یا با اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اظهار دشمنی نکند;
 ۳. اسلحه را برای شکار کردن حیوان به کار برد، و اگر مثلاً جایی را نشانه کند و اتفاقاً حیوانی را بگشود، آن حیوان پاک نیست و خوردن آن هم حرام است;
 ۴. در وقت به کار بردن اسلحه، نام خدا را ببرد و چنانچه عمداً نام خدا را نبرد، شکار حلال نمی شود؛ ولی اگر فراموش کند، اشکال ندارد;
 ۵. وقتی به حیوان برسد که مرده باشد، یا اگر زنده است، به اندازه سر بریدن آن وقت نباشد و چنانچه به اندازه سر بریدن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد، حرام است.

صید ماهی

- (مسئله ۵۳۶) اگر ماهی فلس دار را زنده از آب بگیرند و بیرون از آب جان دهد، پاک و خوردن آن حلال است و چنانچه در آب زنده صید شده و در تور یا شبکه مرده، خوردنش حلال می باشد و اگر به غیر صید بمیرد بدنش پاک است، ولی خوردن آن حرام است.
- (مسئله ۵۳۷) ماهی بی فلس را، اگرچه زنده از آب بگیرند و بیرون از آب جان دهد، حرام است.
- (مسئله ۵۳۸) کسی که ماهی را صید می کند، لازم نیست مسلمان باشد، و لازم نیست نام خدا را ببرد.
- (مسئله ۵۳۹) خوردن ماهی زنده، اشکالی ندارد.
- (مسئله ۵۴۰) اگر ماهی زنده را بریان کنند، یا در بیرون آب یا داخل آب پیش از جان دادن بکشند، خوردن آن اشکال ندارد.

(س ۵۴۱) عدّه ای از صیادان نقل می کنند که ماهی را از دریا به وسیله مواد منفجره یا انواع سموم و یا ابزار آلات دیگری که ذاتاً آلت صید محسوب نمی شوند صید می کنند. آیا این ماهی حلال است یا حرام؟ و حکم این عمل چیست؟
ج - اگر ماهی فلس دار به خودی خود نمره باشد بلکه صید شده باشد پاک است و خوردن آن حلال می باشد و فرقی بین آلات صید و روشن آن نیست و فرقی نمی کند که در آب مرده باشد یا خارج از آب. ۸۱/۴/۱۵

احکام نگاه کردن، ازدواج

نگاه کردن

یکی از نعمتهای الهی، قدرت بینایی است، انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقی خود و همنوعانش استفاده کند، و آن را از نگاه به نامحرمان باز دارد؛ گرچه نگاه به طبیعت و زیباییهای آن، اگر تجاوز به حقوق دیگران نباشد، اشکال ندارد، ولی حفظ دیده از نگاه به دیگران و حفظ خود از نگاه نامحرمان، احکام خاصی دارد که در این بخش به برخی از آنها می پردازیم:

محرم و نامحرم

(مسئله ۵۴۲) محرم کسی است که در نگاه به او، محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست نمی باشد، ولی ازدواج با او حرام است.

(مسئله ۵۴۳) این افراد بر پسران و مردان محرم اند:

۱. مادر و مادر بزرگ؛
۲. دختر و دختر فرزند (نوه)؛
۳. خواهر؛
۴. خواهرزاده (دختر خواهر)؛
۵. برادرزاده (دختر برادر)؛
۶. عمه (عمه خودش و عمه پدر و مادرش)؛
۷. خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش).

این دسته از افراد به واسطه خویشاوندی نسبی با هم محرم اند، و گروهی دیگر هم به واسطه ازدواج بر پسران و مردان محرم می شوند، از جمله آنهاست:

۱. همسر؛
 ۲. مادر زن و مادر بزرگ او؛
 ۳. زن پدر (نامادری)؛
 ۴. زن پسر (عروس).
- * زن برادر و خواهر زن نامحرم اند.

(مسئله ۵۴۴) این افراد بر دختران و زنان محرم اند:

۱. پدر و پدر بزرگ؛
۲. پسر و پسر فرزند (نوه)؛
۳. برادر؛
۴. خواهرزاده (پسر خواهر)؛
۵. برادرزاده (پسر برادر)؛
۶. عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش)؛
۷. دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش).

این دسته از افراد به واسطه خویشاوندی نسبی محرم هستند، و گروهی دیگر هم به واسطه خویشاوندی سببی (ازدواج) بر دختران و زنان محرم می شوند، از جمله آنهاست:

۱. شوهر؛
۲. پدر شوهر و پدر بزرگ شوهر؛

۳. شوهر دختر (داماد).

* شوهر خواهر و برادر شوهر محرم نیستند.

بجز افرادی که بیان شد ممکن است کسان دیگری نیز به واسطه ازدواج، با شرایط خاصی بر یکدیگر محرم شوند که در کتابهای مفصل فقهی آمده است.

(مسئله ۵۴۵) اگر زنی با شرایطی که در کتابهای فقهی آمده است، بچه ای را شیر دهد، آن بچه بر آن زن و افراد دیگر محرم می شود.^{۲۸}

نگاه به دیگران

(مسئله ۵۴۶) بجز زن و شوهر، نگاه کردن هر انسانی به انسان دیگر، اگر برای لذت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگر، و یا غیر همجنس مانند نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد، همین حکم را دارد.

(مسئله ۵۴۷) پسران و مردان می توانند به تمام بدن زنانی که بر آنها محرم هستند، بجز عورت، بدون قصد لذت بردن نگاه کنند.

(مسئله ۵۴۸) پسران و مردان نمی توانند به بدن و موی زن نامحرم نگاه کنند، ولی نگاه کردن به دستها تا مچ و صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود، اگر به قصد لذت بردن نباشد، اشکال ندارد.

(مسئله ۵۴۹) دختران و بانوان می توانند بدون قصد لذت بردن، به سر و صورت و گردن مرد نامحرم به مقداری که به طور متعارف نمی پوشانند، نگاه کنند.

(س ۵۵۰) نگاه کردن به فیلمهایی که زنها بی حجاب و آرایش کرده در آن بازی می کنند، چه حکمی دارد؟

ج - نگاه کردن به فیلمهایی که باعث آلوده شدن انسان به گناه و یا زمینه ساز فساد و انحراف در انسان و یا در جامعه شود، حرام است.

ازدواج

(مسئله ۵۵۱) کسی که به واسطه نداشتن همسر به حرام می افتد؛ واجب است ازدواج کند.

(مسئله ۵۵۲) در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود، و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن، کافی نیست؛ بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد.

(مسئله ۵۵۳) اگر يك حرف عقد ازدواج، غلط خوانده شود که معنای آن عوض شود، عقد باطل است.

احکام سلام کردن

(مسئله ۵۵۴) سلام کردن به دیگران مستحب، ولی جواب آن واجب است.

(مسئله ۵۵۵) سلام کردن به کسی که در حال خواندن نماز می باشد، مکروه است.

(مسئله ۵۵۶) اگر کسی به نمازگزار سلام کند، باید در جواب «سلام» را مقدم بدارد، مثلاً بگوید «السلام علیکم».

(مسئله ۵۵۷) کسی که نماز می خواند، نباید به دیگران سلام کند.

(مسئله ۵۵۸) سلام را باید فوراً جواب داد.

(مسئله ۵۵۹) اگر دو نفر، همزمان به یکدیگر سلام کنند، بر هر يك واجب است که جواب سلام دیگری را بدهد.

(مسئله ۵۶۰) سلام کردن به کافر، مکروه است، و اگر او به مسلمانی سلام کند، احتیاط واجب آن است که در جواب بگوید: «علیک» و یا فقط

بگوید: «سلام».

آداب سلام کردن

(مسئله ۵۶۱) مستحب است، سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و گروه اندک به گروه زیاد و کوچک به بزرگ، سلام کند.

(مسئله ۵۶۲) مستحب است، در غیر از نماز جواب سلام را بهتر از آن بدهد، پس اگر کسی بگوید: «سلام علیکم» در جوابش بگوید «سلام

علیکم و رحمة الله».

(مسئله ۵۶۳) سلام کردن مرد به زن، مکروه است، مخصوصاً به زن جوان.

احکام قرآن

(مسئله ۵۶۴) «قرآن» همیشه باید پاک و تمیز باشد و نجس کردن خط و ورق قرآن، حرام است، و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.

۲۸. برای آشنایی بیشتر می توانید به «رساله توضیح المسائل»، مسئله ۲۴۹۵ مراجعه کنید.

(مسئله ۵۶۵) اگر جلد مخصوص قرآن نجس شود، باید آن را آب بکشند.

لمس کردن خطوط قرآن

(مسئله ۵۶۶) رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن، برای کسی که وضو ندارد، حرام است.

(مسئله ۵۶۷) در لمس نوشته قرآنی، فرقی بین آیات و کلمات بلکه حروف و حتی حرکات آن نیست.

(مسئله ۵۶۸) در چیزی که قرآن بر آن نوشته شده است، بین کاغذ و زمین و دیوار و پارچه فرقی نیست.

(مسئله ۵۶۹) در نوشته قرآنی اینکه با قلم نوشته شده باشد یا چاپ یا گچ و یا چیز دیگر، فرقی نیست.

(مسئله ۵۷۰) اگر نوشته قرآنی در قرآن هم نباشد، لمس آن حرام است. پس اگر آیه ای از قرآن در کتاب دیگری نوشته شده باشد، بلکه اگر

کلمه ای از آن در کاغذی باشد، یا نصف کلمه ای از آن از برگ قرآن یا کتاب دیگری بریده شده باشد، باز هم لمس آن بدون وضو، حرام است.

(مسئله ۵۷۱) موارد زیر، لمس نوشته قرآن به حساب نمی آید و حرام نیست:

۱. لمس آن از پشت شیشه، یا پلاستیک؛

۲. لمس ورق قرآن و جلد آن و اطراف نوشته ها (گرچه مکروه است)؛

۳. لمس ترجمه قرآن، به هر لغتی باشد، مگر اسم خدا که به هر لغتی باشد، مانند کلمه «خدا» لمس آن برای کسی که وضو ندارد، حرام است؛

همچنین اسامی مبارک پیامبران و امامان و حضرت زهرا (علیهم السلام)، به احتیاط واجب، حکم اسم خدا را دارد.

(مسئله ۵۷۲) کلماتی که مشترك بین قرآن و غیر قرآن است مانند «مؤمن»، «الذین» اگر نویسنده به قصد قرآن نوشته باشد، لمس آن بدون

وضو، حرام است.

(مسئله ۵۷۳) لمس خطوط قرآن بر جنب، حرام است.

(مسئله ۵۷۴) انسان جنب نباید سوره های سجده دار قرآن را بخواند.

(س ۵۷۵) آیا سوزاندن نام خدا اشکال دارد؟

ج- جایز نیست و اگر بخواهند از هتك جلوگیری شود، باید آن اوراق را دفن کنند، و در آب انداختن هم مانعی ندارد، بلکه ممدوح است.

(س ۵۷۶) نوشتن قرآن به وسیله گچ و غیر آن روی تابلو و پاک نمودن آن، چه حکمی دارد؟

ج- نوشتن قرآن روی تابلو به شرط طهارت گچ و چیزی که گچ را با آن پاک می کنند، جایز است.

(س ۵۷۷) همراه داشتن قرآن در جیب و رفتن به دستشویی، چه حکمی دارد؟

ج- در صورتی که هتك و بی احترامی نباشد، جایز است.

(س ۵۷۸) نشستن روی روزنامه هایی که احتمال دارد آیات و احادیث روی آنها نوشته باشد، با توجه به اینکه آنها را در خیابانها و معابر

می اندازند، چه حکمی دارد؟

ج- در صورت احتمال و عدم یقین، حرام نیست و با یقین به اینکه روزنامه زیر پا افتاده، آیات قرآنی دارد به خاطر هتك، نشستن روی

آن حرام است.

قسم خوردن

(مسئله ۵۷۹) اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم مانند «خدا» و «الله» قسم بخورد که کاری را انجام دهد، یا ترك کند، مثلاً سوگند بخورد که

دو رکعت نماز بخواند، واجب است به آن عمل کند.

(مسئله ۵۸۰) اگر عمداً به سوگندی که خورده است عمل نکند، باید کفاره بدهد و کفاره آن یکی از این سه چیز است:

۱. آزاد کردن يك برده؛

۲. سیر کردن ده فقیر؛

۳. پوشاندن ده فقیر.

و اگر هیچ کدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.

(مسئله ۵۸۱) کسی که قسم می خورد، اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او، مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ

است.

(مسئله ۵۸۲) کسی که قسم می خورد، کاری را انجام دهد، باید آن کار حرام و مکروه نباشد، و کاری را ترك کند، باید واجب و مستحب نباشد.

استفتانات

غنا و موسیقی

(س ۵۸۳) به نظر حضرت عالی، استماع غنا چه حکمی دارد و چه غنایی حرام است؟

ج - به نظر این جانب، همان طور که بعضی از بزرگان علما (قدس سرهم) فرموده اند، حرمت موسیقی و غنا، حرمت محتوایی است و هر صوت و غنا و موسیقی بی که در آن ترویج بی بند و باری و بی عفتی باشد و یا برای عیاشی و هوسرانی عیاشان و هوسرانان خودخواه و غیرمتعهد و یا ترویج باطل و تخدیر افکار و به انحراف فکری کشاندن انسانها باشد و یا از اسلام، چهره ای ناخوشایند و خلاف سهولت و عدالت نشان دادن و... باشد امثال موارد، در همه و همه، غنا و موسیقی اش حرام است، و عامل و خواننده و مستمع، مرتکب

حرام شده اند و حتی اگر آیه ای از قرآن هم برای ترغیب به کار حرام و باطل با غنا خوانده شود، غنای آن هم حرام است، چه برسد به غنا و موسیقی نسبت به سنت و مسائل دیگر اسلامی. ۷۸/۶/۶

(س ۵۸۴) آیا گوش دادن به موسیقی حرام است یا حلال؟

ج - گوش دادن به موسیقی حرام، حرام است، همچنان که نواختن آن حرام است. ۷۵/۱۱/۱۸

(س ۵۸۵) گوش دادن به موسیقی، در صورتی که انسان تحریک نشود و فقط برای سرگرمی باشد، چه حکمی دارد؟

ج - آنچه از موسیقی حرام است، بین سرگرمی و غیر آن فرقی نیست. ۷۵/۶/۶

(س ۵۸۶) نظر شما در مورد گوش سپردن به آهنگهای موسوم به ترانه چیست؟

ج - گوش دادن به ترانه های فاسد و مبتذل، حرام است. ۷۴/۱۲/۱۱

(س ۵۸۷) رفتن به کلاس موسیقی جهت یادگیری، چه حکمی دارد؟

ج - هر موسیقی بی که حرام باشد یعنی دارای محتوای باطل و برای شب نشینیهای کثیف و ظلمانی باشد، تعلیم و تربیت آنها هم حرام است؛ اما رفتن به کلاس برای محض یادگیری، که هم می توان در راه مشروع از آن استفاده نمود و هم غیر مشروع، و هدفش آن باشد که در راه مشروع استفاده نماید، جایز است. ۷۸/۲/۳۰

(س ۵۸۸) نگاه کردن و گوش کردن به برنامه های «رادیو و تلویزیون» کشورهای خارجی چه صورتی دارد؟

ج - در صورتی که آن برنامه ها منشأ فساد و فحشا در جامعه و یا ترویج کفر و باطل باشد، حرام است و باید از آن اجتناب نمود. ۲۵/

۷۹/۱۲

کف زدن و رقصیدن

(س ۵۸۹) کف زدن به هنگام سرودهای مذهبی که توسط مذاحان خوانده می شود، و ابراز شادی و سرور در مجالس میلاد و شادی

اهل بیت (علیهم السلام)، چه صورتی دارد؟

ج - کف زدن را، فی حد نفسه (به خودی خود) نمی توان گفت حرام است، اما رعایت جهات دیگر مانند حفظ ارزشها و معیارهای

اسلامی لازم است. ۷۴/۱۱/۱۲

(س ۵۹۰) دایره زدن و کف زدن که تحریک کننده و مفسده انگیز باشد و همچنین رقصیدن مرد در مجلسی که اختلاط زن و مرد است، چه

حکمی دارد؟

ج - همه آنچه ذکر شد، حرام است. ۷۵/۴/۲۰

(س ۵۹۱) با توجه به تعریفهای نامفهومی که از مجلس لهو و لعب می شود، خواهشمند است که تعریف کاملاً روشنی با ذکر مثال از این مجالس

بفرمایید؟

ج - مجالس عیاشی که با ارتکاب محرّمات، مانند قمار و مشروب و غیره باشد، مجالس لهوی است که شرکت در آن حرام است. ۶/۱/

۷۵

برد و باخت

(س ۵۹۲) کدام يك از مسابقات متداول از لحاظ انطباق با دستورات اسلام مشروعیت دارد و کدام يك مشروعیت ندارد؟

ج - اگر مسابقه و بازی با ابزار قمار باشد - چه برد و باخت باشد و چه بدون آن حرام است؛ ولی اگر ابزار قمار در کار نباشد مانعی

ندارد، همچون بازیهای متداول مانند فوتبال، والیبال، اسکی و مانند آن، و دلیلی بر حرمت جایزه هایی که برای مسابقه امثال فوتبال و

غیره، از کارهای مباح پرداخت می‌گردد، نداریم و اصل بر حلیت و جواز است، و در این حکم، بین جوایزی که دیگران می‌دهند یا خود بازیکنان می‌پردازند، تفاوتی نیست، چون حتی اگر خود بازیکنان هم بپردازند قمار صدق نمی‌کند، تا حرام باشد. ۶۸/۶/۱۲

(س ۵۹۳) آلت قمار به چه آلتی گفته می‌شود؟ آیا پاسور، آلت قمار است؟ شطرنج چطور؟ آیا آلت قمار، ممکن است از آلت خارج شود؟

ج - آلات قمار، ادوات و ابزار است که بین مردم، برای برد و باخت، متعارفاً استفاده می‌شود. اگر چیزی قبلاً از ادوات قمار بوده و شك دارد که هنوز هم جزء آلات قمار هست یا نه، در حکم آلات قمار است، و اما اگر چیزی فعلاً آلت قمار نیست، هر چند در گذشته جزء ادوات قمار بوده، بازی و سرگرمی با آن، بدون برد و باخت، مانعی ندارد، وگرنه مطلقاً حرام است. ۷۴/۴/۷

(س ۵۹۴) اگر شطرنج آلت قمار بودن خود را به کلی از دست داده باشد و امروزه تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده گردد، بازی با آن چه صورتی دارد؟

ج - بر فرض مذکور، اگر برد و باختی در بین نباشد، اشکال ندارد.

(س ۵۹۵) بازی با ورق پاسور بدون برد و باخت و فقط برای سرگرمی چه حکمی دارد؟

ج - در صورتی که جزء آلات قمار باشد، بدون برد و باخت بنا بر احتیاط واجب حرام است؛ و به صورت برد و باخت و قمار قطعاً حرام است. ۷۱/۲/۵

نقاشی و مجسمه سازی

(س ۵۹۶) نظر مبارک جناب عالی درباره مجسمه سازی و خرید و فروش مجسمه چیست؟ نقاشی و طراحی به طور کلی چه حکمی دارد؟

ج - مجسمه سازی، برای اهداف عقلایی، حرام نیست و نقاشی و طراحی که دارای مفسده نباشد و بی عفتی و بی بند و باری را ترویج نکند، جایز است و منعی ندارد.

(س ۵۹۷) لطفاً نظر خود را در مورد نقاشیهای مینیاتوری که معمولاً هیئت پوشیده ای از زنان را ترسیم می‌نماید بفرمایید. آیا خرید و فروش این تابلوها جایز است؟

ج - نقاشیهای مینیاتوری و غیر آن در صورتی که موجب ترویج فساد نباشد، جایز است و خرید و فروش آنها هم مانعی ندارد. ۷۴/۱۲/۴

غیبت

(س ۵۹۸) آیا گناه شنونده غیبت به اندازه گوینده آن است؟

ج - شنونده هم گناهکار است و معصیت کرده. ۷۴/۲/۶

تهمت

(س ۵۹۹) آیا تهمت زدن و افترا بدون دلیل و فحاشی به حضرات محترم روحانی و غیرروحانی موجب فسق می‌گردد؟

ج - تهمت زدن و افترا به هر مؤمنی موجب فسق و ساقط شدن از عدالت می‌شود، خصوصاً که مورد تهمت و افترا علما و روحانیون بزرگوار باشند. در روایت از امام صادق (علیه السلام) آمده است کسی که چیزی را بر ضرر مؤمنی بگوید و هدفش ریختن آبروی او باشد و خواسته باشد او را از چشم مردم بیندازد و بی اعتبار کند، خدا او را از ولایت خود خارج و به ولایت شیطان وارد می‌کند، و شیطان هم او را قبول نمی‌کند. ۷۶/۳/۴

تجسس

(س ۶۰۰) شناسایی منکرات و مفاصد اخلاقی که توسط بعضی افراد، در خانه های خود انجام می‌گیرد، تا چه حد از نظر شرعی جایز است که تجسس کنیم؟

ج - تجسس حرام و غیرجایز است. ۷۶/۳/۱۳

دروغ

(س ۶۰۱) اگر فردی که در گذشته برای دوستان خود ماجراهایی را به دروغ تعریف کرده است، حال توبه کند. وقتی که از او (بعد از توبه کردن) از صحت آن ماجراها سؤال کنند چه جوابی باید بدهد؟

ج - اگر عنوان کردن ماجراهای کذب، راجع به افراد و کوبیدن شخصیت آنها بوده است، باید کذب بودن ماجراها را مطرح کند و بگوید دروغ گفتم که اگر ذهنیتی درباره آن افراد حاصل شده، برطرف گردد. ۷۴/۲/۲

تشبه به قمار

(س ۶۰۲) اخیراً در میان برخی از جوانان استفاده از مُدل مو و لباسهایی شایع شده است که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه گرفته شده است، نظر به اینکه پوشیدن این لباسها و خود این گونه آرایش کردن، عرفاً از مصادیق تشبیه به کفار است، آیا شرعاً حرام است یا حلال؟
ج - اگر ترویج فرهنگ معاندان و محاربان و دشمنان اسلام باشد، حرام و غیرجایز است. ۷۴/۶/۱۶

مواد مخدر

(س ۶۰۳) استعمال مواد مخدر از قبیل بنگ، حشیش، تریاک، هروئین، مُرفین، ماری جُوانا و... به صورتهای گوناگون چه حکمی دارد؟
ج - استعمال آنها به هر قسم، حرام است، اما آنچه سُکرآور (مست کننده) است، مانند بنگ، به عنوان مسکر حرام و غیر آن به عنوان چیزی که نزد عرف و عقلا ضرر زننده و مضر محسوب می شود، حرام است. ۷۱/۷/۷
(س ۶۰۴) استعمال تریاک به طوری که اعتیاد نداشته باشد، و هیچ گونه ضرری برای بدن نداشته باشد، حکم شرعی این مسئله چیست؟ کشیدن تریاک برای تفریح و نه اعتیاد، چه حکمی دارد؟
ج - به هر حال حرام و مفسده برانگیز است. ۷۵/۱۰/۲۷

ترقه

(س ۶۰۵) استفاده از ترقه و امثال آن چه حکمی دارد؟
ج - چون اتلاف مال است و جهات دیگری هم هست، حرام و خرید و فروش آنها هم حرام است؛ و اگر بر اثر این کارها ضرری متوجه کسی شود، ضرر زننده ضامن است.

اذیت کردن حیوانات

(س ۶۰۶) در آوردن کندوی عسل به طوری که تمام عسلها درآورده شود، و هیچ از آن باقی نماند، و بیشتر زنبورهای آن بمیرند، چه حکمی دارد؟
ج - حیواناتی که در اختیار انسان می باشد، دادن نفقه آنها واجب و تخلف از آن حرام و معصیت است، و چه نیکوست که علاوه بر عدل، انصاف نیز درباره آنها مراعات گردد. ۷۵/۹/۷
(س ۶۰۷) کشتن گربه هایی که مزاحمت ایجاد می کنند، چه حکمی دارد؟
ج - کشتن گربه هر چند ضرر برساند، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست و حرام است، بلکه باید آن را بترسانند و یا به نحوی او را دور نمایند.

توبه

(س ۶۰۸) شرح توبه کردن را بنویسید.
ج - توبه پشیمانی از گناهان و انجام واجبات فوت شده، و ادای دیون مردم و انجام کارهای نیک است.
(س ۶۰۹) اگر کسی گناهی انجام دهد که حد داشته باشد، و دیگران نفهمند و توبه کند، آیا توبه او بدون اجرای حد قبول است یا خیر؟
ج - گناهانی که «حق الله» است، هر چند موجب حد و یا رجم باشد رجوع به حاکم در آنها نه تنها غیرلازم، بلکه مذموم و نامطلوب است؛ و اگر بین خود و خدا توبه کند، و پشیمان گردد کفایت می کند. ناگفته نماند اظهار گناه که اشاعه فحشا می باشد، خود معصیت و گناه دیگری است. ۷۴/۱۰/۷

خواب دیدن

(س ۶۱۰) آیا خواب حجت شرعی است یا نه؟ و خوابهایی که درباره ائمه معصومین (علیهم السلام) دیده می شود، آیا معتبر و مورد اعتماد است یا نه؟
ج - خواب، مورد اعتماد و اعتنا نیست؛ مخصوصاً اگر زیاد خواب ببیند، آن هم خوابهای مختلف و گوناگون. ۷۴/۱۱/۶

□ یادآوری

آنچه در این کتاب آمده، تمام مسائل احکام نیست، بلکه قسمتهای زیادی از احکام که در درجه اول مورد نیاز نوجوانان و جوانان بوده، در این رساله آورده شده و در صورت نیاز به سایر مسائل می توانند به «رساله توضیح المسائل» مراجعه کنند.

والحمد لله اولاً و آخراً

واژه نامه

- آب جاری:** آب جوشیده از زمین و درحال جریان - مثل آب چشمه و قنات.
- آب قلیل:** آب کمتر از آب گُر که از زمین نجو شد.
- آب گُر:** مقدار معینی از آب مطلق که از جهت مساحت، اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن، هر يك، سه وجب و نیم باشد (که جمعاً ۵/۴۲ وجب و هفت هشتم وجب است) بریزند، آن ظرف را پر کند؛ اما از جهت وزن، از ۱۲۸ من تبریز، بیست مثقال کم است و به حسب کیلوی متعارف، بنا بر اقرب، «۳۷۷/۴۱۹» کیلوگرم می شود.
- آب مضاف:** آبی است که از چیزی گرفته شده باشد مانند آب انگور و گلاب، و یا با چیزی مخلوط شده باشد، مثل شربت و آب گِل آلود.
- آب مطلق:** به آن آب خالص نیز می گویند و آبی است که از چیزی گرفته نشده باشد و یا با چیز دیگری مخلوط نیست که به آن آب نگویند و دارای پنج قسم است: آب گُر، آب قلیل، آب جاری، آب باران، آب چاه.
- اجتهاد:** کوشش کردن، استنباط احکام شرعی اسلام از روی ادله شرعیّه.
- احتیاط:** آنچه رعایت آن سبب می شود انسان، اطمینان پیدا کند که به آنچه باید عمل کند، عمل کرده است.
- احتیاطاً:** به خاطر احتیاط.
- احتیاط لازم:** احتیاطی که مجتهد وجوب رعایت آن را از طریق ادله عقلی یافته است و مقلد در این گونه مسائل می تواند به همان احتیاط عمل نماید و یا به مجتهد دیگری که از بقیّه مجتهدین اعلم باشد مراجعه کند.
- احتیاط مستحب:** احتیاطی که غیر از فتوای فقیه است و عمل به آن مطلوب است ولی لازم نیست.
- احتیاط واجب:** احتیاطی است که مجتهد وجوب رعایت آن را از آیات و روایات استقاده نماید، و مقلد در عمل، مثل احتیاط لازم که توضیح داده شد می تواند عمل نماید.
- اعلم:** عالم تر، داناتر در مسائل فقهی و استنباط احکام شرعیّه از ادله و آن هم منوط به کثرت تحصیل و تدریس خارج فقه و اصول در حوزه های علمیه و کَرّ و فرّ در مسائل فقهی است.
- افطار:** بازکردن روزه، شکستن روزه، موقع شکستن روزه.
- اهل کتاب:** غیرمسلمانی که خود را پیرو یکی از پیامبران صاحب کتاب می داند، مانند یهودی و مسیحی.
- بالغ، بالغه:** فردی که به سنّ بلوغ رسیده باشد.
- بلوغ:** ظاهر شدن یکی از علائم سه گانه (که در مسئله ۱۶ بیان شد) در انسان که موجب بالغ شدن است، رسیدن به سنّ تکلیف.
- بیع:** خرید و فروش.
- تذکیه:** حیوانی که با رعایت موازین شرع کشته شده باشد.
- تشبّه به کفار:** شبیه شدن به کافران.
- تقلید:** تبعیت از فتاوی مجتهد و عمل نمودن به دستورات فقهی وی.
- ثمن:** آنچه در معامله در مقابل جنس قرار می گیرد، بهای کالا.
- جبیره:** چیزی که با آن زخم و شکستگی را می بندند و دارویی که روی زخم و مانند آن می گذارند «جبیره» نامیده می شود.
- جنابت:** حالتی که بر اثر محتلم شدن یا مقاربت بر انسان عارض می شود که در این صورت باید غسل جنابت انجام دهد.
- حدّ ترخّص:** حدّی از مسافت که در آن صدای اذان شنیده نشود و دیوار محل اقامت، قابل تشخیص نباشد.
- حیض:** قاعدگی، عادت ماهیانه زنان که نشانه های مخصوصی دارد.
- خمس:** يك پنجم، بیست درصد درآمد سالیانه و... که باید به مرجع تقلید پرداخت شود.
- خيار:** اختیار داشتن، قدرت شرعی و قانونی که یکی از طرفین عقد پیدا می کند که به موجب آن می تواند عقد را منحل کند.
- خيار غبن:** حقّ شرعی و قانونی که به خاطر متضرر شدن یکی از طرفین معامله برای او نسبت به بر هم زدن معامله پیدا می شود.
- ذهاب حمرة مشرقیه:** برطرف شدن سرخی طرف مشرق آسمان در هنگام غروب آفتاب.
- زکات:** رشد، پاکي از چرك و كثافت، مقدار معینی از اموال خاصّ انسان (موارد ۹ گانه) که به شرط رسیدن به حدّ نصاب باید در موارد مشخص خود مصرف شود.
- زکات فطره:** حدود سه کیلو گندم، جو، ذرت و غیره یا مبلغ معادل آن که در شب عید فطر واجب است به فقرا بدهند و یا در مصارف دیگر زکات صرف کنند.

صاع: پیمانه ای است که در حدود سه کیلوگرم گنجایش داشته باشد.

طواف خانه خدا: هفت دور گرد خانه خداگشتن.

عادل: شخصی که دارای ملکه عدالت است و از گناهان پرهیز می نماید.

عاریه: آنچه از کسی برای رفع حاجت بگیرند و چون حاجت و نیاز آنها بر طرف شد به صاحبش برگردانند. (دادن مال خود به دیگری برای استفاده موقت و بلاعوض از آن).

عورت: عضوی که شخص به خاطر شرم آن را می پوشاند، شرمگاه، (کنایه از عضو و آلت تناسلی و جنسی زن و مرد).

غسل مسّ میّت: غسلی که به واسطه دست زدن به بدن مرده سرد شده قبل از غسل دادن میّت بر انسان واجب می شود.

غصب: استیلائی ظالمانه بر مال یا حقّ دیگران، گرفتن چیزی را به ستم.

غنا: آواز خوانی، آواز خوش همراه با طرب.

فتوا: رأی و نظر فقیه و مجتهد در مسائل شرعی.

فرائض: فریضه ها، واجبات.

فجاج: شرابی که از جو می گیرند و به آن «آب جو» می گویند، البته غیر از «ماء الشعیر» است.

فلس ماهی: هر يك از پولکهای كوچك پوست ماهی.

فی حدّ نفسه: به تنهایی، بدون توجه به مسائل دیگر، بدون نظر گرفتن امور دیگر.

قسم: سوگند؛ سوگند به یکی از اسامی خداوند برای انجام دادن کار پسندیده یا ترك ناپسند که در این صورت آن کار بر انسان واجب می شود.

قصد قربت: تصمیم برای نزدیک شدن به مقام رضا و قرب الهی.

قضا کردن: به جا آوردن اعمالی که در وقت معین خود، انجام نشده است.

قی: استفراغ کردن، بیرون ریختن محتویات معده از راه دهان.

قیام: ایستادن.

قیام متّصل به رکوع: ایستادن پیش از رکوع.

قیم: سرپرست، متولی و وقف، کسی که بر اساس وصیّت یا حکم حاکم شرع، عهده دار سرپرستی کودک یتیم یا وقف و غیر آنها می باشد.

کافر ذمی: اهل کتاب و کسانی که غیرمسلمان هستند و جان و مال آنها در پناه اسلام از امنیت برخوردار است با شرایط مخصوص اهل ذمه.

کافر: کسی که پیرو دین حق نباشد، کسی که منکر وجود خداست، یا برای خدا شریک قرار می دهد، و یا پیامبری حضرت خاتم الانبیا محمد (صلی الله علیه و آله) را قبول ندارد، کسی که منکر ضروری دین بشود به طوری که به انکار خدا و رسول برگردد.

کافر معاند دینی: کافری که کفرش از روی انکار (عن جود) باشد، در حالی که حقانیت اسلام را قبول دارد.

کثیرالسفر: کسی است که زیاد مسافرت می کند، به گونه ای که حداقل قبل از ده روز، يك مسافرت شرعی داشته باشد.

کفاره: هر چیزی که بدان گناه را پاک گردانند مانند صدقه و روزه و مانند آن، عملی که انسان برای جبران گنااهش انجام دهد.

مئونه: مخارج، هزینه زندگی.

مباح: امری است که انجام و ترك آن مساوی باشد، در برابر واجب و حرام و مکروه و مستحب (مباح بودن آب یعنی غصبی نبودن آن).

مبطل: باطل کننده، و در عبادات هر عملی که شرعاً آنها را باطل کند.

مثن: جنسی که در معامله فروخته می شود.

مجتهد جامع الشرائط: مجتهدی که تمام شرایط مرجع تقلید بودن را دارا باشد.

مجتهد: در لغت به معنای کوشاست و اصطلاحاً به کسی گفته می شود که در فهم احکام الهی دارای قدرت علمی مناسب، جهت استنباط احکام اسلام از روی ادله شرعی باشد.

مُجْزِي: کافی، کفایت کننده.

محتلم: خواب بیننده، کسی که در خواب منی از او خارج گردد.

محرّم: خویشاوندان نزدیک، کسانی که به خاطر نسب (خویشاوندی) یا رضاع (شیر خوردن) یا ازدواج، از دواج با آنها حرام ابدی می شود مانند خواهر، مادر، دختر، دختر دختر، جد، عمو، عمه، خاله، دایی، نبیره، فرزندان زن از شوهر قبلی (ربیبه)، مادر زن و مادر او، دختر و خواهر رضاعی، زن پدر، زن پسر؛ البته زن و شوهر را هم محرم می گویند یعنی نگاه و لمس تمام اعضای بدنشان جایز است.

مُد: تقریباً ده سیر (معادل ۷۵۰ گرم). **يَكُ مَدَّ طَعَامٍ**، یعنی حدود ده سیر گندم یا جو و مانند اینها که به فقیر می دهند، پیمانه ای است که تقریباً ده سیر ظرفیت دارد.

مسافت شرعی: مسافت به بیشتر از هشت فرسنگ که چهل و پنج کیلومتر می باشد یا چهار فرسنگ رفت و چهار فرسنگ برگشت که مجموعاً «۲۲/۵» کیلومتر رفت و «۲۲/۵» کیلومتر برگشت است.

مستحب: پسندیده، نیکو، قول یا فعلی که گفتن و انجام آن ثواب اخروی دارد و ترکش مانعی ندارد.

مستهلك: از بین رفته، نابود گردید، معدوم.

مُسرَى: سرایت کننده، مثل نجاستی که از چیز دیگر منتقل شود، یا مرضی که از کسی به شخص دیگر سرایت نماید.

مطهرات: پاک کننده ها.

معقو: بخشیده شده.

مكَلَّف: به زحمت و مشقت افتاده، کودکی که به سن بلوغ رسیده و شرعاً وظیفه پیدا می کند که او امر الهی را عمل و نواهی او را ترك نماید.

موالات: با کسی دوستی و پیوستگی داشتن، کار و عملی را پی در پی و پشت سر هم بدون فاصله انجام دادن.

نفاس: خونی که پس از زایمان از رحم زن خارج می شود.

نماز آیات: نمازی که در مواقع مخصوص، مثل هنگام وقوع زلزله، سیل، کسوف، خسوف و... واجب می شود که دو رکعت است.

نماز احتیاط: نمازی است که سوره ندارد و برای جبران رکعات مورد شك، به جا آورده می شود.

نماز ادا: نمازهای واجب که در وقت معین خود خوانده می شود و در صورت انجام ندادن در آن وقت، قضا می شود.

نماز شکسته: نماز قصر، نمازهای چهار رکعتی که در سفر باید دو رکعت خوانده شود.

نماز طواف: دو رکعت نماز مخصوص که در مراسم حج و عمره، پس از طواف واجب، به جا آورده می شود.

نماز غفیله: دو رکعت نماز مخصوص است که مستحب است بین نماز مغرب و عشا خوانده شود.

نماز فرادی: نمازی که انسان به صورت انفرادی بخواند.

نماز قضا: به جا آوردن نمازی که در وقت معین خود، خوانده نشده است.

نماز میت: نماز واجبی که باید بر جنازه مسلمان خوانده شود.

نماز وتر: يك رکعت نماز مستحبی که پس از نماز «شفع» خوانده می شود و آخرین رکعت از نماز شب است.

نماز وتیره: دو رکعت نماز نشسته که مستحب است بعد از نماز عشا خوانده شود، که بدل از يك رکعت ایستاده است.

نماز وحشت: دو رکعت نمازی که در شب اول دفن میت برای او می خوانند که در رکعت اول «حمد» و «آیه الکرسی» و در رکعت دوم

«حمد» و «ده مرتبه سوره مبارکه قدر» (اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ) را می خوانند و ثوابش را به میت هدیه می کنند.

نوافل: غنیمتها، عطیه ها، نمازهای مستحبی که زیادتى بر نمازهای واجب است و عطیه ای است الهی مثل نماز شب.

واجب: هر عملی که انجام دادن آن از نظر شرع الزامی و ضروری است.

وضوی ارتماسی: وضویی که انسان به عوض آنکه آب را روی صورت و دستهایش بریزد صورت و دستهایش را با مراعات شستن از بالا به پایین در آب فرو برد و در حال فرو بردن یا بیرون آوردن آن قصد وضو کند.

وضوی ترتیبی: وضویی که انسان با ریختن آب به قصد وضو باید اول صورت و بعد دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوید و آن گاه با رطوبتی که بر کف دست مانده سر را مسح نماید و بعد پاها را مسح نماید.

وضوی جبیره: آن است که در اعضایی که باید در وضو شسته یا مسح شود، جبیره باشد.